

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

درس نامه پیام منشور روحانیت

به انضمام بیانیه گام دوم

امام خامنه‌ای:
اگر راه امام را گم کنیم
یا فراموش کنیم یا خدای ناکرده
عمداً کنار بگذاریم، ملت ایران
سیلی خواهد خورد.

(۱۳۹۴/۰۳/۱۳)

فهرست

۹	مقدمه
۹	— چرا درس نامه پیام منشور روحانیت؟
۱۰	— اهمیت بازخوانی پیام منشور روحانیت
۱۱	— منطق و شیوه تبدیل متون به درس نامه
۱۳	درس اول؛ مروری بر پیام منشور روحانیت
۱۴	— اهداف درس
۵	— فضای سیاسی زمان صدور پیام منشور روحانیت (اسفند سال ۱۳۶۷)
۱۵	— آگاهی از شأن صدور؛ رکن فهم متن ها
۱۵	— اتفاقات منجر به صدور پیام منشور روحانیت
۱۶	— نامه بازرگان و سخنرانی منتظری؛ واکنش امام ^(ع)
۱۹	— محتوای کلی پیام منشور روحانیت
۲۲	— خلاصه درس اول
۲۳	— پرسش های درس اول
—	—

۲۵	درس دوم؛ جایگاه و نقش روحانیت متعهد
۲۶	— اهداف درس
۲۷	— مخاطبین پیام
۲۷	— عظمت جایگاه الهی روحانیت متعهد
۲۷	— ثمره پیوند حقیقی علم و عمل
۳۰	— حسرت همیشگی در وصال به شهادت
۳۱	— جایگاه و نقش روحانیت در بُعد علمی
۳۲	— جایگاه و نقش روحانیت در بُعد اجتماعی
۳۲	— رسم دیرینه پرچمداری شهادت در مرام روحانیت متعهد
۳۳	— مواجهه علمای اصیل اسلام با سرمایه داران زالوصفت
۳۴	— فتوت؛ روح سلوک علمی، معنوی و اجتماعی روحانیت متعهد
۳۴	— راز و رمز ترویج روحانیت و فقاہت بدون زور، زر و تزویر
۳۵	— نوع مواجهه روحانیت متعهد با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته
۳۵	— عوامل زندگی، پایداری و محبوبیت روحانیت متعهد
۳۶	— بسط تفکر اسلام ناب با کمی امکانات؛ بالاترین عزت روحانیت متعهد
۳۶	— چرایی دشمنی دیرینه استعمار با جریان روحانیت متعهد
۴۱	— خلاصه درس دوم
۴۲	— پرسش های درس دوم

۴۳	درس سوم؛ افشاء و طرد روحانیون وابسته و متحجر
۴۴	— اهداف درس
۴۷	— خطر جدی جریان روحانیون وابسته
۴۸	— ضرورت رصد جریان روحانیون وابسته
۴۸	— راه‌های ضربه زدن استکبار
۴۸	— تمرکز استکبار بر نفوذ در دوران معاصر
۴۹	— القای شعار جدایی دین از سیاست؛ اولین و مهم‌ترین حرکت نفوذی استکبار
۴۹	— خون‌دل از تأثیر نفوذ دشمن و بسط تفکر جدایی دین از سیاست در حوزه‌ها
۴۹	— آسیب‌های شعار جدایی دین از سیاست
۵۰	— علمای دین باور و مبارز، عامل کیان و مجد واقعی حوزه‌های علمیه
۵۰	— ضرورت مراقبت از سرایت لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان
۵۰	— اهمیت بازخوانی تاریخ تقابل دو جریان روحانیت وارسته و وابسته
	— مبارزه و ایثار خون؛ تنها راه حل روحانیت متعهد برای تقابل با نفوذ مقدس‌نماها در
۵۱	دوران مبارزات
۵۱	— مروری بر نقش منفی مقدس‌مآبان متحجر در قیام ۱۵ خرداد
۵۲	— ضربه خوردن اسلام از مقدسین روحانی نمایش از هر قشر دیگری
۵۳	— امتداد جریان مقدسین روحانی‌نما (جریان واپس‌گرای حوزوی)
۵۴	— پیچیدگی‌ها و مشکلات برخورد واقعی با خطر نفوذ
۵۴	— تبلیغ دوگانه و مُغرضانه علیه دادگاه ویژه روحانیت
۵۵	— حفظ اتحاد و یکپارچگی روحانیت؛ راهکار قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌های علمیه
۵۵	— الزامات نقد صحیح مسائل جامعه

۵۷	— خلاصه درس سوم
۵۸	— پرسش های درس سوم
درس چهارم؛ تحلیل کلان و واقع گرایانه عملکرد نظام	
۵۹	
۶۰	— اهداف درس
۶۱	— موفقیت انقلاب اسلامی در اکثر اهداف وزمینه ها حتی در جنگ
۶۱	— دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام؛ هدف اساسی ما در جنگ
۶۱	— برکات دفاع مقدس
۶۲	— تبیین ماهیت و جنبه های الهی دفاع مقدس
۶۳	— جنگ و صلح، تنها برای ادای تکلیف الهی
۶۳	— معنای صحیح تکلیف مداری انقلابی
۶۵	— تحقق عینی و موفقیت اکثر شعارهای انقلابی ملت ایران
۶۵	— تداوم شعارهای انقلاب؛ تغییر تاکتیک برای رفع موانع تحقق شعارها
۶۵	— ضرورت عبرت از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها
۶۶	— سپردن پُست های کلیدی به لیبرال ها؛ اشتباهی بزرگ
۶۷	— انقلاب اسلامی مدیون کسی نیست
۶۷	— عواقب مرثیه سرایی برای منافقین جنایتکار
۶۸	— اعلام مواضع شفاف، قاطع و انقلابی
۶۹	— اعتماد راسخ به وفای امت انقلابی ایران
۷۰	— خلاصه درس چهارم
۷۱	— پرسش های درس چهارم

۷۳	درس پنجم؛ بایسته‌های روحانیت متعهد انقلابی
۷۴	— اهداف درس
۷۵	— ضرورت پرهیز از اختلاف و تجزیه روحانیت
۷۵	— تحلیل و تأیید رویکردهای انقلابی جامعه مدرسین حوزه علمیه
۷۷	— لزوم تأمل در عواقب و پیامدهای اختلاف و چنددستگی
۷۷	— ضرورت اقدام صحیح و به‌هنگام روحانیت متعهد
۷۷	— توصیه اکید به ارتباط و پیوند سازنده بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی
۷۸	— نابودی روحانیت انقلاب؛ علت اصلی تبلیغات دشمنان علیه روحانیت
۷۹	— بصیرت در مسیر انقلاب؛ هدف اصلی نگارش پیام
۷۹	— توجه به سبک اجتهاد جواهری؛ فقهی سنتی و در عین حال پویا
۸۱	— معنای تعیین‌کنندگی دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد
۸۱	— بایسته‌های یک مجتهد واقعی
۸۱	— تحقق عملی فقه؛ غایت و ماهیت حکومت اسلامی
۸۲	— یافتن راه‌های پیاده‌سازی فقه در عمل فرد و جامعه؛ هدف اساسی انقلاب و نظام اسلامی
۸۲	— ریشه‌یابی تقابل سنگین استکبار با حکم ارتداد سلمان رشدی
۸۲	— منشاء همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه انقلاب
۸۲	— ضرورت حرکت به سمت خودکفایی کامل
	— افشاء چهره مزورانه به ظاهر متمدن و متفکرین غربی و غرب‌زده، در فتوای ارتداد سلمان رشدی
۸۳	—
۸۳	— تأسف از عملکرد دولت‌های کشورهای اسلامی
۸۴	— رویکرد عزتمندانه در مشی دیپلماتیک و سیاست خارجی انقلاب
۸۴	— ساده‌لویی لیبرال‌ها در مواجهه با استکبار و صهیونیسم جهانی
۸۴	— نگاه فرصت‌محور به موضوع سلمان رشدی

۸۵	بیدار باش در مقابل تحلیل های نادرست
۸۶	حاکمیت تفکر و اگر ایانه در کشور؛ آخرین نگرانی امام در پیام منشور
۸۶	خلاصه بایسته های روحانیت متعهد انقلابی
۸۶	لزوم نگاه صحیح و الهی به کارهای اجرایی نظام جمهوری اسلامی
۸۷	فرصت تاریخی حوزه و روحانیت
۸۷	سخن آخر
۸۸	جمع بندی پیام منشور روحانیت
۹۴	خلاصه درس پنجم
۹۶	پرسش های درس پنجم
درس ششم؛ درس های منشور روحانیت برای امروز	
۹۷	
۹۸	اهداف درس
۹۹	فصل (۱): اصول اسلام ناب محمدی <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۰۲	فصل (۲): خطر نفوذ دشمن
۱۰۹	فصل (۳): جریان شناسی نحله های سکولار گذشته و امروز
۱۰۹	الف) شریعتمداری
۱۱۱	ب) انجمن حجتیه
۱۱۴	ج) ولایتی ها
۱۱۷	د) نهضت آزادی
۱۲۶	ه) باز شناسی جریان غیر انقلابی
۱۳۳	خلاصه درس ششم
۱۳۵	پرسش های درس ششم

مقدمه

❁ چرا درس نامه پیام منشور روحانیت؟

روحانیت، از مهم ترین اقشار نقش آفرین و اثرگذار در پیروزی و استمرار انقلاب اسلامی هستند و بازخوانی مکرر شئون، تکالیف و وظایف این نهاد مهم، در پیشروی اهداف و تحقق شعارهای انقلاب و نظام اسلامی امری مسلم است.

در بین آثاری که به خوبی این مهم را محقق ساخته است پیام مکتوبی است که حضرت امام خمینی (رضوان الله علیه)، صدر روز قبل از ارتحال ملکوتی خود (۳ اسفند ۱۳۶۷) خطاب به روحانیون سراسر کشور، صادر کردند که با عنوان «منشور روحانیت» شناخته می شود.

شاید تصور اولیه بر این باشد که وصیت نامه سیاسی الهی امام، آخرین مکتوب امام (ع) با امت باشد ولی مراجعه به خود وصیت نامه، گویاست که در اواخر سال ۱۳۶۱ نوشته شده و بنا به نقل یکی از اعضای دفتر حضرت امام، در سال ۱۳۶۶ بازبینی گردیده است. البته این موضوع چیزی از اهمیت وصیت نامه کم نمی کند بلکه می توان با قاطعیت گفت وصیت نامه، جامع ترین کلام یکپارچه حضرت امام (ع) می باشد و رجوع به آن در هر عصر و نسلی راه گشای امت خواهد بود.

اما به لحاظ زمانی، باید پیام منشور روحانیت را مهم ترین مکتوب جامع امام راحل دانست که می توان با تحلیل آن، به دغدغه های ایشان در واپسین روزهای حیات طیبه اش پی بُرد.

❁ اهمیت بازخوانی پیام منشور روحانیت

بنابراین بازخوانی این پیام و بازکاوی نکات و ظرایف فراوان و دقیق آن، امری لازم به نظر می‌رسد. به همین جهت حضرت امام خامنه‌ای درباره این پیام فرمودند: «توصیه می‌کنم این پیام را مثل یک درس، مثل یک کتاب، مثل یک لوح آسمانی - که انسان بایستی آن را مکرر بخواند و خود من واقعاً مکرر خوانده‌ام - [بخوانید]. مخصوصاً بعضی از بخش‌های این پیام را که هر چه انسان می‌خواند، احساس می‌کند روی کلمه کلمه آن بایستی تأمل کند و التذاذ روحی و معنوی ببرد. تأمل کنند مردم و روحانیون عزیز ما؛ واقعاً این‌ها فیوضات معنوی پروردگار است بر قلب امام ما و بر ما مردم.» (۱۳۶۷/۱۲/۱۲)

این پیام به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، وصیت‌نامه خاص امام راحل^(ع) است: «منشور امام خمینی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه درباره‌ی روحانیت، وصیت‌نامه خاصی است، در کنار آن وصیت‌نامه عام که به توده‌ی مردم مسلمان خطاب کردند... امام راحل^(ع)، وصیت‌نامه‌ی عام را با توده‌ی مردم تبیین کرد، با خواص هم که علما هستند، منشور روحانیت را... آنچه از امام راحل^(ع) که شایسته است هر از چندگاه طلاب عزیز و همه‌ی عالمان دین‌دار بخوانند و به دیگران منتقل کنند، همین وصیت‌نامه‌ی خاص، یعنی منشور روحانیت است.» (نک: نگاهی به منشور روحانیت، گفتاری منتشر نشده‌ای از آیت‌الله العظمی جوادی آملی (khamenei.ir)).

به همین جهات و با توجه به اهمیت فوق‌العاده این پیام برای قاطبه روحانیون، نسخه آموزشی آن با عنوان «درس نامه پیام منشور روحانیت» تقدیم می‌گردد.

❁ منطق و شیوه تبدیل متون به درس نامه

ایده‌ی درس نامه شدن پیام منشور روحانیت علاوه بر اهمیت محتوایی، از بیان رهبر معظم انقلاب است که: «توصیه می‌کنم این پیام را مثل یک درس، مثل یک کتاب - [بخوانید].» (۱۳۶۷/۱۲/۱۲). «آن نامه‌ی مفصل امام، منشور روحانیت را بخوانید، مکرر بخوانید.» (۱۳۹۸/۰۲/۱۸)

اساساً وقتی فهم عمیق محتوای متنی در نهایت اهمیت و اولویت قرار

- می‌گیرد، درس نامه‌شدن آن، یکی از شیوه‌های متعارف خواهد بود. در شیوه درس نامه‌سازی متون، چند اقدام مورد توجه قرار می‌گیرد:
۱. درس‌بندی متن در قالب چند فصل یا چند بخش و قسمت.
 ۲. تعیین اهداف علمی که بعد از مطالعه هر فصل از مطالعه‌گر انتظار می‌رود.
 ۳. نمایه‌زنی و عنوان‌بندی‌های متناسب متن برای درک بهتر عبارات و جملات.
 ۴. ارائه نمودار و نمایه‌های مفهومی برای تفهیم بهتر نکات اصلی و محوری متن.
 ۵. متن پژوهی محتوایی به شکل برجسته‌سازی کلیدواژگان، شرح اصطلاحات، معرفی اعلام و تبیین وقایع تاریخی در قالب پاورقی و پی‌نوشت‌نگاری.
 ۶. ارائه منابع مرتبط برای مطالعه بیشتر در موضوعات مورد اشاره متن.
 ۷. ارائه چکیده درس
 ۸. طرح سؤالاتی از متن و برگزاری آزمون.
 ۹. طرح پرسش‌های پژوهشی.
 ۱۰. ارائه راهبردهای متناسب عملی و کاربردی برای مواجهه صحیح با مسائل روز.

درس اول؛

مروری بر
پیام منشور روحانیت

اهداف درس

- بعد از مطالعه این درس، از مطالعه گرا انتظار می رود:
- ☆ فضای سیاسی زمان صدور پیام منشور روحانیت را بشناسد.
 - ☆ اتفاقات منجر به صدور پیام منشور روحانیت را بداند.
 - ☆ از جایگاه پیام منشور روحانیت در گفتمان انقلاب اسلامی واقف گردد.
 - ☆ از محتوای کلی پیام منشور روحانیت آگاه شود.
 - ☆ رویکرد کلان پیام را متوجه گردد.
 - ☆ محورهای اصلی پیام را برشمرد.
 - ☆ مایه و مضمون کلی پیام را تشخیص دهد.
 - ☆ به شکل های نفوذ دشمن توجه یابد.

فضای سیاسی زمان صدور پیام منشور روحانیت (اسفند سال ۱۳۶۷)

آگاهی از شأن صدور؛ رکن فهم متن ها

یکی از عواملی که زمینه فهم حداکثری از یک متن را فراهم می آورد، آگاهی از شرایط، خصوصیات و مقتضیات زمان و زمانه تولید آن متن و علاوه بر وقایع، رویدادها، دغدغه‌های فکری نویسنده است. این قاعده، از عالی ترین متون تا سایر مطالب تعمیم داشته و از این رو مفسرین قرآن، برای فهم بهتر آیات، موضوع «شأن نزول» و محدثین برای به دست آوردن درک بهتری از احادیث «شأن صدور» را مورد مطالعه قرار می دهند تا با شناخت فضای عصر نزول و صدور، بیشترین قرائن (اعم از قرائن لفظیه، حالیه، متصل و منفصل) را کشف نمایند. در واقع هر چقدر متن از اهمیت برخوردار باشد، به همان نسبت فهم و درک از اقتضات تاریخی آن لزوم بیشتری می یابد.

اتفاقات منجر به صدور پیام منشور روحانیت

پیام منشور روحانیت و بلکه تمام صحیفه امام خمینی^(ع) نیز از این قاعده مستثنی نیست، و اساساً باید بدانیم تمام گزاره‌های آن اعم از سخنرانی‌ها، پیام‌ها و... ناظر به وقایع و رویدادهای عصر امام راحل^(ع) است. در پاسخ به این سؤال که «چه اتفاقاتی افتاد که منجر به صدور پیام منشور روحانیت شد؟» باید گفت: فضایی که پیام سوم اسفند امام در آن انتشار یافته است، فضای خاص و ویژه‌ای است. رخدادهایی مثل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و نوشیدن جام زهر، موضوع کتاب آیات شیطانی و صدور فتوای علی‌ه سلیمان رشدی، اعدام منافقین بعد از عملیات مرصاد، مشکلاتی که منتظری - قائم مقامی رهبری وقت - ایجاد می نمود و چندین و چند رخداد دیگر، فضای ملتهدی را ایجاد نموده بود.

بعضی از مسئولین کشور به عنوان یا بهانه ارزیابی روند ده ساله انقلاب اسلامی، بر سیاست‌های ده ساله انقلاب با دیده تردید می نگریند. از جمله یکی از افراد، در پاسخ به این سؤال روزنامه اطلاعات که پرسیده بود: «اگر شما اکنون به ده سال گذشته برگردید، در برابر جنگ چگونه موضع گیری می کنید؟» گفته بودند: «اگر به ده سال قبل برگردیم، کاری می کنیم که جنگ اصلاً شروع نشود». در همان حال، بعضی دیگر از جمله حزب نهضت آزادی به رهبری مهندس بازرگان، شبهه افکنانه، ادامه جنگ پس از فتح خر مشهر

را زیر سؤال برده بودند. اما بیش از همه موضع گیری تند و غیر منطقی قائم مقام رهبری وقت - آیت الله منتظری - در يك سخنرانی عمومی، برای انقلاب مسأله ساز شده بود.

🌀 نامه بازرگان و سخنرانی منتظری؛ واکنش امام (ع)

سخنرانی آیت الله منتظری در ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۷ جامعه را در بهت فرو برد. وی در بخشی از این خطابه گفت: «باید حساب کنید در ظرف این ده سال که جنگ را به ما تحمیل کردند آیا جنگ را خوب طی کرده ایم یا نه؟ دشمنان ما که جنگ را بر ما تحمیل کرده اند آن‌ها پیروز از کار درآمده اند. باید این‌ها بررسی شود و ببینیم اگر اشتباهی کردیم این‌ها توبه دارد و اقلاً متنبه شویم که بعدها تکرار نکنیم.»

وی با زیر سؤال بردن سیاست‌های نظام، در مورد جنگ تحمیلی مدعی شد که ما هیچ دستاوردی نداشته ایم، و بر اثر لجاجت، سرمایه‌ها و جوانان خود را تباه کرده ایم. او مسئولین کشور را فاقد صلاحیت و کفایت لازم خواند و مدعی شد با برگرداندن کسانی که از مناصب کشور کنار گذاشته شده اند (مهندس بازرگان و حزب نهضت آزادی) باید روند انقلاب را دگرگون کرد.

این سخنان نسنجیده در حالی صورت می گرفت که دشمنان انقلاب اسلامی آشکارا پذیرش قطعنامه توسط جمهوری اسلامی را، آغاز بازگشت انقلاب از مسیر خود می خواندند و با تبلیغات خود در جهت ایجاد یأس در بین مردم تلاش می کردند.

ضمن این که این سخنان تازگی نداشت و نامه محرمانه مهندس بازرگان در اردیبهشت همان سال را برای عموم تداعی کرد. بازرگان برای امام (ع) نوشته بود: «از تجربه نزدیک به هشت سال تداوم جنگ بی امان که هست و نیست و دنیا و آخرت مان را نثارش کرده ایم چه حاصلی برده ایم؟ چه درس‌هایی باید بگیریم؟ و رهبر انقلاب چه جوابی برای ملت ایران دارند؟»

امام در پاسخ به این سخنان در پیام منشور روحانیت این گونه شکوه می کنند: «من در این جاز مادران، پدران، خواهران و برادران، همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می خواهم و از خداوند می خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. مادر جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم.»

قائم مقام رهبری وقت در بخش دیگری از صحبت‌های خود می‌گوید: «ما خیلی جاه‌الجبازی کردیم و گوش به حرف و تذکرات افراد عاقل در روزنامه‌ها و اعلامیه‌های خارج و داخل که راهنمایی و وساطت می‌کردند در بعضی مسائل نداده‌ایم و قبول نمی‌کردیم و توجه نداشتیم!»

منظور آیت‌الله منتظری از تذکرات افراد عاقل، نامه مهندس بازرگان بود. به طوری که در بخشی از نامه بازرگان آمده است: «جنابعالی اگر عقیده و علاقه دارید که باید هستی و حقوق انسان‌ها را فدای صدور جنگی و اجرای اجباری اسلام و از بین بردن فتنه و فساد نمود و این یک کار عملی موفق و مأجور می‌باشد، عقیده در دنیا آزاد و محترم است شخصاً و بیرون این طرز تفکر مختارند مبادرت به چنین رسالت، انتخابی بنماید، ولی نه به هزینه و حیات کسان دیگری که چنین اعتقاد و الزام را ندارند و نگفته‌اند که حاضرند تا آخرین نفر و آخرین خانه در زیر بمب و موشک و سلاح‌های جهنمی شیمیایی آتش‌زا و اتمی نابود شده، شعار جنگ جنگ تا پیروزی بدهند.»

امام^(ع) در قسمت دیگری از پیام منشور روحانیت به این تفکرات چنین پاسخ می‌دهند: «راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرغ آن بوده است؟ ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از این که به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟!»

حضرت امام^(ع) خطاب به کسانی که در لباس دوست، حرف دشمن را تکرار می‌کنند می‌فرماید: «نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهار نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب‌الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه.»

امام^(ع) برای جلوگیری از نفوذ تفکرات لیبرالیستی در سطوح عالی انقلاب می‌فرماید: «صریحاً اعلام می‌کنم تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست

لیبرال‌ها بیفتند. تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند. تا من هستم و از اصول نه شرقی نه غربی عدول نخواهم کرد. تا من هستم دست‌یادی آمریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم.»

به گفته آیت‌الله‌ری شهری در کتاب سنجه انصاف: «صحبت‌های مرحوم منتظری در ۲۲ بهمن ۶۷، بزرگ‌ترین اشتباه او بود و پس از این سخنرانی است که امام^(ع) به جمع‌بندی می‌رسند و در نهایت در نامه ۱۳۶۸/۱/۶، یعنی یک ماه بعد از انتشار پیام منشور روحانیت، و دو ماه قبل از ارتحال آیت‌الله منتظری را از جایگاه قائم مقام رهبری عزل کرد.»

اما زمینه صدور پیام منشور روحانیت، فراتر از اظهارات منتظری‌ها و بازرگان‌ها است، و اساساً تراز این پیام، تراز وصیت‌نامه امام برای روحانیت انقلابی تا همیشه تاریخ است. امام راحل^(ع) پس از پذیرش قطعنامه که جامعه، به خصوص جامعه انقلابی دچار نوعی رخوت و بعضاً سرخوردگی شده بود، برای برون‌رفت جامعه از این حالت، اقدام به ظرفیت‌سازی، خلق فرصت و حادثه‌آفرینی مثبت برای جبهه انقلاب کردند و به روحیه انقلابی حیات مجدد بخشیدند؛ ارسال نامه به گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی، صدور پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه، صدور پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی در نوروز ۱۳۶۸ و مصادف با نیمه شعبان مبنی بر لزوم استقامت در مقابل هجوم نظامی، سیاسی و فرهنگی جهان‌خواران، صدور حکم اعدام سلمان رُشدی، و هم‌چنین پیام منشور روحانیت را می‌توان در این جهت تحلیل نمود. در خصوص پیام منشور روحانیت، امام راحل^(ع) که با نگاه الهی و ولایی خود احساس می‌کرد مهلت چندانی ندارد، در پی فرصتی بود تا عصاره دیدگاه و نگاه خود را در باره روحانیت به‌عنوان خاستگاه اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی، بیان نماید، و اظهار نظرهای افرادی چون منتظری و بازرگان که می‌خواستند از موقعیت و فضای رخوت به وجود آمده سوءاستفاده کرده و جولان بدهند، باعث شد ایشان انگیزه بیشتری پیدا کنند.

درست است که مخاطب اصلی این پیام، روحانیت و حوزه‌های علمیه هستند، اما آنجا که سخن از جریان‌شناسی نفاق و التقاط، لیبرالیسم و نفوذی‌ها به میان می‌آید، همه جریان‌های انقلاب، همه اقشار و اصناف و همه مردم تا همیشه مخاطب این پیام‌اند.

منشور روحانیت به عنوان زنگ خطر نفوذ تفکر لیبرالی در حوزه‌های علمیه برای همیشه تاریخ در جریان است. در حقیقت صدور منشور روحانیت، واکنشی طبیعی بود به این که حضرت امام^(ع) در این جوّ مسموم، احساس تکلیف کنند و فضای جامعه را به نفع انقلاب تغییر دهند و ضمن بیدار باش به جبهه خودی، راه‌رخنه و نفوذ دشمنان را سد نمایند.

در مجموع این پیام از ماندگارترین اسناد تاریخی انقلاب اسلامی، و از مهم‌ترین، جامع‌ترین و آخرین بیانیه سیاسی تحلیلی امام خمینی^(ع) است که تقریباً به صورت کامل یک دوره جریان‌شناسی معاصر، تبیین تحولات سیاسی کشور، آسیب‌شناسی، و آینده‌نگری و پیش‌بینی حوادث انقلاب اسلامی در آن آمده است.

🌀 محتوای کلی پیام منشور روحانیت

بعد از گذشت ۱۰ سال از انقلاب و با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی آن روز کشور از سوی حوزه علمیه قم، تلاش شد اجلاسی برگزار شود تا امام^(ع) پیامی صادر کنند و رهنمودی نسبت به چنین شرایطی داشته باشند. این اجلاس به دلایلی در حوزه با تأخیر مواجه شد و زمانی گذشت تا دست اندرکاران، آمادگی خود را برای برگزاری آن اعلام کنند.

در این شرایط امام^(ع) خود اهمیت تبیین جایگاه و نقش حوزه را تشخیص داده بودند و نمی‌توانستند منتظر این باشند که یک اجلاسی در حوزه شکل بگیرد و ایشان پیامی برای آن اجلاس داشته باشند. به همین دلیل این پیام که چکیده دغدغه‌های امام^(ع) در باره حوزه و روحانیت است صادر شد.

پیام منشور روحانیت، به دلیل این که رسالت حوزه‌های علمیه و استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران را تعیین و مشخص می‌کند و حاوی نکات مهم، هشدارهای اساسی و تحلیل‌های ظریفی است که نگاه امام راحل^(ع) را نسبت به گذشته، امروز و فردای حوزه‌های علمیه و روحانیت، ترسیم می‌کند، امری یکی از شاخص‌ترین آثار سیاسی-الهی امام خمینی^(ع) محسوب می‌گردد.

در تبیین رویکرد کلان و نکات اصلی و محوری این پیام باید بدانیم، حضرت امام خمینی^(ع)، رسالت و وظیفه اصلی حوزه‌های علمیه را «تبیین نظری و تحقق عملی تفکر

اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) می دانند و ذیل این رویکرد کلان، ضمن دفاع از عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب، به عنوان یکی از نکات مهم این پیام، تبیین جایگاه علمی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی روحانیت اصیل و آسیب ها و چالش های تهدیدکننده این طبقه و افشاء و طرد جریان روحانیون وابسته و متحجر و هشدار و اتمام حجت نسبت به خطر نفوذ این طبقه را، دو محور اصلی پیام قرار داده اند. هر چند بخش هایی از محتوای پیام ناظر به دفاع از عملکرد انقلاب و نظام در عرصه های مختلف است ولی مایه و مضمون کلی پیام، نه تنها پدافندی و تدافعی نیست بلکه آفندی و تهاجمی است. شاید نوک پیکان و نقطه ثقل تقابل پیام را بتوان در هشدارهای امام^(ع) درباره نفوذ دانست. خطر نفوذ از کلیدواژه های پیام منشور روحانیت است که دشمن با هدف استقرار سکولاریسم در عرصه نظری و عملی در صدد آن است. نفوذ دشمن در عرصه های فکری و نظری به صورت نفوذ در حوزه های علمیه و القای شعار جدایی دین از سیاست و تقابل جریان متحجرین و مقدسین روحانی نما (مثل حجتیه ای ها و ولایتی ها...) بار روحانیت متعهد، فکر و نظریه انقلاب اسلامی صورت می گیرد. و نفوذ دشمن در عرصه های عملی و اجرایی، به صورت میدان داری و قدرت یابی لیبرال ها و انقلابی نماها (مثل نهضت آزادی ها و منافقین) در نظام اسلامی برای کنار زدن جریان های اصیل انقلابی و در نهایت نابودی اسلام ناب و نظام سیاسی مبتنی بر آن شکل می گیرد.

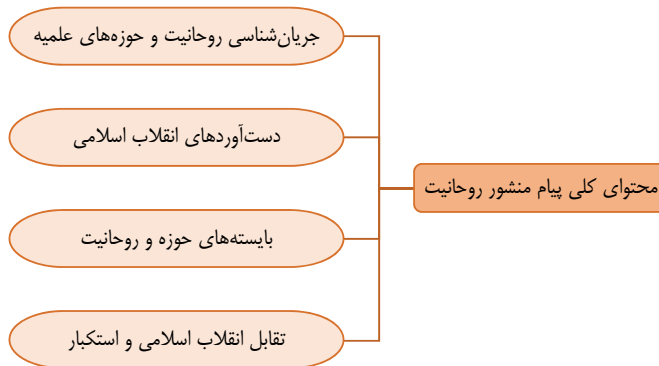
این پیام به چهار بخش قابل تفکیک است. بخش اول، به جریان شناسی تاریخی روحانیت و حوزه های علمیه، بیان رویارویی تفکر واپس گرا و ارتجاعی با جریان انقلابی و نواندیش، رنج ها و مراتب های امام و یاران اش در این مواجهه، و نگرانی از تداوم تفکر واپس گرا و بسط گفتمانی آن ها در بین نسل های بعدی طلاب و روحانیون به دلیل نفوذ دشمن پرداخته است.

بخش دوم، به تبیین دست آوردهای ده ساله انقلاب اسلامی در عرصه های مختلف به ویژه عرصه دفاع مقدس و شرح دلایل برخی ناکامی ها در واکنش به ایجاد فضای غبار آلود در جامعه ی پس از پایان جنگ به دلیل موج شبهات و ارائه تحلیل های غلط از عملکرد ده ساله جمهوری اسلامی در بین افکار عمومی به خصوص با محوریت اظهارات آقای منتظری در ۲۲ بهمن ۱۳۶۷ و بیان توصیه های لازم برای آینده انقلاب

اسلامی اختصاص یافته است.

در بخش سوم، تبیین بایسته‌های حوزه و روحانیت مانند تأکید بر هوشیاری، وحدت و حضور به موقع در صحنه، و حفظ وصیانت از آرمان‌های انقلاب اسلامی، پاسداری از نظام سنتی حوزوی به همراه روزآمدسازی و پاسخ‌گویی به اقتضات زمان و مکان محور اصلی قرار گرفته شده است.

بخش چهارم هم که امام^(ع) در لابلای بخش‌های فوق‌بدان اشاره می‌فرماید، موضوع مبنایی تقابل انقلاب اسلامی و استکبار است که ناشی از حاکمیت اسلام ناب محمدی^(ص) در ایران اسلامی می‌باشد و ایشان این موضوع بنیادین را به مناسبت انتشار کتاب آیات شیطانی و صدور حکم ارتداد و اعدام نویسنده‌اش - سلمان رشدی - به خوبی تبیین و نوع مواجهه صحیح و موضع انقلابی در این تقابل را از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی تشریح می‌نمایند.



(نک: کتاب «رازهای دهه شصت» نوشته مرتضی صفارهرندی، انتشارات کیهان؛ رجا نیوز (rajanews.com)، شناسه خبر: ۳۰۶۹۵۱؛ مشرق نیوز (mashregnews.ir)، مقاله «یکسال پایانی زندگی امام خمینی^(ع) چگونه گذشت؟»؛ خبرگزاری تسنیم (tasnimnews.com)، کلیپ منشور روحانیت، و مقاله «مخاطبان امام در منشور روحانیت؛ از انجمن حجّتیّه تا جامعه مدرسین»).

خلاصه درس اول

- (۱) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و نوشیدن جام زهر، صدور فتوا علیه سلمان رشدی، اعدام منافقین پس از عملیات مرصاد، مشکلاتی که قائم مقام رهبری ایجاد کرده بود و هم چنین نامه مهندس بازرگان و سخنانی آقای منتظری، از جمله عوامل التهاب فضای جامعه بودند که در نهایت منجر به صدور پیام منشور روحانیت شدند.
- (۲) پیام منشور روحانیت، رسالت حوزه‌های علمیه و استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران را تعیین و مشخص می‌کند و نگاه امام راحل^(ع) را نسبت به گذشته، امروز و فردای حوزه‌های علمیه ترسیم می‌کند.
- (۳) حضرت امام^(ع) رسالت و وظیفه اصلی حوزه‌های علمیه را تبیین نظری و تحقق عملی تفکر اسلام ناب محمدی^(ص) می‌دانند.
- (۴) خطر نفوذ دشمن در حوزه‌های علمیه در عرصه‌های فکری و نظری (شعار جدایی دین از سیاست و تقابل مقدسین روحانی نما با روحانیت متعهد) و هم چنین عرصه‌های عملی و اجرایی (میدان‌داری و قدرت‌یابی لیبرال‌ها و انقلابی‌نماها) از نکات کلیدی و مهم منشور روحانیت است.

پرسش‌های درس اول

۱. لزوم آگاهی از شأن صدور پیام منشور روحانیت را تبیین کنید.
۲. فضای سیاسی زمان صدور پیام منشور روحانیت را تشریح کنید.
۳. مهمترین اتفاقی که منجر به صدور پیام منشور روحانیت شد، چه بود؟
۴. محتوای کلی پیام منشور روحانیت را تشریح کنید.
۵. محورهای اصلی پیام منشور روحانیت را بیان کنید.
۶. انواع شکل‌های نفوذ دشمن را در عرصه‌های نظری و عملی توضیح دهید.
۷. محتوای کلی پیام منشور روحانیت شامل چه بخش‌هایی می‌شود؟

پرسش پژوهشی

۸. وجوه تناظر پیام منشور روحانیت با پیام شاخص «سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸» (۱۳۶۷/۴/۲۹) چیست؟

درس دوم؛

جایگاه و نقش
روحانیت متعهد

اهداف درس

- بعد از مطالعه این درس، از مطالعه‌گر انتظار می‌رود:
- با عظمت جایگاه الهی روحانیت متعهد در بیان امام راحل آشنا شود.
 - ثمره پیوند حقیقی علم و عمل را آینه چهره تابناک شهدای روحانیت متعهد را دریابد.
 - جایگاه و نقش روحانیت در بُعد علمی و بُعد اجتماعی بشناسد.
 - مناسب‌ترین شیوه برای بررسی عمیق و همه‌جانبه علوم اسلامی از منظر امام راحل را بداند.
 - از نوع مواجهه علمای اصیل اسلام با سرمایه‌داران زالوصفت آگاهی یابد.
 - از روح سلوک علمی، معنوی و اجتماعی روحانیت متعهد اطلاع یابد.
 - راز و رمز ترویج روحانیت و فقاقت بدون زور، زروتزویر را تشخیص دهد.
 - نوع مواجهه روحانیت متعهد با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته را به خوبی تحلیل نماید.
 - خصوصیات بزرگی که باعث شده روحانیت متعهد «زنده»، «پایدار» و «محبوب» باشد را برشمرد.
 - چرایی دشمنی دیرینه استعمار با جریان روحانیت متعهد را بفهمد.
 - به شرط حفظ جریان روحانیت متعهد از شرّ جهان‌خواران توسط خداوند متعال توجه پیدا کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

مخاطبین پیام

مخاطبین پیام:
روحانیون سراسر کشور
اعم از:
۱) مراجع عظام تقلید.
۲) مدرسین حوزه‌های
علمیه
۳) طلاب حوزه‌های
علمیه.
۴) ائمه جمعه.
۵) ائمه جماعات.

۱) خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات (دامت برکاتهم)

عظمت جایگاه الهی روحانیت متعهد

۲) صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه‌ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت و وحی و رسالت، پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیات‌شان گوهر شب چراغ ساخته‌اند.

نمره پیوند حقیقی علم و عمل

۳) افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد، رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبک بالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند. سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه^(۱) به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران صادقی

۱. تعبیر «کشف حقیقت تفقه» جان‌مایه حماسه شهادت در سیره و مرام روحانیت متعهد در طول تاریخ است. نکته قابل توجه و بررسی این است که: حقیقت تفقه چیست؟ کشف حقیقت تفقه چگونه میسر است؟ در عرصه جهاد چه رخ می‌دهد که یک طلبه، تا کشف حقیقت تفقه پیش می‌تازد؟ به تعبیر دیگر، ارتباط جهاد و شهادت با کشف حقیقت تفقه چیست؟ از بین جواب‌های متعددی که می‌توان به این سؤالات داد، شاید این فرمایش پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله،

شدند که بندگان حدیث صداقت‌شان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم خود، اولین قربانی‌ها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در خلّسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند.^(۱)

افق گشای این معرفت ناب باشد: «کسی فقیه تمام عیار نمی‌شود، مگر آن‌گاه که اولاً خشمش با مردم برای خدا باشد نه برای خودش، و ثانیاً احدی نزد او منفرتر از نفس خودش، نباشد» (لَا يَفْقَهُ الْعَبْدُ كُلَّ الْفِقْهِ حَتَّى يَمُتَ النَّاسُ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَ حَتَّى لَا يَكُونَ أَحَدٌ أَمَقَّتْ مِنْ نَفْسِهِ. (میزان الحکمة، ج ۹، ص ۲۱۳))

به همین جهت در آثار اخلاقی و عرفانی امام راحل، مسئله «حب نفس» نقطه کانونی تأکیدات امام در امر خطیر و مهم تزکیه نفس است. ایشان در بیانی چنین می‌فرماید: «اینکه در روایات ما هست که «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» این یک واقعیتی است. و اساس حب دنیا هم، ریشه حب دنیا هم، حب نفس است که آن هم حب دنیا است. تمام فسادهایی که در بشریت پیدا شده است، از اولی که بشریت تحقق پیدا کرده است تا کنون و تا آخر، منشأش همین حب نفس است. از حب نفس است که حب به جاه، حب به مقام، حب به مال و حب به همه انگیزه‌های شهوانی پیدا می‌شود. و انبیا اساس کارشان این بوده است که این حب نفس را تا آن مقدار که ممکن است سرکوب کنند و نفس‌ها را مهار کنند... حقیقتاً رأس همه خطاها، خطیئت‌ها همین خودخواهی‌هاست.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۶۰)

۱. حضرت امام خامنه‌ای: «عزیزان! طلاب جوان! فضلا! توجه کنید که حوزه‌ی علمی-همان‌طور که امام^(۲) مکرر فرمودند- قاعده‌ی نظام جمهوری اسلامی است و همه چیز روی این قاعده بنا شده و دوام خواهد یافت. این قاعده باید محکم باشد. استحکام این قاعده، با تضمین سه عنصر اصلی امکان‌پذیر است، و هر کدام از آن‌ها نباشد و یا کم باشد، این قاعده متزلزل خواهد شد، و اگر قاعده متزلزل شد، طبیعتاً همه‌ی آنچه را که بر او سوار است، تکان خواهد خورد... اولین عنصر، فقه است. فقاہت را به همان معنای پیچیده و ممتازی

که امام^(۶) برای ما معنای کردند و به خصوص در بیانات دو، سه سال اخیرشان بر آن تأکید داشتند، معنا می‌کنیم... به تعبیر امام^(۶) فقه جواهری... عنصر دوم، تهذیب و اخلاق است... ما اگر مهذب باشیم، خواهیم توانست هستی خود را در خدمت اسلام و نظام اسلامی قرار دهیم؛ ولی اگر مهذب نباشیم، آنچه که داریم، در خدمت قرار نخواهد گرفت و چه بسا که در جهت عکس هم قرار گیرد... عنصر سوم، آگاهی سیاسی است. آگاهی سیاسی به مثابه‌ی چشمی است که اگر نداشته باشیم، آن دو عنصر دیگر در حرکت به ماکمک نخواهند کرد. باید سه عنصر اصلی قاعده را حفظ کرد. البته حوزه‌ی علمیه باید یکپارچه باشد و از برخی تشنجات که در گوشه و کنار وجود دارد، بری و برکنار بماند. حوزه‌ی علمیه، جایگاه قداست و پاکی است. (۱۳۶۸/۳/۲۲)؛ اگر اعلم علما هم باشید [اما] زمان تان را شناسید، نمی‌توانید برای جامعه‌ی اسلامی امروز مفید واقع بشوید؛ محال است: ندانیم استکبار چه کار می‌خواهد بکند، ندانیم دشمن‌ها چه کسانی هستند و از کجاها نفوذ می‌کنند و دشمنی می‌کنند، ندانیم در جامعه مان چه می‌گذرد و مشکلات، چه چیزهایی است و برای علاج‌اش چه کار باید کرد، ندانیم در جبهه‌بندی‌های دنیا کجا قرار داریم. همیشه کتک را و لگد را و توسری را آن کسانی می‌خورند که بین دو جناح بازیگر قرار گرفته‌اند و نمی‌دانند کی به کجا است، چه کسی می‌خواهد چه کار کند، چه کسی می‌خواهد کجا را بگیرد؛ این‌هایی که نمی‌دانند، بیش از همه لگد می‌خورند، بیش از همه کتک می‌خورند، نمی‌توانند از موقعیت‌ها استفاده کنند. بصیرت و علم به زمان، برای یک عالم لازم است. در هر حدی، از یک اعلم‌العلمائی که می‌خواهد برای مردم بساط افتاء و مانند این‌ها را بگستراند، تا آن عالمی که در یک محله‌ای می‌خواهد برای چند نفر تعلیم احکام دینی بکند، فرق نمی‌کند، منتها هر چه مقام بالاتر، این آگاهی‌ها بیشتر و وسیع‌تر مورد لزوم است. مادر طول تاریخ تشیع، به خصوص در این دو بیست سال اخیر - این دو بیست سالی که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد، استعمار پیدا شد، سیاست‌ها عوض شد، دولت‌های اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند، به کشورهای اسلامی آمدند، کارها کردند، سرزمین‌ها گرفتند، بر اساس آن، تدابیر فراوانی به راه انداختند - خیلی ضربه دیده‌ایم؛ ندانستن حقایق جریانات عالم به وسیله‌ی علما، مشکلات بزرگی را در این دو بیست سال برای ما به وجود آورد. آنجایی که ما یک عالم باهوش زرنگ دقتی داشتیم، محفوظ ماندیم؛ آنجایی که کسی مثل میرزای شیرازی داشتیم، بُرد با ما شده؛ آنجایی که

❁ حسرت همیشگی در وصال به شهادت

۴) البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده‌اند. یکی چون من، عمری در ظلمات حصارها و حجاب‌ها مانده است و در خانه عمل و زندگی، جز ورق و کتاب منیت نمی‌یابد و دیگری در اول شب یلدای زندگی، سینه سیاه هوس‌ها را دریده است و با سپیده سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است. و حال من غافل که هنوز از گتم عدم‌ها به وجود نیامده‌ام، چگونه از وصف قافله سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم.^(۱)

انسان دین و تقی اماذکی و باهوشی مثل شیخ انصاری داشتیم، بُرد ما بوده؛ آنجایی که یک قدری غفلت در کار بوده، سر ما کلاه رفته، ضرر کردیم؛ آن هم ضررهایی که دیگر مال یک نفر و یک حوزه و یک مجموعه و یک شهر و یک سال و دو سال نیست؛ ضرری که گاهی اثرش پنجاه سال، تمام جامعه‌ی اسلامی را فشار می‌دهد؛ بر اثر ناآگاهی! دیگر نباید بگذاریم. دیگر نباید تسلیم ناآگاهی بشویم. باید خودمان را آگاه کنیم. بصیرت به امور را باید در خودمان تقویت کنیم. بر این سه پایه و مینا-فقاهت، دیانت و تقوا و تزکیه‌ی معنوی و اخلاقی، و هوشیاری و بصیرت سیاسی - باید حوزه‌های علمیه را بازسازی کنیم، تقویت کنیم، توسعه بدهیم. (۱۳۶۸/۰۴/۲۰) هم چنین ایشان در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه (۱۳۹۸/۲/۱۸) هفت وظیفه اصلی برای طلاب و فضلالی حوزه بر شمرند که این وظایف عبارتند از:

- ۱) تحقیق دین در محیط زندگی؛ ۲) مکرر خواندن منشور روحانیت امام (ره)؛
- ۳) افزایش معرفت مردم و تقویت گفتمان‌های انقلابی؛ ۴) جهت دادن به علم؛
- ۵) جدی گرفتن درس خواندن؛ ۶) منجر نشدن اختلاف نظرها به درگیری؛ ۷) رعایت ادب و تحمل میان بزرگان حوزه و جوان‌ها.

۱. یکی از سیره‌های اولیاء الهی، خودمقصر بینی و اعتراف به تقصیر به درگاه الهی است. امام باقر علیه السلام وقتی خواستند برای یکی از اصحاب دعا کنند، فرمودند: «لَا أُخْرِجُكَ اللَّهُ مِنَ النَّقْصِ وَالتَّقْصِيرِ» (الکافی/ج ۲/ص ۷۳) - یعنی خداوند توفیقات دهد که همیشه خود و اعمال را ناقص و مقصّر بینی و بدانی! امام کاظم علیه السلام نیز به یکی از اصحاب فرمودند: این دعا را بسیار بخوان: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعَارِبِينَ وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ» (الکافی/ج ۲/ص ۵۷۹) - خدایا

جایگاه و نقش روحانیت در بُعد علمی

۵) تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج روی‌ها بوده‌اند.

۶) علمای بزرگ اسلام در همه‌ی عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند. اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به‌عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین (علیهم‌السلام) و ثبت و تبویب و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به‌کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون کتب اربعه و کتاب‌های دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام این همه زحمت و مرارت را جهاد فی

مرا از عاریت داده شدگان ایمان قرار مده، و از تقصیر بیرون میر! - معنای «لَا تُخْرِجُنِي مِنَ التَّقْوَى» این است که در هر کاری که بخاطر خدای متعال انجام می‌دهی، خود را در آن کار مقصر بدان! تا به رذیله مهلک عجب و خودپسندی گرفتار نشوی. مرحوم ملا احمد نراقی در باره رذیله عجب می‌نویسد: «و بدان که عجب با وجود آنکه خود از صفات خبیثه است منشأ آفات و صفات خبیثه دیگر می‌شود» (معراج السعادة/ ج ۱/ ص ۲۶۸) علاوه بر این، این حسرت امام راحل برای شهادت، احساسی واقعی است. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌در وصف شهادت می‌فرماید: «فَوَقَّ كُلُّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا أُقْتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ.» (الکافی، ج ۲، ص ۴۴۸) حقیقت این حدیث را کسی مثل امام راحل به خوبی درک می‌کند که تمام عمر جان خویش را از معارف ناب الهی و عرفانی اشراب نموده است. واقعاً شهادت در راه خدا چه می‌کند که پیر جماران این‌گونه حسرت می‌کشد؟!!

جایگاه و نقش علمی

روحانیت متعهد:

- ۱) مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج روی‌ها.
- ۲) تلاش برای ترویج معارف الهی بدون دخل و تصرف.
- ۳) جمع‌آوری، نگهداری، ثبت، تبویب و تنقیح علوم اسلام در سخت‌ترین شرایط.

زحمت و مرارت‌های

علمای متعهد در

طول تاریخ، مصداق بارز «جهاد فی سبیل الله»

سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟ در بُعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد.

۷) بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی‌کنم برای بررسی عمیق و همه‌جانبه علوم اسلامی طریقه‌ای مناسب‌تر از شیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله‌ی تحقیق و تتبع علمای راستین اسلام، گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است.

🌀 جایگاه و نقش روحانیت در بُعد اجتماعی

۸) صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه‌گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که به حق از جهاتی افضل از دماء شهیدان^(۱) است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارت‌ها و تلخی‌هایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارت‌ها و تبعیدها، زندان‌ها و اذیت و آزارها و زخم زبان‌ها، شهدای گران‌قدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند.

🌀 رسم دیرینه پرچمداری شهادت در مرام روحانیت متعهد

۹) شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته‌اند

منابع غنی حوزه‌ها و شیوه‌های ابتکاری بحث و اجتهاد علمای سلف، مناسب‌ترین شیوه برای بررسی عمیق همه‌جانبه علوم اسلامی، به گواهی تاریخ

جایگاه و نقش اجتماعی روحانیت متعهد:

- ۱) صدها سال تکیه‌گاه محرومان.
- ۲) تحمل مرارت‌ها و تلخی‌ها برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی.
- ۳) پیشگامان شهادت در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی.
- ۴) زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفتن.
- ۵) مبارزه همیشگی با سرمایه‌داران زالو صفت.
- ۶) زندگی به شیوه زاهدانه و عدم تعلق به تجملات دنیا.
- ۷) مورد کینه و هجمه شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان.

۱. عبارت مشهور «مَدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» - قلم و مداد علما از خون شهدا برتر است - در واقع نقل به مضمون این روایت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌است: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وُزِنَ مَدَادُ الْعُلَمَاءِ بِدِمَاءِ الشُّهَدَاءِ، فَيَرَجَحُ مَدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ» (الأمالی للطوسی/ص ۵۲۱) - چون روز قیامت شود، مرکب [قلم] دانشمندان با خون شهیدان سنجیده می‌شود، پس مرکب [قلم] دانشمندان بر خون شهیدان، برتری می‌یابد.

زیاد است. در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین‌شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش‌کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگ‌فرش‌های حوادث خونین به شهادت نیاسایده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول‌های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میداین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده است و در پایان افتخار آمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینی در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است. امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی^(ص) صلی‌الله‌علیه‌و آله‌وسلم رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چندگاه شاهد انفجار خشم جهان‌خواران علیه یک روحانی پاک‌باخته است.

🌀 مواجهه علمای اصیل اسلام با سرمایه‌داران ز الوصفت

۱۰) علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام

۱. در خصوص «اصول اسلام ناب محمدی (ص)» به درس ششم مراجعه شود.

ناب محمدی با سرمایه داران در یک کاسه است و خداوند کسانی را که این گونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می کنند، نمی بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت.^(۱)

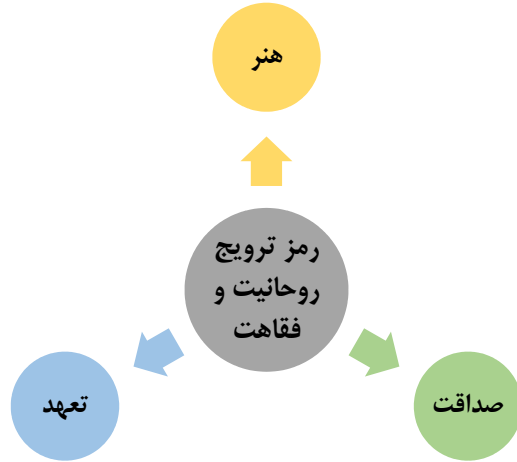
🌀 فتوت؛ روح سلوک علمی، معنوی و اجتماعی روحانیت متعهد

۱۱) آن‌ها بازهد و تقوا و ریاضت درس خوانده اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

🌀 راز و رمز ترویج روحانیت و فقاقت بدون زور، زر و تزویر

۱۲) در ترویج روحانیت و فقاقت نه زور سرنیزه بوده است، نه سرمایه‌ی پول پرستان و ثروت مندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده اند.

۱. این بیان صریح و آتشین امام راحل^(ع) درباره سرمایه داران زالوصفت، ریشه در موضع شدید قرآن کریم علیه جریان «مُترَفین» (فاسدشدگان بر اثر برخورداری از رفاه زیاد) دارد. کسانی که مست و مغرور به نعمت شده و طغیان کرده اند و مصداق آن غالباً پادشاهان و جباران و ثروتمندان مستکبر و خودخواهی است که با قیام انبیاء به دوران خود کامگی شان پایان داده می شد و منافع نامشروع شان به خطر می افتاد و مستضعفان از چنگال آن‌ها رهایی می یافتند و به همین دلیل با انواع حيله‌ها و بهانه‌ها، به تخدیر و تحمیق مردم می پرداختند و امروزه نیز بیشترین فساد دنیا از همین مترَفین و به تعبیر امام راحل سرمایه داران زالوصفت سرچشمه می گیرد. اتراف از نظر اقتصادی عامل رکود، از نظر اجتماعی عامل فساد و از نظر سیاسی باعث تفرقه می گردد.



علل مواجهه احتیاط آمیز
 علماء راستین با بعضی از
 مظاهر تمدن:

- (۱) ترس از نفوذ اجانب
 و مقدمه ورود استعمار
 بودن این ابزار.
- (۲) احساس خطر از
 گسترش فرهنگ اجنبی،
 خصوصاً فرهنگ مبتذل
 غرب.
- (۳) سابقه دروغ و فریب
 جهان خواران و عدم
 اطمینان به آنها.
- (۴) استفاده رژیم های
 طاغوتی گذشته از رادیو و
 تلویزیون برای بی اعتبار
 کردن عقاید مذهبی و
 نادیده گرفتن آداب و
 رسوم ملی.

❁ نوع مواجهه روحانیت متعهد با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته

۱۳) مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها بر خورد احتیاط آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهان خواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران و سائیلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟

❁ عوامل زندگی، پایداری و محبوبیت روحانیت متعهد

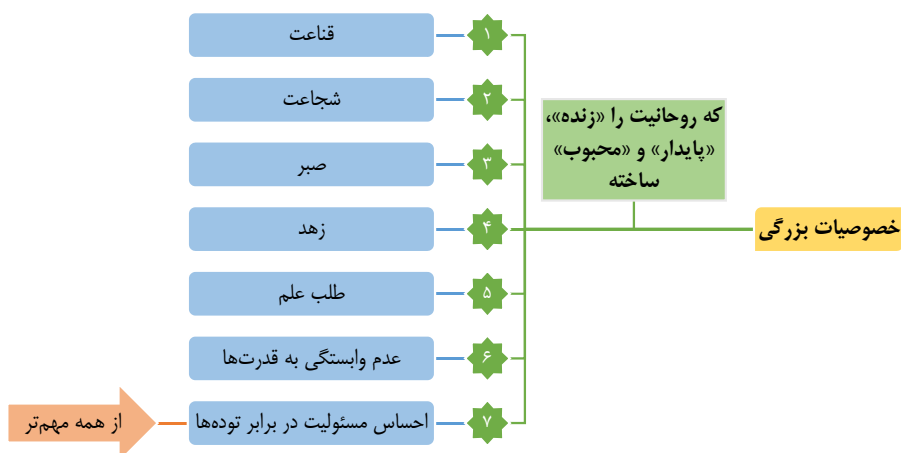
۱۴) به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه احساس

مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.

بسط تفکر اسلام ناب با کمی امکانات؛ بالاترین عزت روحانیت

متعهد

۱۵) وجه عزتی بالاتر از این که روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاقت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است.



چرایی دشمنی دیرینه استعمار با جریان روحانیت متعهد

۱۶) راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با این همه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟ مسئله کتاب آیات شیطانی^(۱) کاری حساب‌شده برای زدن ریشه دین و

۱. کتاب «آیات شیطانی»؛ رمانی به سبک رئالیسم جادویی، نوشته «سلیمان رشدی» - نویسنده هندی الاصل بریتانیایی -، و بر پایه «افسانه غرانیق» است که حاوی توهین‌های متعدد به محضر پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و برخی صحابه

شناخت حيله و مکر و
فريب جهان خواران؛
شرط حفظ جريان
روحانيت متعهد از شر
جهان خواران توسط
خداوند متعال

دين داری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهان خواران می توانستند، ریشه و نام روحانیت را می سوزانند و ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و این شاء الله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آن که حيله و مکر و فريب جهان خواران را بشناسیم.^(۱)

و همسران ایشان می باشد. انتشار رمان آیات شیطانی در ۴ مهر ۱۳۶۷ ش، اعتراضات فراوانی از سوی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان برانگیخت؛ مسلمانان در کشورهایی از جمله هند، پاکستان، ایتالیا، کانادا و مصر، ضمن برگزاری تجمعاتی علیه سلمان رشدی و کتاب اش، برخی از کتابفروشی های توزیع کننده کتاب را به آتش کشیدند. هم چنین روزنامه رسمی واتیکان، سلمان رشدی و رمان او را محکوم کرد. افرام شاییرا، خاخام یهودیان اشکنازی، خواستار ممنوعیت انتشار آیات شیطانی در اسرائیل شد. حضرت امام خمینی (ع)، ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ ش، مؤلف کتاب آیات شیطانی را محکوم به اعدام، و کسی که در راه اعدام سلمان رشدی کشته شود را شهید اعلام کرد. در اطلاعیه ای دیگر، توبه سلمان رشدی، غیر قابل قبول دانسته شد. سلمان رشدی، پس از صدور حکم امام خمینی، وادار به زندگی مخفی شد و عذرخواهی اش از ناراحت کردن مردم مسلمان هم موجب رهاشدن اش از پیامدهای حکم اعدام نشد. (نک: ویکی شیعه)

۱. چرایی دشمنی دیرینه استعمار با جریان روحانیت متعهد مربوط است به تهاجم تمدن غرب مُدرن به تمدن اسلامی ما. تهاجمی که ابتدا و جبهه ای نظامی داشت و بعدها به رویکردی سیاسی و اقتصادی تغییر جهت داد و امروزه عمدتاً با شکل فکری و فرهنگی با ساز و برگ نفوذ، تبلیغات و رسانه، و پیاده نظامی روشنفکران غرب زده صورت می گیرد. به گواهی تاریخ، جریانی که توانسته است کشور را در این تهاجم سنگین دو یست ساله نجات بدهد و حفظ کند، روحانیت شیعه بوده است.

به عبارت دیگر تمدن ایرانی اسلامی در تقابل فرهنگ مهاجم غرب استعماری، گاه مثل واقعه مشروطه شکست خورده و گاه پیروز شده است، مثل مقطع انقلاب اسلامی؛ و در این تقابل، مهم ترین و کارآمدترین پایگاه مقاومت ایرانیان، روحانیت شیعه و در رأس آن مرجعیت شیعه بوده است. علمای ربّانی شیعه رضوان الله علیهم اجمعین در رویکردی بصیرت مدار، و با غرب شناسی نقّادانه و نگاهی واقع بینانه به غرب، همواره با اصولی مُتقن مشی داشته اند که می توان آن ها را اصول مواجهه با غرب نامید.

برخی از عمده‌ترین این اصول عبارت است از:

- (۱) اصل «لَا إِسْلَامَ يَعْزُبُ عَنْهُ» (من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۳۴)،
- (۲) اصل حرمت دوستی با کفار و ولاء منفی،
- (۳) اصل «جهاد فی سبیل الله»،
- (۴) اصل «لا ضرر و لا ضرار»،
- (۵) اصل «حرمت تشبیه به کفار»،
- (۶) اصل «نفی سبیل»،
- (۷) اصل «ظلم ستیزی»،
- (۸) اصل «کسب قدرت و اقتدار»،
- (۹) اصل «نفی انظلام و استرحام»،
- (۱۰) اصل «نفی تجاوز از حد»، و....

در تاریخ معاصر و از بدو شروع تقابل تمدن ایرانی اسلامی به رهبری مرجعیت شیعه در برابر استعمار غربی، این اصول را می‌توان در سیره علمی آنها اعم از متن کتب و فتاوا و هم چنین سیره عملی علمای اسلام مشاهده کرد. علماء و مراجعی از قبیل:

۱. «میرزا مسیح مجتهد تهرانی» (۱۱۹۴-۱۲۶۳ ه.ق) در فتوا علیه روسیه بعد از معاهده ترکمن‌چای و واقعه قتل گریبایدوف (۲۲ بهمن ۱۲۰۷) - صد و پنجاه سال قبل از انقلاب اسلامی -.
۲. «ملاعلی کنی» (۱۲۲۰-۱۳۰۶ ه.ق معادل ۱۱۴۸-۱۲۶۷ ه.ش) در مبارزه با قرارداد استعماری رویتر و مقابله با تأسیس فراموش‌خانه (لژ فراماسونری میرزا ملکم خان) و....
۳. «میرزای شیرازی اول» (۱۲۳۰-۱۳۱۲ ه.ق معادل ۱۱۹۴-۱۲۷۳ ه.ش) در جریان نهضت تنباکو که به تعبیر امام خمینی سلام الله علیه: «آن نصف سطر میرزای شیرازی رضوان الله علیه مملکت ما را از تسو حلقوم خارجی‌ها بیرون کشید.» (صحیفه امام، ج ۹، ص ۵۳۷)
۴. «سید محمد کاظم یزدی» - صاحب عروة - (۱۲۴۷-۱۳۳۷ ه.ق) در فتوا به وجوب دفاع مسلمانان از وطن مقابل حمله ایتالیا به لیبی، انگلیس به عراق و روسیه به ایران.
۵. «آخوند خراسانی» - صاحب کفایة - (۱۲۵۵-۱۳۲۹ ه.ق معادل ۱۲۱۸-۱۲۹۰ ه.ش) در حمایت از نهضت مشروطه.

۶. «میرزای شیرازی دوم» (۱۲۵۸-۱۳۳۸ ه.ق) در فتوای جهاد شیعیان عراق علیه استعمار انگلستان.
۷. «شیخ فضل الله نوری» (۱۲۵۹-۱۳۲۷ ه.ق معادل ۱۲۲۲-۱۲۸۸ ه.ش) در نهضت مشروطه مشروعه.
۸. «آقا نجفی اصفهانی» (۱۲۶۲-۱۳۳۲ ه.ق معادل ۱۲۲۵-۱۲۹۳ ه.ش) و برادرش «حاج آقا نورالله» (۱۲۷۸-۱۳۴۶ ه.ق معادل ۱۲۳۸-۱۳۰۶ ه.ش) در مبارزات شان با استعمار، حمایت شان از مشروطه و جهاد اقتصادی شان در تأسیس «شرکت اسلامیه».
۹. «سید عبد الحسین لاری» (۱۲۶۳-۱۳۴۲ ه.ق معادل ۱۲۲۶-۱۳۰۳ ه.ش) در حمایت از نهضت مشروطه و فتوای جهاد علیه استعمار انگلستان.
۱۰. «شیخ الشریعیه اصفهانی» (۱۲۶۶-۱۳۳۹ ه.ق) در فتوای لزوم استعمال اجناس مصنوعه داخلی و اجتناب از استفاده از مصنوعات خارجی.
۱۱. «سید حسن مدرس» (۱۲۷۸-۱۳۵۶ ه.ق معادل ۱۲۴۹-۱۳۱۶ ه.ش) در حمایت از نهضت مشروطه و مبارزه با دیکتاتوری منور رضاخانی.
۱۲. «حاج آقا حسین قمی» (۱۲۸۲-۱۳۶۶ ه.ق) در مبارزه با سیاست های دین ستیزانه پهلوی اول و دوم و فتوای جهاد علیه متفقین در جریان اشغال عراق در جنگ جهانی دوم.
۱۳. «سید ابوالحسن اصفهانی» (۱۲۸۴-۱۳۶۵ ه.ق) در حمایت از نهضت مشروطه و مخالفت با اشغال عراق.
۱۴. «سید عبدالحسین شرف الدین عاملی» (۱۲۹۰-۱۳۷۷ ه.ق) در تقریب مذاهب اسلامی و مبارزه با استعمار فرانسه برای استقلال لبنان.
۱۵. «شیخ محمد تقی بافقی» (۱۲۹۲-۱۳۶۵ ه.ق معادل ۱۲۵۳-۱۳۲۵ ه.ش) در مبارزه با سیاست های دین ستیزانه پهلوی اول و دوم. اقدام او موجب شد تا کشف حجاب هشت سال دیرتر اجرا شود.
۱۶. «سید حسین بروجردی» (۱۲۹۲-۱۳۸۰ ه.ق معادل ۱۲۵۴-۱۳۴۰ ه.ش) در حمایت از فلسطین، مخالفت با تغییر خط، مبارزه با بهائیت، تأسیس مراکز اسلامی در کشورهای مختلف و اعزام مبلغ به خارج از ایران و تلاش برای تقریب مذاهب.
۱۷. «محمد حسین کاشف الغطاء» (۱۲۹۴-۱۳۷۳ ه.ق) با حضور در جبهه

-
- جنگ به عنوان یک سرباز به جمع مجاهدان عراقی در ماجرای جنگ جهانی اول و فتوای صاحب عروه علیه تجاوز انگلیس به عراق.
۱۸. «آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی» (۲-۱۳۰-۱۳۸۱ ه.ق معادل ۱۲۶۴-۱۳۴۰ ه.ش) در مبارزه علیه انگلیس در عراق و نهضت ملی شدن صنعت نفت و حمایت از فلسطین.
۱۹. «آقاسید محمد تقی خوانساری» (۵-۱۳۰-۱۳۷۱ ه.ق معادل ۱۲۶۷-۱۳۳۱ ه.ش) در حضور شخصی در میدان جهاد با انگلستان، حمایت از فدائیان اسلام و جنبش ملی شدن صنعت نفت، فتوا به وجوب مشارکت در هفدهمین انتخابات مجلس شورای ملی ایران و حمایت از فلسطین.
۲۰. «امام خمینی» (۳۲۰-۱۳۲۰-۱۴۰۹ ه.ق معادل ۱۲۸۱-۱۳۶۸ ه.ش) در رهبری انقلاب اسلامی.
۲۱. «شهید سید محمد باقر صدر» (۳۵۳-۱۳۵۳-۱۴۰۰ ه.ق معادل ۱۳۱۳-۱۳۵۹ ه.ش) در صدور فتوای حرمت عضویت مسلمانان در حزب بعث عراق و حمایت از انقلاب اسلامی ایران.
۲۲. «امام خامنه ای» (متولد ۱۳۵۸ ه.ق معادل ۱۳۱۸ ه.ش) در رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران.

خلاصه درس دوم

- (۱) حوزه علمیه قاعده‌ی نظام جمهوری اسلامی است و همه چیز روی آن بنا می‌شود و دوام می‌یابد؛ استحکام این قاعده در پرتو سه عنصر فقه، تهذیب و اخلاق و هم‌چنین آگاهی سیاسی است.
- (۲) علمای متعهد مهم‌ترین پایگاه اسلام در مقابل انحرافات و کج‌روی‌ها بوده‌اند و اگر آن‌ها نبودند تحریف علوم اسلامی قطعی بود.
- (۳) برای بررسی عمیق و همه‌جانبه علوم اسلامی، طریقه‌ای مناسب‌تر از شیوه علمای سلف یافت نمی‌شود.
- (۴) روحانیت متعهد در طول تاریخ اسلام، همواره تکیه‌گاه محرمان بوده و در راه دفاع از دین و میهن، تلخی‌های زیادی را متحمل شده است، تا جایی که شهدای فراوانی را نیز در این راه تقدیم کرده است.
- (۵) بیش از ۲۵۰۰ طلبه در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این نشانه آمادگی روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران است.
- (۶) علمای اصیل اسلام و روحانیت متعهد هرگز با سرمایه‌داران و پول‌پرستان سرآشتی ندارند و به هیچ وجه تحت سلطه آن‌ها قرار نمی‌گیرند. بلکه بازهد و فقر و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی می‌کنند.
- (۷) رمز و شاه کلید ترویج روحانیت و فقاقت در سه عنصر هنر، صداقت و تعهد خلاصه می‌شود.
- (۸) تنها علت برخورد احتیاط‌آمیز و مخالفت روحانیون با برخی مظاهر تمدن در گذشته (مانند رادیو و تلویزیون) ترس از نفوذ اجانب و احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی بوده است.
- (۹) قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم، عدم وابستگی به قدرت‌ها و احساس مسئولیت در برابر توده‌ها از مهم‌ترین عوامل پویایی، پایداری و محبوبیت روحانیت است.

پرسش‌های درس دوم

۱. ثمره پیوند حقیقی علم و عمل کجا متبلور می‌شود؟
۲. جایگاه و نقش روحانیت در بُعد علمی و بُعد اجتماعی را تبیین کنید.
۳. از منظر امام‌راحل مناسب‌ترین شیوه برای بررسی عمیق و همه‌جانبه علوم اسلامی چیست؟
۴. علمای اصیل اسلام با سرمایه‌داران زالوصفت چگونه مواجهه پیدا می‌کردند؟
۵. راز و رمز ترویج روحانیت و فقاہت بدون زور، زروتزویر را شرح دهید.
۶. مخالفت روحانیت متعهد با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته ناشی از چیست؟
۷. چه خصوصیات بزرگی باعث شده روحانیت متعهد «زنده»، «پایدار» و «محبوب» باشد؟
۸. دشمنی دیرینه استعمار با جریان روحانیت متعهد ناشی از چیست؟
۹. جریان روحانیت متعهد چگونه از شر جهان‌خواران حفظ می‌شود؟

درس سوم؛

افشاء و طرد روحانيون وابسته
و متحجر

اهداف درس

- بعد از مطالعه این درس، از مطالعه‌گر انتظار می‌رود:
- تعبیر امام راحل^(ع) درباره جریان روحانیت غیر متعهد را بداند.
 - تهدیدکنندگان اصلی حوزه و روحانیت را بشناسند.
 - بازارهای ضربه‌زدن استکبار آشنا شود.
 - بازارهای نفوذ دشمن آشنایی داشته باشد.
 - از اولین و مهم‌ترین حرکت نفوذی استکبار اطلاع داشته باشد.
 - آسیب‌های شعار جدایی دین از سیاست را برشمرد.
 - از چرایی خون‌دل خوردن امام از متحجرین واقف باشد.
 - عامل اصلی کیان و مجد واقعی حوزه‌های علمیه را تشخیص دهد.
 - نسبت به وجود بقایای تفکر سکولاریسم در حوزه‌های علمیه هشدار یابد.
 - چرایی و انگیزه بازخوانی تاریخ تقابل دو جریان روحانیت و ارسنه و وابسته را پیدا کند.
 - از نقش منفی روحانیون مقدس‌نما در قیام ۱۵ خرداد اطلاع داشته باشد.
 - مقدسین روحانی‌نما و جریان واپس‌گرای حوزوی از گذشته تا حال را مشخصاً بشناسد.
 - با شاخص‌های تشخیص انحراف و التقاط در حوزه آشنا باشد.
 - راهکارهای مقابله علمی و عملی با مقدسین روحانی‌نما را بیندیشد.
 - از عملکرد شریعتمداری در مواجهه با انقلاب اسلامی آگاه باشد.
 - جریان حجّیه را بشناسد.
 - جریان ولایتی‌ها را بشناسد.
 - با دانستن شاخص‌ها، تحرکات حجّیه‌ای‌ها، ولایتی‌ها و... رادر هر زمان شناسایی کند.
 - از پیچیدگی‌ها و مشکلات برخورد واقعی با خطر نفوذ مطلع باشد.
 - راهکار اصلی قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌های علمیه را بداند.

به الزامات نقد صحیح مسائل جامعه واقف باشد. ❁
نسبت به زمینه‌های خطر و رَدبِ تفاوت‌ها و بی‌دردها به صحنه ❁
انقلاب هشدار یابد.
تهدیدهای پیش‌روی حوزه و روحانیت را تشخیص دهد. ❁
وظیفه علما و روحانیون متعهد را در مسیر مقابله با تهدیدها بدانند. ❁

خطر جدی جریان روحانیون وابسته

۱۷) البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که روحانیون وابسته و مقدس نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست.

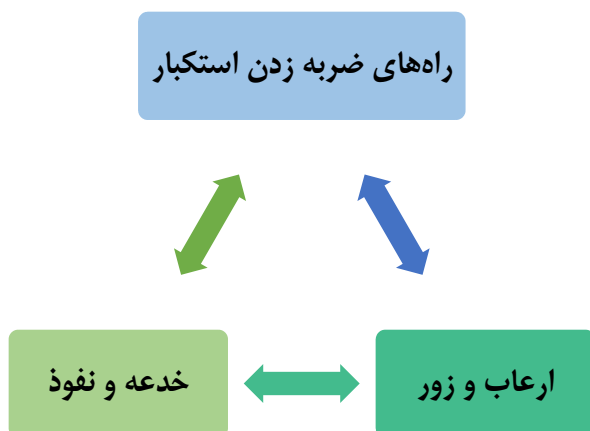


❁ ضرورت رصد جریان روحانیون وابسته

۱۸) طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، این ها مروج اسلام آمریکایی اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعی ها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟

❁ راه‌های ضربه زدن استکبار

۱۹) استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دوره برای ضربه زدن انتخاب نمود، یکی راه ارباب و زور، و دیگری راه خدعه و نفوذ.



❁ تمرکز استکبار بر نفوذ در دوران معاصر

۲۰) در قرن معاصر، وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راه‌های نفوذ تقویت گردید.^(۱)

۱. خطر نفوذ دشمن، از موضوعاتی است که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب همواره بر آن‌ها تأکید کرده و مردم و مسئولان نظام را نسبت به آن‌ها توجه داده‌اند؛ اما از سال ۹۴ امام خامنه‌ای توجه ویژه‌ای به موضوع «نفوذ دشمن» داشته و کلیدواژه‌ی «نفوذ» از پرتکرارترین کلیدواژه‌های مورد استفاده رهبر معظم انقلاب گردید. به همین جهت در درس ششم، بحث کوتاهی در این

❁ القای شعار جدایی دین از سیاست؛ اولین و مهم‌ترین حرکت نفوذی استکبار

۲۱) اولین و مهم‌ترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند.

❁ خون دل از تأثیر نفوذ دشمن و بسط تفکر جدایی دین از سیاست در حوزه‌ها

۲۲) گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز، ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هست. در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای و افسوسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آن‌ها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته‌ی متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.

❁ آسیب‌های شعار جدایی دین از سیاست

۲۳) وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت، در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهرافقیه هم مجاز نبود

خصوص آورده شده و ابعاد مختلف خطر نفوذ از منظر رهبر معظم انقلاب مورد بررسی بیشتر قرار گرفته است. به طور کلی بیانات ایشان در موضوع نفوذ داری محورهای اصلی ذیل است: خطر نفوذ، اهداف دشمن از نفوذ، عرصه‌های نفوذ، انواع و اقسام نفوذ، روش‌های نفوذ دشمن، زمینه و عوامل نفوذ دشمن و راه‌های مقابله با نفوذ دشمن.

آسیب‌های القای شعار جدایی دین از سیاست:
 ۱) زخم تهمت وابستگی و افترای بی دینی به روحانیون مجاهد.
 ۲) بروز و ظهور اختلاف و جدال و مغالطه در میان جامعه متدینین.
 ۳) خون دل خوردن رهبر نهضت.
 ۴) انحصار معنای فقاقت به غرق شدن در احکام فردی و عبادی.
 ۵) مجاز نبودن فقیه برای دخالت در سیاست و حکومت.
 ۶) تبدیل حماقت روحانی در معاشرت با مردم، به فضیلت.
 ۷) قرار گرفتن عالمان سیاست و روحانیون کاردان و زیرک در معرض سوء ظن.
 ۸) کفر بودن یادگرفتن زبان خارجی.
 ۹) گناه و شرک بودن یادگیری فلسفه و عرفان.
 ۱۰) تبدیل وضع روحانیت و حوزه‌ها به وضع کلیساهای قرون وسطی در صورت ادامه یافتن همین روند.

که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست و حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سرپای وجودش بیارد و الا عالم سیّاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هرکس کج راه می‌رفت متدین‌تر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر؛ و فلسفه و عرفان، گناه و شرک به‌شمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزند خردسالم، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم.

🌀 **علمای دین باور و مبارز، عامل کیان و مجدد واقعی حوزه‌های علمیه**

۲۴) تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجدد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود. علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی مان نشأت گرفته از همین بارقه است.

🌀 **ضرورت مراقبت از سرایت لایه‌های تفکر اهل جمود به**

طلاب جوان

۲۵) البته هنوز حوزه‌ها، به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند.

🌀 **اهمیت بازخوانی تاریخ تقابل دو جریان روحانیت وارسته و وابسته**

۲۶) ویکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران و انفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بی‌سواد برای طلاب جوان

حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند.

وجود بقایای تفکر
سکولاریسم در حوزه‌های
علمیه

لزوم ترسیم چگونگی
مبارزه روحانیت متعهد
در دوران نفوذ مقدسین
نافهم و ساده‌لوحان
بی‌سواد برای طلاب
جوان

مبارزه و ایثار خون؛ تنها راه حل روحانیت متعهد برای تقابل بانفوذ مقدس نماها در دوران مبارزات

۲۷) اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صد درصد معتقد به مبارزه نبود، زیر فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان به در می رفت؛ ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا «با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توپ و تانک ایستاد» و این که «ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم» و یا «جواب خون مقتولین را چه کسی می دهد؟!» و از همه شکننده تر، شعار گمراه کننده «حکومت قبل از ظهور امام زمان - علیه السلام - باطل است» و هزاران ان قُلت دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آن ها را گرفت، تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهر آگینی که به طرف اسلام شلیک می شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.

مروری بر نقش منفی مقدس مآبان متحجر در قیام ۱۵ خرداد

۲۸) اولین و مهم ترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حیل و مقدس مآبی و تحجر بود، گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می سوخت و می درید.^(۱) در آن زمان، روزی نبود که حادثه ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار آمریکا و شاه به شایعات و تهمت ها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند، می دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت، خون

۱. همسر امام راحل در خاطرات آن دوران نقل کرده است: «در آن زمان آقانه ها می کرد. شب ها بلند بلند می گریست و می گفت این آقایان قدرت شان را نمی شناسند و دارند بادستگاه کنار می آیند.» (نک: کتاب الف لام خمینی ص ۲۵۱-۲۵۴)

استفاده گسترده
مقدسین روحانی نما
از ابزار تبلیغات منفی
و عملیات های روانی
عوام فریبانه

می‌گریست که چگونه آمریکا و نوکرش پهلوی می‌خواهند ریشه‌دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس‌نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می‌نمودند.

❁ ضربه خوردن اسلام از مقدسین روحانی‌نمایش از هر قشر

دیگری

۲۹) آن‌قدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نمایش ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم.^(۱)

۱. امام خمینی^(۲) درباره غربت و مظلومیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در برقراری حکومت اسلامی فرمودند: «بالاترین مصیبتی که بر اسلام وارد شد، همین مصیبت سلب حکومت از حضرت امیر - سلام‌الله‌علیه - بود؛ و عزای او از عزای کربلا بالاتر است. مصیبت وارده بر امیرالمؤمنین و بر اسلام بالاتر است از آن مصیبتی که بر سیدالشهداء - سلام‌الله‌علیه - وارد شد. اعظم مصیبت‌ها این مصیبت است که نگذاشتند مردم بفهمند اسلام یعنی چه. (صحیفه امام/ج ۲/ص ۳۶۰)؛ ما باید این تأسف را به گور ببریم که نگذاشتند آن طوری که حضرت امیر می‌خواست حکومت تشکیل بدهد. آن‌هایی که مدعی اسلام بودند، با اسم اسلام با ایشان معارضه کردند، و با اسم اسلام، اسلام را کو بیدند و با اسم قرآن کریم ایشان را از مقصد باز داشتند... یک دسته به اسم اسلام به دشمنی برخاستند، و یک دسته احمق هم که در اطراف ایشان بودند باز به اسم قرآن دست امیرالمؤمنین را بستند... مسائل روز خودمان شبیه همان مسائل است. ما امروز هم گرفتار به همان مسائل هستیم. منتها دامنه و توسعه‌اش به خاطر وضع دنیای امروز عوض شده و بیشتر شده است. همان‌طور که در زمان حضرت امیر (سلام‌الله‌علیه) نگذاشتند که یک حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند، با اسم اسلام، امروز هم ما مبتلای به همین معنا هستیم که با اسم اسلام می‌خواهند نگذارند که حکومت اسلام محقق بشود؛ یک دسته غیر متوجه و جاهل و یک دسته عالم متهتک. فرمود: دو طایفه کمر من را شکستند: آن‌عالم‌هایی که متهتک هستند و آن

مروری بر عملکرد
«شریعتمداری»،
«انجمن حجتیه» و
«ولایتی‌های بی‌ولایت» در
مواجهه با انقلاب اسلامی

❁ امتداد جریان مقدسین روحانی‌نما (جریان واپس‌گرای حوزوی)

۳۰) ولی‌طلبان جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه هم چنان باز است و شیوه مقدس‌مآبی و دین‌فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست‌بازان امروز شده‌اند. آن‌ها که به خود اجازه ورود در امور سیاست‌رانی دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلورفته بودند. غائله قم و تبریز^(۱) با هماهنگی چپی‌ها و سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می‌توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه^(۲) سر در آوردند، باز خدا رسوایشان ساخت.

۳۱) دسته‌ای دیگر از روحانی‌نماهایی که قبل از انقلاب، دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانه دربار می‌ساییدند، یک مرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آن همه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت و هابیت و بدتر از و هابیت زدند. دیروز مقدس‌نماهای بی‌شعور می‌گفتند: «دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است»، امروز می‌گویند: «مسئولین نظام کمونیست شده‌اند!» تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشاء و فسق حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فدا^(۳) را مفید و راه‌گشامی دانستند، امروز از این که در گوشه‌ای، خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما!» سر می‌دهند! دیروز «حجتیه‌ای‌ها»^(۴)

جاهل‌هایی که متنسک هستند اَقْصَمَ ظَهْرِي عَالِمٌ مَثَهَّتْكَ، وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ...! اسلام از هر دو طایفه صدمه دیده است، و بعدها هم خواهد دید، حتی در زمان حضور حضرت ولی امر که در بعضی روایات هست، که علما تکفیرش می‌کنند... (نک: صحیفه امام/ ج ۱۸/ ص ۴۰۸-۴۰۹).

۱. نک: درس ششم همین کتاب ذیل عنوان: «مروری بر عملکرد شریعتمداری در مواجهه با انقلاب اسلامی».
۲. نک: درس ششم همین کتاب ذیل عنوان: «مروری بر عملکرد شریعتمداری در مواجهه با انقلاب اسلامی».
۳. نک: درس ششم همین کتاب ذیل عنوان: «جریان‌شناسی انجمن حجتیه».

مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابی تر از انقلابیون شده اند!

۳۲) «ولایتی ها»^(۱) دیر روز که در سکوت و تحجر خود، آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند! راستی اتهام آمریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرام ها و حرام کردن حلال ها، اتهام کشتن زنان آبستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می شود؟ از آدم های لا مذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بی شعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن ها و کنایه ها نسبت به مشروعیات نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همه این ها نتیجه نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه هاست.

وجود شریعتمداری ها،
حجثیه ای ها، ولایتی ها و
عنادورزی آنها با انقلاب
اسلامی، نتیجه نفوذ
بیگانگان در حوزه های
علمیه!

🌀 پیچیدگی ها و مشکلات برخورد واقعی با خطر نفوذ

۳۳) و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است. از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه ای به دست دشمنان کار آسانی نیست.

پیچیدگی ها و مشکلات
برخورد واقعی با خطر
نفوذ به دلیل سه وظیفه
سنگین روحانیت متعهد:
۱. تبیین حقایق و
واقعیات.
۲. اجرای حق و عدالت در
حد توان.
۳. مراقبت از نیفتادن
سوژه ای به دست
دشمنان.

🌀 تبلیغ دوگانه و مُغرضانه علیه دادگاه ویژه روحانیت

۳۴) با این که در کشور مادر اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بد سابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می شود، فوراً باندها فریاد می زنند که چه
۱. نک: درس ششم همین کتاب ذیل عنوان: «جریان شناسی ولایتی ها».

نشسته‌اید، جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بی‌جا می‌دهد. مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون، سوء استفاده نکنند و با موج آفرینی و تبلیغات، اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین نمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستیم. اگر تخلفی از من هم سرزند مهبای مؤاخذه‌ام.

🌀 حفظ اتحاد و یکپارچگی روحانیت؛ راهکار قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌های علمیه

۳۵) حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گر چه کار مشکل است ولی چاره چیست باید فکری کرد.

۳۶) اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود و گرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل. امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشت‌ها و حتی ضعف مدیریت‌ها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد.^(۱)

🌀 الزامات نقد صحیح مسائل جامعه

۳۷) ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین، انتقادی

۱. امام خمینی^(ع): «توجه تام به این معنا داشته باشید، که هر کس بخواهد ایجاد اختلافی بکند بدانید که یا آدم نادانی است، تحت تأثیر واقع شده است؛ یا آدم شیطنانی است که می‌خواهد نگذارد نهضت درست بشود... اختلافات اسباب این می‌شود که ما نتوانیم این قدم را که الآن لازم است برداریم.» (۱۳۵۸/۰۴/۲۱)

عمده‌ترین چالش‌های اتحاد و یکپارچگی:
 (۱) اختلاف سلیقه‌ها.
 (۲) اختلاف برداشت‌ها.
 (۳) ضعف مدیریت‌ها.
 (۴) لحن و تعابیر نامناسب در انتقاد عملکردها، مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین.

داشته باشد، ولی لحن و تعابیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابر قدرت ها که همه مشکلات و نارسایی ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصار طلبی گردد که این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می برد و زمینه را برای ورود بی تفاوت ها و بی دردها به صحنه انقلاب آماده می کند.

۳۸) من امروز بر این عقیده ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آن همه توطئه ها و خصومت ها و جنگ افروزی هایی که در جهان علیه انقلاب اسلامی است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می آوردند.

۱) مراقبت از انحراف افکار جامعه و آیندگان از مسیر شناخت دشمنان واقعی که سرچشمه مشکلات و نارسایی ها به طرف مسائل فرعی
۲) اجتناب از تفاسیر انحصار طلبانه و غیر منصفانه
۳) اجتناب از گذاشتن همه ضعف ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین و از بین بردن اعتبار مسئولین نظام
۴) مراقبت از ایجاد زمینه های ورود بی تفاوت ها و بی دردها به صحنه انقلاب.

خلاصه درس سوم

- (۱) خطر حضور روحانیون وابسته، تحجرگرا و مقدس نما در حوزه‌های علمیه خطری جدی است و اتحاد طلاب در مقابل این مروجان اسلام آمریکایی، بسیار ضروری است.
- (۲) استکبار از دوراه ارباب و زور و خدعه و نفوذ برای ضربه زدن به روحانیت استفاده می‌کند.
- (۳) اولین و مهم‌ترین حرکت دشمن، القای شعار جدایی دین از سیاست بود که متأسفانه تا حدودی در حوزه و روحانیت تأثیر داشته است.
- (۴) یکی از آسیب‌های شعار جدایی دین از سیاست در حوزه علمیه، غرق شدن برخی افراد در احکام فردی و عبادی و دوری از سیاست و کاردانی بود. هم‌چنین با این نگاه یادگیری برخی علوم مانند فلسفه و عرفان، گناه و شرک به شمار می‌رفت.
- (۵) اولین و مهم‌ترین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد فیضیه بود که دردناک‌تر از تیرهای ماموران شاه، گلوله‌های حيله و مقدس مآبی خودی بود که روحانیت اصیل را هدف می‌گرفت.
- (۶) در امتداد جریان مقدسین روحانی نمای دیروز، جریان واپس‌گرای حوزوی امروز است که بانسبت دادن انواع اتهامات به نظام اسلامی، مشروعیت نظام را زیر سوال می‌برند.
- (۷) برخورد قاطع نظام با متخلفین به اصطلاح روحانی، دلیلی محکم بر عدالت نظام است که امتیازی برای کسی قائل نیست و حتی خود بنده (امام رحمت الله علیه) نیز در صورت تخلف، مهبیای مواخذه هستم.
- (۸) اولین وظیفه شرعی و الهی روحانیون برای قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌های علمیه، حفظ اتحاد و یکپارچگی است.

پرسش‌های درس سوم

۱. تهدیدکنندگان اصلی حوزه و روحانیت چه گروه‌هایی هستند؟
۲. اولین و مهم‌ترین حرکت نفوذی استکبار چیست؟
۳. شعار جدایی دین از سیاست چه آسیب‌های به همراه دارد؟
۴. کیان و مجد واقعی حوزه‌های علمیه ناشی از چیست؟
۵. بازخوانی تاریخ تقابل دو جریان روحانیت و ارسته و وابسته چه ثمری دارد؟
۶. شاخص‌های تشخیص انحراف و التقاط در حوزه را تشریح نمایید.
۷. راهکار اصلی قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌های علمیه را بیان کنید.
۸. وظیفه علما و روحانیون متعهد در مسیر مقابله با تهدیدها را تشریح کنید.

درس چهارم؛

تحليل كلان و واقع گرايانه
عملکرد نظام

اهداف درس

- بعد از مطالعه این درس، از مطالعه‌گر انتظار می‌رود:
- از هدف اساسی ورود در جنگ تحمیلی آگاه باشد.
- برکات دفاع مقدس را در عرصه‌های مختلف برشمرد.
- ماهیت و جنبه‌های الهی دفاع مقدس را تحلیل نماید.
- از حکمت عدم ندامت و پشیمانی از عملکرد خود در جنگ تحمیلی مطلع باشد.
- معنای صحیح تکلیف‌مداری انقلابی و نسبت صحیح «تکلیف» و «نتیجه» را بداند.
- پیامدهای اظهار نظرها، ابراز عقیده‌ها و تحلیل‌های غلط را بشناسد.
- شعارهای اصلی نظام را بداند.
- دلیل تغییر روش‌ها و تاکتیک‌ها در حرکت کلی نظام را بداند.
- جریان «انقلابی‌نماها» را بشناسد.
- محتوای دو هشدار امام را حل به طلاب را به خاطر داشته باشد.
- به پیامدهای خطرناک سپردن پُست‌های کلیدی به لیبرال‌ها واقف باشد.
- شاخص‌های امروزی جریان لیبرال را بشناسد.

نگاه فرصت‌محور به حادثه جنگ تحمیلی:

- (۱) برکتی هر روزه.
- (۲) صدور انقلاب به جهان.
- (۳) اثبات مظلومیت خویش و ستم‌متجاوزان.
- (۴) کنار زدن پرده از چهره تزویر جهان‌خواران.
- (۵) شناخت دوستان و دشمنان.
- (۶) باور اینکه باید روی پای خودمان بایستیم.
- (۷) شکست ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب.
- (۸) استحکام‌بخشی ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی.
- (۹) باروری حس برادری و وطن‌دوستی در نهاد یکایک مردم.
- (۱۰) نشان دادن امکان مبارزه طولانی علیه تمامی قدرت‌ها به مردم جهان.
- (۱۱) به دنبال داشتن کمک به افغانستان.
- (۱۲) به دنبال داشتن فتح فلسطین.
- (۱۳) احساس ذلت تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام.
- (۱۴) به دنبال داشتن بیداری پاکستان و هندوستان.
- (۱۵) رشد صنایع نظامی.
- (۱۶) از همه اینها مهم‌تر، استمرار روح اسلام انقلابی.
- (۱۷) صدای اسلام‌خواهی آفریقا.
- (۱۸) علاقه به اسلام‌شناسی مردم در کل جهان.

🌀 موفقیت انقلاب اسلامی در اکثر اهداف و زمینه‌ها حتی در جنگ

(۳۹) در يك تحليل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست‌خورده نیستیم، حتی در جنگ، پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات، چیزی به دست نیاوردند.

🌀 دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام؛ هدف اساسی ما در جنگ

۴۰) البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده‌ایم.

🌀 برکات دفاع مقدس

(۴۱) هر روز مادر جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره‌جسته‌ایم. ما انقلاب‌مان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم‌متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، مادر جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، مادر جنگ، دوستان و دشمنان‌مان را شناخته‌ایم، مادر جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، مادر جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، مادر جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم، مادر جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، مادر جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و

هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن چنانی برخوردار شد و از همه این‌ها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت همه این‌ها از تلاش خون‌های پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه این‌ها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با آمریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت.

🌀 تبیین ماهیت و جنبه‌های الهی دفاع مقدس

۴۲) جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا خاتم زندگی وجود دارد. چه کوتاه نظرند آن‌هایی که خیال می‌کنند چون مادر جبهه به آرمان‌نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است! در حالی که صدای اسلام خواهی آفریقا از جنگ هشت ساله ماست، علاقه به اسلام‌شناسی مردم در آمریکا و اروپا و آسیا و آفریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.

من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مراد کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد.^(۱)

پیامدهای اظهار
نظرها، ابراز عقیده‌ها و
تحلیل‌های غلط:
(۱) به دست آوردن رضایت
لیبرال‌های خود فروخته.
(۲) تردید حزب الله در
ثبات جمهوری اسلامی بر
مواضع اصولی‌اش.
(۳) سستی نظام.
(۴) سلب اعتماد مردم.

۱. همان‌طور که قبلاً اشاره شد این بیانات امام^(ع) ناظر به سخنرانی آقای منتظری در سخنرانی مراسم ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۷ به‌عنوان اولین مراسم پیروزی انقلاب اسلامی پس از جنگ تحمیلی بود. سوگمنده‌وی رسماً اعلام کرد که مادر جنگ تحمیلی شکست خورده و عراق و هم‌بیمانانش پیروز این جنگ بوده‌اند. بسیار سزاوار است که سخنرانی وی را با سخنرانی تاریخی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم بزرگداشت نخستین دهه انقلاب اسلامی (سال ۱۳۶۷) مقایسه شود و به دلالت‌ها و نکات تحلیلی فراوانی پی‌برد. سخنرانی تاریخی

🌀 جنگ و صلح، تنها برای ادای تکلیف الهی

۴۳) مادر جنگ برای يك لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشبختانه حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن‌ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از این که به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟

۴۴) نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهار نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی اش عدول می‌کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی‌شود؟!

🌀 معنای صحیح تکلیف‌مداری انقلابی

۴۵) تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی‌شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیاء و معصومین -علیهم‌السلام- در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود، فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند.^(۱)

آیت‌الله خامنه‌ای به صورت کتابچه‌ای با عنوان «عصر انقلاب اسلامی» از سوی انتشارات صهبا چاپ شده است.

۱. در برهه‌هایی برداشت سطحی از این مبنای امام‌راحل^(ع) که «ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه»، باعث بروز دو قطبی کاذب و مغالطه‌تقابل «تکلیف» و «نتیجه» گردید و به همین دلیل در سال ۱۳۹۲ رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان به خوبی این موضوع را تبیین فرمودند: «امام فرمودند: ما

دنبال تکلیف هستیم. آیا این معنایش این است که امام دنبال نتیجه نبود؟ چطور می شود چنین چیزی را گفت؟ امام بزرگوار که با آن شدت، با آن حدت، در سنین کهولت، این همه سختی ها را دنبال کرد، برای این که نظام اسلامی را بر سر کار بیاورد و موفق هم شد، می شود گفت که ایشان دنبال نتیجه نبود؟ تکلیف گرانی معنایش این است که انسان در راه رسیدن به نتیجه ی مطلوب، بر طبق تکلیف عمل کند؛ بر خلاف تکلیف عمل نکند، ضد تکلیف عمل نکند، کار نامشروع انجام ندهد؛ و آلا تلاشی که پیغمبران کردند، اولیای دین کردند، همه برای رسیدن به نتایج معینی بود؛ دنبال نتایج بودند. مگر می شود گفت که مادنبال نتیجه نیستیم؟ یعنی نتیجه هر چه شد، شد؟ نه! البته آن کسی که برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل می کند، اگر یک وقتی هم به نتیجه ی مطلوب خود نرسید، احساس پشیمانی نمی کند؛ خاطرش جمع است که تکلیف اش را انجام داده. اگر انسان برای رسیدن به نتیجه، بر طبق تکلیف عمل نکرد، وقتی نرسید، احساس خسارت خواهد کرد؛ اما آن که نه تکلیف خودش را انجام داده، نه مسئولیت خودش را انجام داده، کار شایسته و بایسته را انجام داده است، واقعیت ها را ملاحظه کرده و بر طبق این واقعیت ها برنامه ریزی و کار کرده، آخرش هم به نتیجه نرسید، احساس خسارت نمی کند؛ او کار خودش را انجام داده. بنابراین، این که تصور کنیم تکلیف گرانی معنایش این است که ما اصلاً به نتیجه، نظر نداشته باشیم، نگاه درستی نیست.

در دفاع مقدس و در همه ی جنگ هائی که در صدر اسلام، زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه (علیهم السلام) بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد می شدند، برای تکلیف هم حرکت می کردند. جهاد فی سبیل الله یک تکلیف بود. در دفاع مقدس هم همین جور بود؛ ورود در این میدان، با احساس تکلیف بود... اما آیا این احساس تکلیف، معنایش این بود که به نتیجه نیندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ این جور نیست. بنابراین تکلیف گرانی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند بیند این نتیجه چگونه به دست می آید، چگونه قابل تحقق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راه های مشروع و میسر، برنامه ریزی کند. (نک: ۱۳۹۲/۰۵/۰۶)

🌸 تحقق عینی و موفقیت اکثر شعارهای انقلابی ملت ایران

۴۶) در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر آمریکا» را در عمل جوانان پُرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی آمریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده‌ایم.

🌸 تداوم شعارهای انقلاب؛ تغییر تاکتیک برای رفع موانع تحقق شعارها

۴۷) البته مُعترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روش‌ها و تاکتیک‌ها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست‌کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟

🌸 ضرورت عبرت از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها

۴۸) من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر این که باید مواظب القائنات روحانی‌نماها و مقدس‌مآب‌ها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها و به‌ظاهر «عقلای قوم»^(۱) که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی‌های بی‌مورد و ساده‌اندیشی‌ها سبب مراجعت آنان به پُست‌های کلیدی و سرنوشت‌ساز نظام شود.^(۲)

۱. «منتظری» در سخنرانی ۲۲ بهمن ۱۳۶۷ در دفاع از همنشینی خود با لیبرال‌ها از آنان با عنوان «عقلای قوم» یاد می‌کند. (رازهای دهه شصت ص ۳۱۸).
۲. همان‌طور که می‌بینیم یکی از توصیه‌های محوری امام راحل^(ع) در این پیام، بازخوانی تاریخ و عبرت‌گیری از وقایع گذشته است. ایشان به‌طور مشخص به دوبرهه تاریخی اشاره می‌نمایند و به طلاب و فضلالی نسل‌های آینده سفارش

هشدار!
۱) مواظبت از القائنات
روحانی‌نماها و مقدس
مآب‌ها.
۲) عبرت از تجربه
تلخ روی کار آمدن
انقلابی‌نماها.

🌀 سپردن پُست‌های کلیدی به لیبرال‌ها؛ اشتباهی بزرگ

۴۹) من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پُست‌ها و امور مهمه‌ی کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاح‌دید و تأیید دوستان قبول نمودم^(۱) و الآن

اهمیت بازخوانی تاریخ
جریان انقلابی‌نماها و
حفظ حافظه تاریخی
درباره آن

اکید می‌فرمایند که از تاریخ دو برهه ذیل را مطالعه نمایند:

یکی؛ بازخوانی تاریخ تقابل دو جریان روحانیت وارسته و وابسته و ترسیم چگونگی مبارزه روحانیت متعهد در دوران نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بی‌سواد برای طلاب جوان و جریان‌شناسی نحله‌های سکولار حوزوی. (نک: درس سوم)

دوم؛ بازخوانی تاریخ جریان انقلابی‌نماها، حفظ حافظه تاریخی درباره آن و عبرت از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماهای لیبرال.

در حقیقت امام‌راحل تأکید دارند که، دشمن در تقابل با تحقق و تشکیل حکومت دینی، راهکار نفوذ را برای خود بسیار کارآمد یافته است. مهم‌ترین هدف دشمن از نفوذ هم، القاء سکولاریزم (جدانگاری دین از اداره جوامع) در عرصه نظری و عملی است. دشمن در عرصه نظری، با القاء شعار جدایی دین از سیاست در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها است. عامل اصلی این نقشه دشمن در حوزه‌های علمیه، مقدسین روحانی نمای ناآگاه یا وابسته و در دانشگاه‌ها اساتید تجرّج^(۲) و «اسلام‌تجدد» را برای نسل‌ها و جامعه تئوریزه نموده و می‌نمایند. هم‌چنین دشمن در عرصه‌های عملی نیز، با به قدرت رساندن جریان‌های لیبرال، مانع از تحقق و پیاده‌شدن احکام اجتماعی اسلام به‌طور جامع و استیلائی سکولاریزم در جامعه شده و می‌شوند.

۱. امام^(۳) در نامه ۱۳۶۸/۱/۶ خطاب به آقای منتظری نوشتند: «...والله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم... والله قسم، من بانخست وزیر بزرگان مخالف بودم... والله قسم، من رأی به ریاست جمهوری بنی‌صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم...» (صحیفه امام/ج ۲۱/ص ۳۳۰).

هم‌سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعاهنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند.^(۱)

❁ انقلاب اسلامی مدیون کسی نیست

۵۰) انقلاب به‌هیچ‌گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه‌کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند، گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر آمریکا گفتید؟! چرا جنگ کردید؟! چرا نسبت به منافقین و ضد انقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟! چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟! چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم؟! و صدها چرای دیگر.

❁ عواقب مرتبه‌سرای برای منافقین جنایتکار

۵۱) نکته مهم در این رابطه این‌که نباید تحت تأثیر ترحم‌های بی‌جاوی مورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به‌گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی، زیر سؤال بروند. من بعضی از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند.^(۲)

۱. امام^(ع) واقع‌بینانه به ناکامی‌ها در رسیدن به اهداف اشاره می‌کنند و آن را عمدتاً ناشی از به‌کارگیری افراد غیرانقلابی در پست‌های کلیدی کشور می‌دانند. موضوعی هم که امروز هم گریبان‌گیر نظام اسلامی است. موفقیت‌ها مرهون روحیه مقاومت و انقلابی و شکست‌ها ریشه در پذیرش هژمونی غرب و رعب از آمریکا است.

۲. هم‌زمان با تهاجم نیروهای سازمان منافقین در سال ۶۷ با پشتیبانی ارتش عراق

🌀 اعلام مواضع شفاف، قاطع و انقلابی

۵۲) من به آن‌هایی که دست‌شان به رادیو-تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف‌های دیگران را می‌زنند صریحاً اعلام می‌کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد، تا من

به ایران، منافقین زندانی نیز دست به شورش در زندان زدند. بعد از عملیات مرصاد و درهم کوبیده شدن منافقین، و اضافه شدن آمار منافقین زندانی، حضرت امام^(ع) حکمی را درباره بررسی مجدد پرونده منافقین زندانی صادر کردند و دستور دادند منافقینی که هم‌چنان بر سر مواضع محاربه‌ای خود هستند و دست‌شان به خون مردم آلوده است، بنابر حکم فقهی محاربه، اعدام شوند. اجرای این حکم شرعی، با اعتراض شدید و پُرسر و صدای آقای منتظری مواجه شد و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های معاند پیدا کرد، تا آنجا که امام راحل^(ع) در نامه ۱۳۶۸/۱/۶ از وی چنین گلایه کردند: «... در همین دفاعیه شما از منافقین، تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلا ف والوف رساندند و می‌بینید که چه خدمت ارزنده‌ای به استکبار کرده‌اید...». (نک: رجانیوز، شناسه خبر: ۲۵۲۰۱۶؛ سایت هایلیان (habilian.ir)، مجموعه مطالب «مجازات‌های ۶۷»). منتظری علاوه بر این، لکه سیاه دیگری در پرونده خود در رابطه با سید مهدی هاشمی معدوم دارد. یک سال پس از انتخاب آیت‌الله منتظری به قائم مقامی رهبری (سال ۱۳۶۴)، سید مهدی هاشمی برادر هادی هاشمی - داماد و مسئول دفتر آیت‌الله منتظری - دستگیر شد. او که پیش از انقلاب اسلامی به جرم قتل آیت‌الله شمس آبادی و تعدادی دیگر به زندان افتاد و به دلیل این که با ساواک همکاری داشت، حکم اعدامش تخفیف یافت. او با انقلاب اسلامی توانست از زندان خارج شود و با حمایت‌های آیت‌الله منتظری مسئولیت نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه رادر دست بگیرد. او هم چنین گروهی را در قهدریجان اصفهان با نام «ضربت» تشکیل داد که با استفاده از موقعیت بیت‌الله منتظری که برادرش اداره آن را به عهده داشت، اقدامات براندازانه انجام می‌داد و حتی به مخفی کردن تعداد بسیاری اسلحه، سرقت اسناد از ادارات و ترور و آدم‌ربایی پرداخت. علی‌رغم اثبات اتهامات، دستگیری و صدور حکم اعدام سید مهدی هاشمی، منتظری هم‌چنان از او حمایت می‌کرد. (خبرگزاری تسنیم، ویژه‌نامه نوروزی ۱۲، چرا آیت‌الله منتظری عزل شد؛ بازخوانی دو نامه تاریخی امام خمینی).

هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه‌شرقی و نه‌غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست‌آیدی آمریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم.^(۱)

❁ اعتماد راسخ به وفای امت انقلابی ایران

۵۳) و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول، همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند که علاوه بر ده‌ها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود امسال نیز در راهپیمایی ۲۲ بهمن حقیقت‌آمدگی کامل خویش را به جهانیان نشان دادند و واقعاً دشمنان انقلاب را شگفت‌زده کردند که تا کجا حاضر به فداکاری اند. من در این جا خود را شرم‌منده و کوچک‌تر از آن می‌دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم. خداوند پاداش عظیم این همه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می‌کنند سفارش و نصیحت می‌کنم که در گفتار و کلمات و نوشته‌ها با دقت و مطالعه عمل کنند و برداشت‌ها و تصورات نابجای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند.

۱. همان‌طور که در بازخوانی پیام منشور روحانیت می‌بینیم، کلیدواژه پرتکرار «لیبرال» ها عمدتاً ناظر به جریان نهضت آزادی است. جهت آشنایی با این جریان، به فصل ششم با عنوان «جریان‌شناسی نهضت آزادی» مراجعه فرمایید.

خلاصه درس چهارم

- (۱) در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب و پس از پیروزی انقلاب باید گفت؛ جمهوری اسلامی در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده و به یاری خداوند، در هیچ زمینه‌ای شکست نخورده است.
- (۲) صدور انقلاب، نشان دادن مظلومیت خویش و ستم متجاوزان به جهانیان، کنار زدن پرده از روی چهره تزویر جهان‌خواران، شناختن دوستان و دشمنان واقعی، شکست دادن دو ابر قدرت شرق و غرب، محکم کردن ریشه‌های انقلاب اسلامی، ایستادن روی پای خود، ایجاد حس برادری و وطن‌دوستی در یکایک مردم و... از برکات دفاع مقدس بود.
- (۳) دفاع مقدس جنگ میان حق و باطل، فقر و غنا و ایمان و ردالت بود و این جنگ تمام شدنی نیست.
- (۴) ما حتی برای یک لحظه نیز از عملکرد خود در جنگ، نادم و پشیمان نیستیم؛ زیرا برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است. (ما مامور به وظیفه‌ایم نه نتیجه)
- (۵) اکثر شعارهای انقلابی ملت ایران مانند شعار سرنگونی شاه، آزادی و استقلال و شعار مرگ بر آمریکا تحقق عینی یافته و موفقیت‌آمیز بوده است.
- (۶) سپردن پست‌های کلیدی کشور به لیبرال‌ها در اوایل انقلاب، از جمله اشتباهات بزرگی بوده که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، زیرا آن‌ها به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و حرکت به سوی آمریکای جهان‌خوار، قناعت نمی‌کنند.

پرسش‌های درس چهارم

۱. امام خمینی^(ع) هدف اساسی ورود در جنگ تحمیلی را چه می‌دانند؟
۲. برکات دفاع مقدس در عرصه‌های مختلف را تشریح کنید.
۳. چرا ما هیچ‌گاه از عملکرد خود در جنگ تحمیلی نادم و پشیمان نشده‌ایم؟
۴. معنای صحیح تکلیف‌مداری انقلابی و نسبت صحیح «تکلیف» و «نتیجه» را تبیین کنید.
۵. دلیل تغییر روش‌ها و تاکتیک‌ها در حرکت کلی نظام از دیدگاه امام راحل چیست؟
۶. سپردن پُست‌های کلیدی به لیبرال‌ها چه پیامدهایی به دنبال خواهد داشت؟
۷. شاخص‌های امروزی جریان لیبرال چیست؟

پرسش‌های پژوهشی

۱. علت موفقیت انقلاب اسلامی در اکثر اهداف و زمینه‌ها حتی در جنگ تحمیلی و هم‌چنین تحقق عینی و موفقیت اکثر شعارهای انقلابی ملت ایران چیست؟
۲. تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماهای لیبرال چه بود؟

درس پنجم؛

بایسته‌های روحانیت
متعهد انقلابی

اهداف درس

- بعد از مطالعه این درس، از مطالعه‌گر انتظار می‌رود:
- ☆ ضرورت پرهیز از اختلاف و تجزیه روحانیت و عواقب و پیامدهای اختلاف و چنددستگی را بداند.
 - ☆ نسبت به خطر اختلاف بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی هشدار یابد.
 - ☆ از رویکردهای انقلابی جامعه مدرسین حوزه علمیه آگاه باشد.
 - ☆ الزامات توصیه اکید به ارتباط و پیوند سازنده بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی را بشناسد.
 - ☆ علت اصلی تبلیغات دشمنان علیه روحانیت را بداند.
 - ☆ به هدف اصلی امام (ع) از نگارش پیام واقف شود.
 - ☆ ویژگی‌های سبک اجتهاد جواهری را بشناسد.
 - ☆ با معنای تعیین‌کنندگی دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد آشنا شود.
 - ☆ بایسته‌های یک مجتهد واقعی را برشمرد.
 - ☆ از غایت و ماهیت حکومت اسلامی شناخت داشته باشد.
 - ☆ هدف اساسی انقلاب و نظام اسلامی را تشخیص دهد.
 - ☆ چرایی توطئه‌های جهان‌خواران علیه انقلاب را تحلیل نماید.
 - ☆ ویژگی‌های مثبت اسلام امروز مسلمانان را بشناسد.
 - ☆ ضرورت حرکت به سمت خودکفایی کامل تبیین نماید.
 - ☆ علت اصلی اهانت به مقدسات مسلمانان را بداند.
 - ☆ با رویکرد عزتمندانه در مشی دیپلماتیک و سیاست خارجی انقلاب آشنا گردد.
 - ☆ آخرین نگرانی امام در پیام منشور روحانیت را بداند.
 - ☆ نسبت به کارهای اجرایی نظام جمهوری اسلامی نگاه صحیح و الهی داشته باشد.

❁ ضرورت پرهیز از اختلاف و تجزیه روحانیت

۵۴) مسئله دیگر این که امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به‌سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آن، همه چیز را بر باد می‌دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا^(۶) و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه بایکدیگر هماهنگ نباشند، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی‌نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می‌دهد؟! ان شاء الله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها؟

خطر اختلاف بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی

❁ تجلیل و تأیید رویکردهای انقلابی جامعه مدرسین^(۷) حوزه علمیه

۵۵) آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های

۱. رهبر معظم انقلاب: «مادوفقه، یکی سنتی و دیگری پویانداریم. فقه پویا، همان فقه سنتی ماست، پویاست، یعنی علاج‌کننده‌ی مشکلات انسان و پاسخگوی حوادث واقعه است؛ و سنتی است، یعنی دارای شیوه و متدی است که بر طبق آن «اجتهاد» انجام می‌گیرد، و این شیوه قرن‌ها معمول بوده و کارایی خود را نشان داده است.» (۱۳۶۸/۰۴/۲۰)

۲. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نهاد حوزوی با فعالیت‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متشکل از اساتید میرزی از حوزه علمیه قم از جمله حضرات آیات فاضل لنکرانی، مشکینی، منتظری، جنتی، خزعلی، یزدی، مؤمن، شبیری زنجانی، امینی، سبحانی، مکارم شیرازی و... در سال ۱۳۴۱ ه. ش تأسیس شد. علاوه بر حضور در کنار مردم در تمام مراحل انقلاب اسلامی و تحمل زندان‌ها، تبعیدها و... تلاش برای اثبات مرجعیت امام خمینی، راهبری کلان مبارزات مردم‌تاپیروزی نهضت، طبق منویات امام خمینی^(۸) در طول دوران تبعید ایشان، ارائه نظریه حکومت اسلامی و خلع سلطنت، از مهم‌ترین حرکت‌های سیاسی این نهاد در قالب تشکیلاتی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز،

علمیه بوده‌اند - نعوذ باللّه - به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همان‌ها نبودند که در کوران مبارزه، حکم به غیر قانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همان‌ها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟^(۱) آیا مدرسین عزیز از جبهه ورزندگان پشتیبانی ننمودند؟ اگر خدای ناکرده این‌ها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی‌نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی‌کنند؟ و یا آن‌ها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمر شکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟

حضور اعضای آن در شورای نگهبان و شورای عالی قضائی، دیوان عالی کشور، ریاست مجلس خبرگان، تأثیرگذاری در تعیین مراجع تقلید و... نیز از فعالیت‌های جامعه مدرسین بوده است. اما این نهاد به دلیل حضور در متن حوادث انقلاب در دهه شصت، علاوه بر این که در وقایع مهمی در این برهه نقش آفرینی داشت، دستخوش تلاطم‌های پرفراز و نشیب این دهه به ویژه در بروز و ظهور اختلافات سیاسی نیروهای داخل نظام گردید که شاید مهم‌ترین و محوری‌ترین این تلاطمات ناشی از تبلیغات سازمان یافته‌ای بود که جامعه مدرسین، این پشتوانه اصلی تئوری پردازی حکومت اسلامی را، مصداق اسلام آمریکایی، راست‌گرایی، حامی نظام سرمایه‌داری و فاقد دغدغه دفاع از محور و مان معرفی می‌کرد؛ منشاء این القانات عمدتاً از فضای تبلیغاتی حاکم بر دولت میرحسین موسوی - بارویکرد اقتصادی دولت سالار - بود. توصیه می‌شود برای مطالعه بیشتر در خصوص این موضوع مهم، به این دو اثر مراجعه فرمایید: کتاب «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تا کنون»، نوشته سید محسن صالحی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلد دوم (فعالیت‌ها)؛ کتاب «رازهای دهه شصت»، نوشته مرتضی صفارهرندی، انتشارات مؤسسه کیهان، ص ۲۵۴ - ۲۶۹.

۱. اشاره به حکم سلب مرجعیت شریعتمداری توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، در اردیبهشت ۱۳۶۱ به دلیل مشارکت وی در کودتاهای براندازانه.

لزوم تأمل در عواقب و پیامدهای اختلاف و چنددستگی

۵۶) راستی شکست هر جناحی از علما و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریان‌ی را تضمین می‌کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه‌بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه‌بندی نهایتاً معارضة پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود، واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال جناح‌ها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه رافرنندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق‌بزن گردد.

اختلاف به هر شکلی؛
کوبنده و آغازگر باز شدن
راه استفاده دشمنان

ضرورت اقدام صحیح و به‌هنگام روحانیت متعهد

۵۷) نتیجه می‌گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابر قدرت‌ها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند.

توصیه اکید به ارتباط و پیوند سازنده بین جامعه مدرسین

و طلاب انقلابی

۵۸) جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه‌رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرح‌ها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت طلب و نق‌زن، یدواحد باشند و خود

را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقا' مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین - علیهم السلام^(۱).

🌀 نابودی روحانیت انقلاب؛ علت اصلی تبلیغات دشمنان علیه روحانیت

۵۹) اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، ایادی شیطان در تنگناها و سختی ها به سراغ مردم می روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارسایی هاست؛ آن هم کدام روحانی، روحانی بی درد و بی مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابرهنه ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می شود

۱. امام راحل در نامه کوتاهی خطاب به مرحوم آیت الله مشکینی - رئیس وقت مجلس خبرگان رهبری و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - چنین مرقوم نمودند: «... شما از قول من به فرزندان انقلابی ام بفرمایید که تدروی عاقبت خوبی ندارد. اگر آنان جذب حضرات آقایان جامعه محترم مدرسین نشوند، در آینده گرفتار کسانی خواهند شد که مروج اسلام آمریکایی اند. من باز می گویم اگر طلاب انقلابی و مدرسین طرفدار انقلاب هماهنگ کار نکنند، هر دو شکننده اند. باید تمام تلاش را نمود که به این نقطه مهم رسید. آقایان به روشنی دیدند که دشمن از نقاط ضعف چه ضربه ای به اسلام و روحانیت زد. مؤمن از یک سوراخ دوبار نباید گزیده شود. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. ۲/۷ / ۶۸؛ روح الله الموسوی الخمینی. «صحیفه امام خمینی، ج ۲/۱، ص ۳۶۷) تأمل در این یادداشت کوتاه، به ویژه بررسی چرایی و حکمت این نکته که عدم جذب به جامعه مدرسین، به گرفتاری در دام مروجین اسلام آمریکایی منجر خواهد شد، بسیار با اهمیت است که می بایست در مجالی دیگر به آن اهتمام نمود.

و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من بایقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلو دار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر آمریکا و جهان خواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.

❁ بصیرت در مسیر انقلاب؛ هدف اصلی نگارش پیام

علم و آگاهی به نکته‌ها
برای انتخاب و حرکت
بصیرت‌مندانه در مسیر
و شناخت بهتر خطرها،
گذرها و کمینگاه‌ها؛ هدف
اصلی نگارش پیام منشور
روحانیت

۶۰) لازم به یادآوری است که ذکر شمه‌ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته، حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه هدف، علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر، با بصیرت حرکت کنند و خطرها و گذرها و کمینگاه‌ها را بهتر بشناسند.

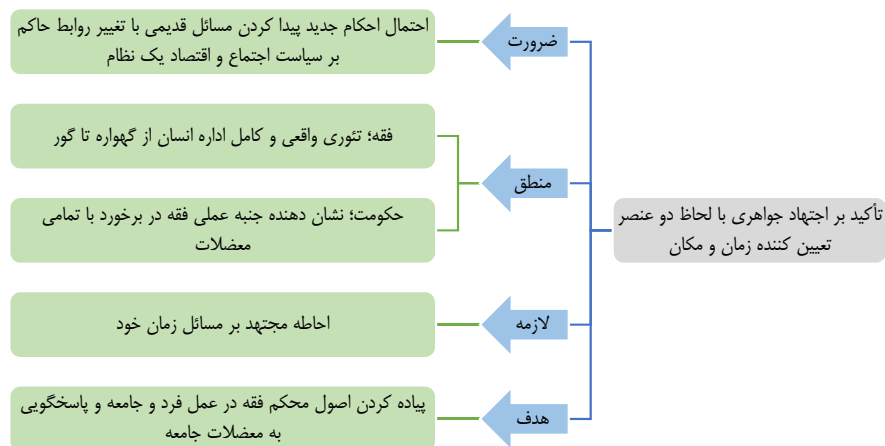
❁ توجه به سبک اجتهاد جواهری؛ فقهی سنتی و در عین حال پویا

۶۱) امادر مورد درس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری^(۱) هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم.

تأکید بر اجتهاد جواهری
با لحاظ دو عنصر تعیین
کننده زمان و مکان

۱. امام خامنه‌ای: «... تعبیر امام بزرگوارمان [این بود]: فقه جواهری؛ فقه جواهری یعنی چه؟ صاحب جواهر، [شیخ محمد حسن نجفی] مظهر یک فقیه مقید به مقررات فقاهت و قواعد اصولی و فقهی است؛ یک مآلی اصولی مقید دقیق منظم که از موازین رایج فقهی بین اصولیین هیچ تخطی ندارد و در بررسی هر مسئله، شهرت و اجماع و ظواهر ادله و اصول را - هر چه جزو ابزارهای معمولی کار فقاهت شمرده می‌شود - در اختیار می‌گیرد و آن‌ها را با همان دقت یک فقیه اصولی دقیق، به کار می‌گیرد. فقه جواهری یعنی همان فقه سنتی رایج با متد فقاهت... همان کیفیت رسیدگی یک مسئله در فقه است؛ روش رایج فقها است: استفاده از ظواهر؛ علاج مشکلات ظواهر و آمارات، بعد - هنگامی که دست انسان کوتاه شد از آمارات - مراجعه به اصول، پیدا کردن اصلی که اینجا مجرای آن است، علاج معارضات آن، علاج مشکلات آن؛ و بالاخره از آب در آوردن مسئله‌ی فقهی؛ فقه جواهری یعنی این... همین فقه جواهری، پویا است. این که بگویند ما یک فقه سنتی داریم، یک فقه پویا، این غلط است؛ همان فقه

اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند.



سنتی ما پویا است. «پویا» یعنی علاج کننده‌ی مشکلات؛ یعنی پاسخگویی به حوادث واقعه به صورت حقیقی کلمه؛ جواب می‌دهد، چون بر مبنای اجتهاد است، ما باب اجتهاد را که مسدود نمی‌دانیم. (۱۳۶۸/۴/۲۰)؛ فقاهت را به همان معنای پیچیده و ممتازی که امام^(ع) برای ما معنا می‌کردند و به خصوص در بیانات دو، سه سال اخیرشان بر آن تأکید داشتند، معنا می‌کنیم؛ یعنی ترکیبی از متد علمی و دقیق فقه‌ای و به تعبیر امام^(ع) «فقه جواهری». فقه صاحب جواهر، به معنای دقت و اتقان کامل در قواعد فقهی و استنتاج منظم فروع از همان قواعدی است که در فقه و اصول مشخص شده است. این فقاهت، دورکن دارد، که رکن اول آن، اصول معتدل و قوی و آگاه به همه‌ی جوانب استنباط است، و رکن دوم، تطور فقه می‌باشد و همان چیزی است که امام در معنای اجتهاد و مجتهد و فقیه می‌فرمودند و تأکید داشتند که مجتهد و فقیه باید با دید باز بتواند استفهام‌ها و سؤال‌های زمانه را بشناسد. سؤال، نصف جواب است. تا شما سؤال زمان را ندانید، ممکن نیست بتوانید در فقه برای آن جوابی پیدا کنید. بنابراین، فهم سؤال و ترتیب جواب مناسب برای آن، مهم است. (۱۳۶۸/۳/۲۲)

🌀 معنای تعیین‌کنندگی دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد

۶۲) مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد يك نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد.

🌀 بایسته‌های یک مجتهد واقعی

۶۳) مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان، درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم، زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی، خلوص و تقوا و زهد در خور شأن یک مجتهد جامع است. يك مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت يك جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد.

🌀 تحقق عملی فقه؛ غایت و ماهیت حکومت اسلامی

۶۴) حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.

مصداقی احاطه مجتهد بر

مسائل زمان خود:

- ۱) آشنایی با روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان.
- ۲) داشتن بصیرت.
- ۳) داشتن دید اقتصادی.
- ۴) اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان.
- ۵) شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان.
- ۶) درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم.
- ۷) زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی.
- ۸) خلوص و تقوا و زهد در خور شأن یک مجتهد.
- ۹) مدیر و مدبر بودن.
- ۱۰) توجه به حکومت به عنوان فلسفه عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت.

🌀 یافتن راه‌های پیاده‌سازی فقه در عمل فرد و جامعه؛ هدف اساسی انقلاب و نظام اسلامی

۶۵) هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه‌ی ترس استکبار از همین مسأله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آورد.

🌀 ریشه‌یابی تقابل سنگین استکبار با حکم ارتداد سلمان رشدی

۶۶) راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علمادر مورد يك مزدور بیگانه^(۱) این قدر جهان‌خواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشرک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبح‌خانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد عملی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان به‌هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را يك مکتب بالنده و متحرک و پر حماسه می‌داند و از این که فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم‌فرسایی کنند، مضطرب شده‌اند.

🌀 منشاء همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه انقلاب

۶۷) من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جواب‌گوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم.

🌀 ضرورت حرکت به سمت خودکفایی کامل

۶۸) ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که ان‌شاءالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی ۱. سلمان رشدی، نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی.

ویژگی‌های اسلام امروز
مسلمانان (اسلام ناب):
۱) ایجادکننده قدرت
برخورد عملی مسلمانان
در شناخت و مبارزه با
توطئه‌های شوم استکبار.
۲) مکتبی بالنده.
۳) مکتبی متحرک.
۴) مکتبی پر حماسه.
۵) محدودکننده فضای
شرارت استکبار و
مزدبگیرانش.
۶) اضطراب‌آفرین
و هراس‌افکن برای
استکبار.

چرایی توطئه‌های
جهان‌خواران علیه
انقلاب:
۱) باور به توان مدیریت
اجتماعی اسلام.
۲) استقلال و روی پای
خود ایستادن.

قطع شود. استکبار غرب شاید تصور کرده است از این که اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد مادر جامی زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می‌نماییم.^(۱)

❁ افشاء چهره مزورانه به ظاهر متمدنین و متفکرین غربی و غرب زده، در فتوای ارتداد سلمان رشدی

۶۹) خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین، وقتی يك نویسنده مزدور بانیش قلم زهر آگین خود احساسات بیش از يك میلیارد انسان و مسلمان را جریحه‌دار می‌کند عده‌ای در رابطه با آن شهید می‌شوند برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است، اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رأفت و انسان دوستی سر می‌دهند. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از يك فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و آمریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود رارو به روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند.

❁ تأسف از عملکرد دولت‌های کشورهای اسلامی

۷۰) البته باید بینیم که بعض دولت‌ها و حکومت‌های اسلامی چگونه با این فاجعه بزرگ برخورد می‌کنند. این که دیگر مسئله عرب و عجم و فارس و ایران نیست بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تا کنون و از امروز تا همیشه تاریخ است و نتیجه نفوذ بیگانگان

اهانت به مقدسات
مسلمانان؛ نتیجه نفوذ
بیگانگان در فرهنگ
مکتب اسلام

۱. «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ وَفَّضَ إِلَيْهِمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۱۷۳-۱۷۵).

در فرهنگ مکتب اسلام است که اگر غفلت کنیم این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم به‌دستان اجیر شده در آستین، فراوان دارد.

🌀 رویکرد عزتمندانه در مشی دیپلماتیک و سیاست خارجی انقلاب

۷۱) ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه‌مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم.^(۱)

🌀 ساده‌لویی لیبرال‌ها در مواجهه با استکبار و صهیونیسم جهانی

۷۲) آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ، سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً ازوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند.

🌀 نگاه فرصت‌محور به موضوع سلمان رشدی

۷۳) این يك نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت، چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام بر ملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به در آییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درك کنیم که مسأله

۱. این مبنای امام‌راحل در دیپلماسی انقلاب، بعدها توسط رهبر معظم انقلاب این‌گونه تئوریزه شده: «عزت»، «حکمت» و «مصلحت»؛ سه اصل سیاست خارجی انقلابی است.

اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الا مسئله فردی «سلمان رُشدی» آن قدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیست‌ها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند.^(۱)

🌸 بیدار باش در مقابل تحلیل‌های نادرست

۷۴) روحانیون و مردم عزیز حزب الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیل‌ها و افکار نادرست خون عزیزان‌شان پایمال نشود.

۱. بُعد مهمی در روش تحلیل سیاسی وقایع و رویدادها از منظر امام‌راحل و رهبر معظم انقلاب، نگاه توحیدی به رخدادهای عالم است که یکی از مؤلفه‌های این نگاه توحیدی، باور به معرفت قرآنی «نظام احسن» می‌باشد. مبنای قرآنی «نظام احسن» (زیباترین بودن نظام آفرینش)، به این معناست که هر چه را خداوند متعال آفریده است، به گونه‌ای زیبا و متقن خلق کرده است که از آن زیباتر ممکن نبوده و نیست، وگرنه حتماً علم الهی به آن تعلق می‌گرفت، و از قدرت الهی خارج نبود و گستره‌ی لطف و بخشش الهی از آن فروگذاری نمی‌نمود: «الذی أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده/۷)؛ «الذی أَنْقَضَ كُلَّ شَيْءٍ» (نمل/۸۸). از این جهت، در عالم، شرّ مطلق و چیزی که بد صد در صد باشد، نه تنها وجود ندارد، بلکه امکان وجودی ندارد. بنابراین تمام امور نامطلوب و منحوس، شرّی نسبی‌اند و حتماً خیر در آن نهفته است و الا امکان هستی یابی نمی‌داشت. به همین جهت امام عسکری (علیه‌السلام) می‌فرماید: «تمام گرفتاری‌ها و بلاها را، نعمتی از خداوند بر بر گرفته است» «مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا» (تحف العقول/ص ۴۸۹).

از نتایج و ثمرات این نوع نگاه توحیدی به رخدادها، تلقی فرصت‌محورانه از رویدادها و وقایع و باور به قاعده‌ای است که در اصطلاح طلبگی، از آن به قاعده «وعسی فعسی» یاد می‌شود و ناظر به این دوآیه کریمه است: «... وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۱۶)؛ «... فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء/۱۹).

🌀 حاکمیت تفکر و اگرایانه در کشور؛ آخرین نگرانی امام

در پیام منشور

۷۵) ترس من این است که تحلیل گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم!

🌀 خلاصه بایسته های روحانیت متعهد انقلابی

۷۶) خلاصه کلام این که ما باید بدون توجه به غرب حيله گرو شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، در صدد تحقق فقه عملی اسلام بر آییم و الا مادامی که فقه در کتاب ها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهان خواران نیست و روحانیت، تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی تواند درك کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست.

۴) در دست داشتن نبض تفکر و نیاز آینده جامعه.

۵) مهیای عکس العمل مناسب، چند قدم جلوتر از حوادث.

۶) نگاه صحیح و الهی به کارهای اجرایی نظام جمهوری اسلامی.

۷۷) نکته آخری که توجه به آن لازم است این که روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود يك امر مقدس و يك ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که

🌀 لزوم نگاه صحیح و الهی به کارهای اجرایی نظام

جمهوری اسلامی

۷۷) نکته آخری که توجه به آن لازم است این که روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود يك امر مقدس و يك ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که

امام خمینی (ع):
حفظ جمهوری اسلامی
از حفظ یک نفر - ولو امام
عصر باشد - اهمیتش
بیشتر است. «صحیفه
امام/ج ۱۵/ص ۳۶۵»

در حوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا، راحتی حوزه‌رارها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث، مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست.

❁ فرصت تاریخی حوزه و روحانیت

۷۸) ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت.

❁ سخن آخر

۷۹) امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمت‌گزار حقیر خود، دلگیر نشده باشید و در مظان استجابات دعا با انفاس قدسیه و بادل‌های منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمایید. من هم از یاد و دعای خیر برای روحانیت اصیل و حوزه‌های علمیه غفلت نمی‌کنم. خداوند!...

۸۰) خداوند! توان علما و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون نما. خداوند! حوزه‌های علمیه، این سنگرهای پاسداری از فقاہت و اسلام ناب را تا ابد پابرجا بدار. خداوند! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بی‌کران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوند! به جانبازان نشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهدا نشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسراشان را هر چه زودتر به اوطان‌شان برگردان. خداوند! ارزش خدمت و خدمت‌گزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «إِنَّكَ وَلِيُّ النِّعَمِ». و السلام علیکم ورحمة اللہ و برکاته.

۳ اسفند ۶۷ - روح‌الله الموسوی‌الخمينی

جمع‌بندی پیام منشور روحانیت

الف) آسیب‌ها و چالش‌های حوزه و روحانیت

به طور کلی و با نگاه جامع به پیام منشور روحانیت، امام‌راحل^(ع) مجموعاً موارد ذیل را به عنوان آسیب‌ها و چالش‌های حوزه و روحانیت بیان فرمودند:

۱. غرق شدن حوزه‌های علمیه در احکام فردی و عبادی و غفلت از احکام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسلام.
۲. پذیرفتن تز عدم دخالت روحانیان در سیاست.
۳. تلقی منفی درباره زیرکی، کاردانی و سیاسی بودن عالمان و روحانیون.
۴. تقدس‌نمایی و فضیلت‌شمردن ظواهر و مظاهر گوشه‌نشینی و انزوای اجتماعی.
۵. فاصله گرفتن از دانش‌ها و علوم غیر رایج در حوزه‌ها مثل فلسفه، عرفان و... .
۶. سرایت تفکر اهل جمود به طلاب جوان حوزه‌ها.
۷. اختلاف میان روحانیون در قالب جناح‌بندی‌های سیاسی.
۸. نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌ها.
۹. فراموش کردن و غفلت از اهداف کلی و بلندمدت و محصور شدن در امکانات موجود.
۱۰. توجه به نتیجه و عدول از تکلیف.
۱۱. عدم باور به مسئولان و مردم، و نیز تلقی جدا شدن مردم از روحانیون متعهد و اصیل و یا ناتوانی مسئولان انقلابی و متعهد.
۱۲. فراموش کردن خیانت‌ها و انحرافات فکری کسانی که به ظاهر عقلای قوم تلقی می‌شوند.
۱۳. ساده‌اندیشی درباره جریان‌ها و افراد منحرف و زمینه‌سازی برای نفوذ آن‌ها.
۱۴. اعتماد به گروه‌های سیاسی و لیبرال‌ها.

۱۵. تأثیرپذیری از القائات روحانی نماها و مقدس مآب‌ها که با بزرگ‌نمایی برخی اشکالات یا تکرار برخی شایعات اصل نظام را زیر سوال می‌برند.
۱۶. ترحم بی جا و بی مورد به دشمنان اسلام و مخالفان و متخلفان نظام.
۱۷. تخلف از فقه سنتی و اجتهاد جواهری.
۱۸. بی توجهی به پرسش‌ها و عدم پاسخ به معضلات جامعه.
۱۹. بی توجهی به علل خارجی مشکلات و دشواری‌ها و برگرداندن همه اشکالات به جبهه خودی.
۲۰. مطلق انگاشتن اصول و قوانین دیپلماسی و عدول از آرمان‌ها به خاطر آن.
۲۱. غفلت از نیازها و تحولات آینده.
۲۲. کناره‌گیری از مسئولیت‌های اجتماعی و نپذیرفتن کارهای قضایی و اجرایی و شانه خالی کردن از خدمت به نظام و مردم.

ب) بایسته‌های منشور روحانیت

۱. افتخار به عظمت جایگاه حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت و استمرار راه آن‌ها.
۲. شناخت جایگاه و نقش روحانیت در بُعد علمی و استمرار آن.^(۱)
۳. التزام به منابع غنی حوزه‌ها و شیوه‌های ابتکاری بحث و اجتهاد علمای سلف، به عنوان مناسب‌ترین شیوه برای بررسی عمیق همه جانبه علوم اسلامی.

۱. جایگاه و نقش علمی روحانیت متعهد:

مهم‌ترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کج‌روی‌ها. تلاش برای ترویج معارف الهی بدون دخل و تصرف. جمع‌آوری، نگهداری، ثبت، تبویب و تنقیح علوم اسلام در سخت‌ترین شرایط.

۴. آشنایی به جایگاه و نقش روحانیت در بُعد اجتماعی و استمرار آن.^(۱)
۵. شناخت و التزام عملی بر اصول اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم.
۶. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف.
۷. تبعیت از روح پرفتوت علمای سلف و تخلق به زهد، تقوا، ریاضت، عدم تعلق به تجملات دنیا، نرفتن زیر بار منت و ذلت، قناعت و بزرگواری.
۸. درک و التزام به رمز ترویج روحانیت و فقاقت بدون زور، زرو تزیور؛ یعنی هنر، صداقت و تعهد.
۹. شناخت و التزام به عوامل زندگی، پایداری و محبوبیت روحانیت متعهد.^(۲)
۱۰. فهم چرایی دشمنی دیرینه استعمار با مجدد و عظمت و نفوذ جریان روحانیت متعهد.

۱. جایگاه و نقش اجتماعی روحانیت متعهد:
صدها سال تکیه گاه محرمان.
تحمل مرارت ها و تلخی ها برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی.
پیشگامان شهادت در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی.
زیر بار سرمایه داران و پول پرستان و خوانین نرفتن.
مبارزه همیشگی با سرمایه داران زالوصفت.
زندگی به شیوه زاهدانه و عدم تعلق به تجملات دنیا.
مورد کینه و هجمه شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان.
۲. خصوصیات بزرگی که روحانیت متعهد را «زنده»، «پایدار» و «محبوب» ساخته است:
قناعت.
شجاعت.
صبر.
زهد.
طلب علم.
عدم وابستگی به قدرت ها.
مهم تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده ها.

۱۱. شناخت حيله و مکر و فریب جهان خواران؛ به‌عنوان شرط حفظ جریان روحانیت متعهد از شرّ جهان خواران توسط خداوند متعال.
۱۲. شناخت و رصد جریان روحانیون وابسته و مقدسین روحانی‌نمای فعال علیه انقلاب و اسلام ناب.
۱۳. شناخت دوره اصلی ضربه زدن استکبار؛ (۱) ارباب و زور، (۲) خدعه و نفوذ.
۱۴. شناخت آسیب‌های القای شعار جدایی دین از سیاست؛ به‌عنوان اولین و مهم‌ترین حرکت نفوذی استکبار.^(۱)
۱۵. توجه به وجود بقایای تفکر سکولاریسم متحجر و متجدد در حوزه‌های علمیه.
۱۶. مراقبت از سرایت لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان.
۱۷. حفظ اتحاد و یکپارچگی روحانیت به‌عنوان راهکار قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌های علمیه.
۱۸. رعایت الزامات نقد صحیح مسائل جامعه.
۱۹. توجه به برکات دفاع مقدس.

-
۱. آسیب‌های القای شعار جدایی دین از سیاست:
کارگر شدن این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای.
زخم تهمت و ابستگی و افترای بی‌دینی به روحانیون مجاهد.
بروز و ظهور اختلاف و جدال و مغالطه در میان جامعه متدینین.
خون‌دل خوردن رهبر نهضت.
انحصار معنای فقاقت به غرق شدن در احکام فردی و عبادی.
مجاز نبودن فقیه برای دخالت در سیاست و حکومت.
تبدیل حماقت روحانی در معاشرت با مردم، به فضیلت.
قرار گرفتن عالمان سیاسی و روحانیون کاردان و وزیرک در معرض سوء ظن.
کفر بودن یادگرفتن زبان خارجی.
گناه و شرک بودن یادگیری فلسفه و عرفان.
تبدیل وضع روحانیت و حوزه‌ها به وضع کلیساهای قرون وسطی در صورت ادامه یافتن همین روند.

۲۰. فهم معنای صحیح تکلیف‌مداری انقلابی.
۲۱. عبرت از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی‌نماها.
۲۲. حساسیت نسبت به اشتباه بزرگ سپردن پُست‌های کلیدی به لیبرال‌ها.
۲۳. اعلام مواضع شفاف، قاطع و انقلابی.
۲۴. پرهیز از اختلاف و تجزیه روحانیت.
۲۵. اقدام صحیح و به‌هنگام روحانیت متعهد.
۲۶. ارتباط و پیوند سازنده بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی.
۲۷. علم و آگاهی به نکته‌ها برای انتخاب و حرکت بصیرت‌مندانه در مسیر و شناخت بهتر خطرها، گذرها و کمینگاه‌ها.
۲۸. توجه به سبک اجتهاد جواهری؛ فقهی سنتی و در عین حال پویا.
۲۹. احاطه مجتهد بر مسائل زمان خود.^(۱)
۳۰. یافتن راه‌های پیاده‌سازی فقه در عمل فرد و جامعه.
۳۱. تحلیل منشاء همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه انقلاب.
۳۲. حرکت به سمت خودکفایی کامل.
۳۳. هوشیاری در مقابل تحلیل‌های نادرست.
۳۴. حساسیت نسبت حاکمیت تفکر و اگر ایانه در کشور به‌عنوان آخرین

۱. مصادیق احاطه مجتهد بر مسائل زمان خود:
آشنایی با روش برخورد با حيله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان.
داشتن بصیرت.
داشتن دید اقتصادی.
اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان.
شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان.
درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیزم.
زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی.
خلوص و تقوا و زهد در خور شأن یک مجتهد.
مدیر و مدبر بودن.
توجه به حکومت به‌عنوان فلسفه عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت.

- نگرانی امام در پیام منشور.
۳۵. پیگیری استراتژی تحقق فقه عملی اسلام.
۳۶. حضور فعال در همه مسائل و مشکلات.
۳۷. درك این که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست.
۳۸. در دست داشتن نبض تفکر و نیاز آینده جامعه.
۳۹. مہیای عکس العمل مناسب، چند قدم جلوتر از حوادث.
۴۰. نگاه صحیح و الهی به کارهای اجرایی نظام جمهوری اسلامی.

خلاصه درس پنجم

- (۱) تجزیه روحانیت انقلابی و ایجاد اختلاف میان روحانیون از جمله اموری است که دشمنان از دیرباز برای آن آماده شده و برنامه ریزی کرده‌اند.
- (۲) اختلاف و چنددستگی میان روحانیون، عواقب و پیامدهای ناگواری را در پی خواهد داشت و آغاز باز شدن راه سوء استفاده دشمنان خواهد بود.
- (۳) جامعه مدرسین و طلاب انقلابی باید با یکدیگر ارتباط دوسویه و پیوند سازنده داشته باشند و در مقابل مخالفین، یدواحد باشند.
- (۴) تبلیغات دشمنان علیه روحانیت، به منظور نابود کردن روحانیت انقلاب است، شکی نیست که اگر غیر روحانیون جلو دار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند، امروز جز ننگ و ذلت و خواری در برابر جهان خواران و عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی، چیزی بر ایمان نمی‌ماند.
- (۵) امام^(ع) قائل به فقه سنتی و اجتهاد جواهری بوده و تخلف از آن را جایز نمی‌دانند، اما در عین حال فقه اسلام را پویا دانسته و زمان و مکان را دو عنصر تعیین کننده در اجتهاد می‌دانند.
- (۶) زمان شناسی، آگاهی از روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و سیاسیون و... از جمله بایسته‌های یک مجتهد واقعی است.
- (۷) فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است و غایت و ماهیت حکومت اسلامی نیز، تحقق عملی فقه است.
- (۸) علت برافروختگی جهان خواران و مستکبران در پی اعلام حکم ارتداد سلیمان رشدی، هراس از قدرت برخورد عملی مسلمانان با

توطئه‌های شوم آنان است.

۹) منشأ همه توطئه‌های جهان‌خواران علیه انقلاب اسلامی، واداشتن ما به اعتراف به ناکارآمدی اسلام است.

۱۰) روحانیت متعهد انقلابی باید بدون توجه به غرب حیل‌گرو شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان، در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآید و خود را برای مواجهه با مسائل جدید اسلامی، آماده و مجهز کند.

۱۱) کارهای اجرایی نظام جمهوری اسلامی از قبیل منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین و... یک امر مقدس و یک ارزش الهی است و نباید طلاب توانمندی که قادر به انجام چنین اموری هستند، به بهانه درس و بحث، از پذیرش این مسئولیت‌ها شانه خالی کنند.

پرسش‌های درس پنجم

۱. عواقب و پیامدهای اختلاف و چنددستگی در بین روحانیت را تشریح کنید.
۲. علت اصلی تبلیغات دشمنان علیه روحانیت چیست؟
۳. ویژگی‌های سبک اجتهاد جواهری را بیان کنید.
۴. منظور از تعیین‌کنندگی دو عنصر زمان و مکان در اجتهاد را تشریح کنید.
۵. چرایی توطئه‌های جهان‌خواران علیه انقلاب را تحلیل نمایید.
۶. منظور از رویکرد عزتمندانه در مشی دیپلماتیک و سیاست خارجی انقلاب چیست؟
۷. آخرین نگرانی امام در پیام منشور چیست؟
۸. حرکت به سمت خودکفایی کامل در نگاه امام را حل چه لزومی دارد؟

درس ششم؛

درس‌های منشور روحانیت
برای امروز

اهداف درس

بعد از مطالعه این درس از مطالعه‌گر انتظار می‌رود:

- ✧ با اصول اسلام ناب محمدی (ص) آشنا شده باشد و تفاوت آن با اسلام آمریکایی را بداند.
- ✧ خطر نفوذ دشمن را درک کرده و اهداف دشمن از نفوذ را بداند.
- ✧ اقسام نفوذ، روش‌های نفوذ و عوامل نفوذ را فراگرفته باشد.
- ✧ از راه‌های مقابله با نفوذ دشمن آگاهی یافته باشد.
- ✧ با کودتای نوژه و نقش آقای شریعتمداری در آن آشنا شده باشد.
- ✧ جریان انجمن حجثیه را شناخته و خطر این جریان برای تداوم انقلاب را درک کرده باشد.
- ✧ جریان ولایتی‌ها (اسلام برائتی) را شناخته و با اصلی‌ترین رهبران معاصر این جریان آشنا شده باشد.
- ✧ تاریخچه نهضت آزادی و ساختار فکری آن را فراگرفته و بتواند دلایل غیرقانونی اعلام کردن فعالیت این جریان از سوی امام را حل را برشمرد.

فصل (۱): اصول اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) همان قرائت از اسلام است که امام خمینی (ره) مروج و مبلغ آن بود و ملت ایران به این قرائت از اسلام رأی داد و مبتنی بر این نوع قرائت از اسلام، امام را یاری نمود و انقلاب را به پیروزی رساند. حضرت آیت الله خامنه‌ای در پیام حج سال ۱۳۹۳ فرمودند: «موضوع مهم و دارای اولویت، نگاه هوشمندانه‌ای است که فعالان دلسوز جهان اسلام باید به تفاوت میان اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی داشته باشند و از خلط و اشتباه میان این دو، خود و دیگران را بر حذر بدارند. نخستین بار امام راحل بزرگ ما، به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد.» (۱۳۹۳/۷/۸) اصول اسلام ناب، تفاوت‌های آن با اسلام آمریکایی - و از باب «تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَصْدَادِهَا» - بر اساس بیانات معظم‌له، عبارت است از:

اسلام ناب محمدی <small>(ص)</small>	اسلام آمریکایی
- اسلام کتاب و سنت	- اسلام خرافه و بدعت
- اسلام اهل بیت	- اسلام ابوجهل و ابولهب و ابوسفیان
- اسلام توحید	- اسلام چشم پوشیدن از اصول خود
- اسلام تعقل	- اسلام مطابق با اصول آمریکایی و غربی
- اسلام علم و معرفت	- اسلام جهالت
- اسلام فقه‌های	- اسلام تبحر و غفلت
- اسلام تعبد	- اسلام مراسم و مناسک میان‌تهی
- اسلام اصول‌گرای معتدل و عقلانی	- اسلام مطلوب‌واشنگتن، لندن‌پاریس
- اسلام دنیا و آخرت	- اسلام لائیک و غرب‌گرا
- اسلام دیانت	- اسلام تکفیری و خشن
- اسلام اخلاق و فضیلت و پرهیزکاری	- اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت
- اسلام صفا و معنویت	- اسلام بی‌بند و باری
- اسلام اخلاق و فضیلت و پرهیزکاری	- اسلام آلوده شدن به انواع فساد اخلاقی
- اسلام صفا و معنویت	- اسلام معنویت‌های کاذب و عرفان‌های نوظهور

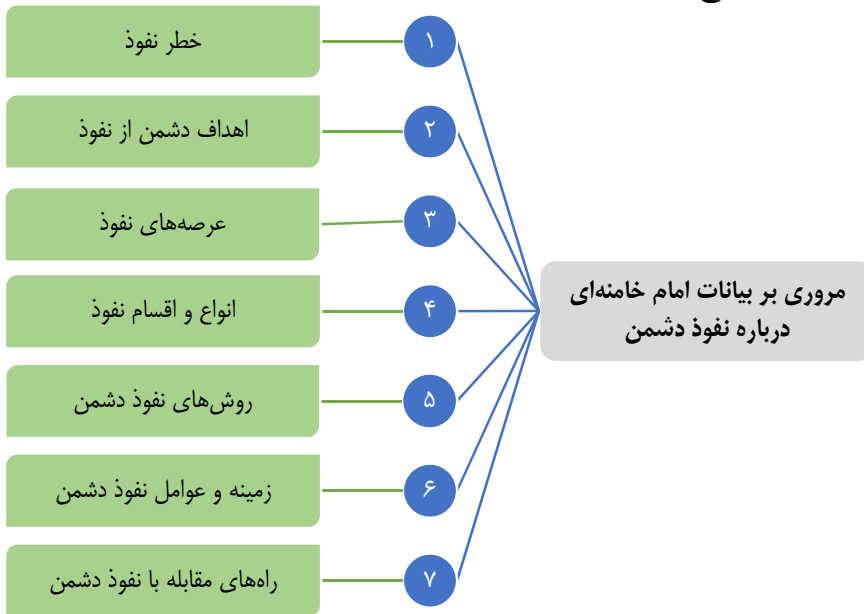
اسلام ناب محمدی (ص)	اسلام آمریکایی
اسلام توکل و حسن ظن به وعده‌ی الهی	اسلام اعتماد به دشمنان خدا به جای اعتماد به وعده‌ی الهی
اسلام سیاست	اسلام بی تفاوتی و منهای سیاست
اسلام درک و عمل سیاسی	اسلام انسان‌های بی درد و به فکر رفاه حیوانی خود
جز با تشکیل حکومت اسلامی محقق نمی‌شود	اسلام بی حالی و افسردگی
اسلام استقلال، عزت و هویت	اسلام وابسته به دستگاه‌های استعماری و استکباری
اسلام مردم‌سالاری	اسلام به دام افتادن در لیبرال دموکراسی غربی
اسلام عدالت‌طلبی	اسلام بی تفاوتی در مقابل ظلم و زیاده‌خواهی
اسلام ملاحظه‌ی عدالت و معنویت با هم	اسلام سرمایه‌داری
	اسلام سوسیالیستی
اسلام اعتقاد به آزادی	اسلام استبداد و دیکتاتوری
اسلام هراسان‌کننده مستکبرین عالم	اسلام کنار آمدن با فساد حاکمان ظالم
اسلام جهاد و شهادت	اسلام قعود و اسارت و ذلت
اسلام انقلابی	بهانه‌ی بی برای انزوای اهل دین و نپرداختن به امور مسلمین
اسلام قیام و عمل	اسلام امتداد نداشتن در عمل و در توده‌های مردم
اسلام ناتوانی همه قدرت‌ها در شکست دادن او	اسلام متزلزل و مرعوب شدن در مقابل قدرت کفر
اسلام مرعوب نشدن در مقابل هیچ قدرتی	اسلام پوشیدن لباس نوکری اجانب
اسلام به ار مغان آوردن همه نعمت‌ها برای ملت‌ها	اسلام برده‌ی دلار آمریکایی
اسلام زندگی و زندگی‌ساز	اسلام مصرف‌زده و اسیر سرمایه‌داری غرب
اسلام اعتقاد به تکفل دین نسبت به امور زندگی	وسيله‌ی برای منحصر کردن دین به مسجد
اسلام فرد و جامعه	اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت

اسلام ناب محمدی (ص)	اسلام آمریکایی
- اسلام فعال در عرصه بین الملل	- نگاه فردی به اسلام
- اسلام وحدت اسلامی	- اسلام تفرقه افکنی میان مسلمین
- اسلام تکیه‌ی بر اشتراکات شیعه و سنی	- اسلام آشتی با آمریکا و رژیم صهیونیستی
- اسلام نجات بخش محرومین	- اسلام جنگ‌های قبیله‌ای با مسلمانان
- اسلام مدافع مظلوم و ناسازگار با ظالم	- اسلام بازیچه‌ی دست قدرت‌ها
- اسلام پرهیز از جریحه‌دار کردن احساسات دیگر مسلمانان	- اسلام اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار

نک: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (Khamenei.ir)؛ مقاله «تفاوت‌های اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی».

فصل (۲): خطر نفوذ دشمن

موضوع خطر نفوذ دشمن، از موضوعاتی است که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب همواره بر آن‌ها تأکید کرده و مردم و مسئولان نظام را نسبت به آن‌ها توجه داده‌اند؛ اما از سال ۹۴ امام خامنه‌ای توجه ویژه‌ای به موضوع «نفوذ دشمن» داشته و کلیدواژه‌ی «نفوذ» از پرتکرارترین کلیدواژه‌های مورد استفاده ایشان گردید. به طور کلی بیانات ایشان در موضوع نفوذ دارای محورهای اصلی ذیل است:



(۱) خطر نفوذ

امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور (۱۳۹۴/۶/۲۵)؛ نقشه دشمن در این منطقه عمدتاً بر دو پایه استوار است... یکی عبارت است از ایجاد اختلاف، دومی عبارت است از نفوذ (۱۳۹۴/۵/۲۶).

(۲) اهداف دشمن از نفوذ

۱. تسلط بر کشور
۲. ایجاد استعمار فرانو
۳. توسعه منافع خود

۴. ایجاد خلل در باورهای دینی و انقلابی
۵. دلسردی و تردید مردم نسبت به آرمان‌های اسلامی
۶. خسته کردن مردم از نظام
۷. فسادانگیزی در نسل جوان
۸. ایجاد فقر و تبعیض و فساد
۹. جلوگیری از پیشرفت کشور
۱۰. ایجاد شکاف در بین مسئولان
۱۱. تغییر محاسبه مسئولین

(۳) عرصه‌های نفوذ



(۴) انواع و اقسام نفوذ

انواع و اقسام نفوذ	
تعریف	یک نفر را با چهره آرایش شده، بزرگ شده، با ماسک بفرستند در مجموعه شما، شما خیال کنید دوست است در حالی که او دوست نیست تا او بتواند کار خودش را انجام دهد.
انواع	جاسوسی: کم اهمیت ترین نوع نفوذ فردی تصمیم سازی: عوض کردن تصمیم مدیران و مسئولان به نفع دشمن
تعریف	نفوذ جریانی یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ به وسیله پول و جاذبه های جنسی.
هدف	شخص مورد نفوذ همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می کند... یعنی کاری کنند که شما همان چیزی را بخواهی در نتیجه، که او می خواهد. بنابراین خیال او آسوده است بدون این که لازم باشد مأمور عالی رتبه سیا خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می کنی.
پیامد	اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که در سر نوشت، سیاست و آینده کشور تأثیری دارند، آرمان ها، ارزش ها، خواست ها و باورها تغییر پیدا خواهند کرد.
آماج	نخبگان، افراد مؤثر، تصمیم گیران یا تصمیم سازان.
مکمل	تخطئه کسانی که پای می فشارند بر اصالت ها، بر نگاه درست، بر ارزشه ا مکمل نفوذ است. کسانی که در بخشه ای مختلف، با زبان های مختلف بسیج را متهم می کنند به تندروی، به افراطی گری و... این ها دارند نفوذ را تکمیل می کنند.
تبیین شده توسط رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان گردان های بسیج (۱۳۹۴/۰۹/۰۴)	

(۵) عمده ترین روش های نفوذ دشمن

توصیف	روش
بعضی ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات که از ابلیس بدتر است بزرگ کنند و به شکل او فرشته و انموند کنند... کدام عقلی و کدام وجدانی اجازه می دهد که انسان قدرتی مثل قدرت آمریکار به عنوان دوست مورد اعتماد، به عنوان فرشته نجات انتخاب بکند؟ (۱۳۹۴/۰۵/۱۸)	بزرگ کردن چهره شیطان بزرگ

توصیف	روش
این ها در صدد نفوذند، در صدد رخنه کردند؛ این رخنه از جاهای مختلفی ممکن است باشد؛ مواظب باشید. یک وقت آدم خبر می شود که فرض بفرماید فلان سازمان آمده یک بخشی از مجموعه ی فرهنگی ما را مثلاً فرض کنید مهد کودک ها را به یک شکل خاصی دارد هدایت می کند؛ این را آدم می فهمد، بعد که نزدیک می شود می بیند کار خطرناک و کار بزرگی است اما آدم توجه نداشته؛ این ها رخنه است. (۱۳۹۴/۰۵/۱۲)	هدایت مجموعه های فرهنگی
استکیار در صدد آن است که کلیشه های مورد نظر خودش را به همه ی مردم دنیا تحمیل کند؛ هم به آحاد ملت ها، هم بالخصوص به مسئولان و مؤثران کشورها؛ یعنی دولت ها، نمایندگان مجالس، تصمیم گیران، تصمیم سازان، به قول خودشان اتاق های فکر، به همه ی این ها می خواهند آن کلیشه های خودشان را تحمیل کنند و آن را وارد فضای ذهنی آن ها بکنند. مایلند همه، جهان را از منظر آن ها ببینند... با این رویکرد سلطه طلبانه مفاهیمی را جعل می کنند یا دست کاری می کنند و معنا می کنند و مایلند همه، طبق معنای آن ها این مفاهیم را بفهمند و به کار بگیرند و در ادبیات شان از آن ها استفاده کنند. فرض بفرمایید "تروریسم" یک مفهومی است که استکیار آن را در یک معنای خاصی به کار می برد؛ یا "حقوق بشر" یا "دموکراسی". (۱۳۹۴/۶/۱۲)	تحمیل کلیشه های سلطه طلبانه
ایدئولوژی زدایی یکی از حرف های رایج است. این که از دیپلماسی و سیاست داخلی ایدئولوژی زدایی کنیم؛ معنایش این است که اصول و مبانی انقلاب و اسلام را در سیاست داخلی و خارجی دخالت ندهیم. (نک: ۱۳۹۴/۰۶/۲۵)	ایدئولوژی زدایی از سیاست و دیپلماسی
یکی از چیزهایی که انسان زیاد می شنود... این که شما بانفوذید، شما قدرتمندید، انقلاب را بگذارید کنار که بتوانیم با هم زندگی بکنیم، معنایش این است که انقلاب را بگذارید کنار تا از این قدرت بیفتید تا ما بتوانیم شما را ببلعیم. این را صریحاً به افرادی از جمهوری اسلامی می گویند و توجه نمی شود به معنا و مفهوم واقعی این حرف. تاکی می خواهید انقلابی باشید؟ تاکی می خواهید مرتب دم از انقلاب بزنید؟ بیایید جزو جامعه ی جهانی! (۱۳۹۴/۶/۲۵)	القای عبور از انقلاب، لازمه پیوستن به جامعه جهانی

(۶) زمینه و عوامل نفوذ دشمن

۱. غفلت، عدم هوشیاری و بیداری، بازی خوردن از دست مْغرض ها.
۲. حساسیت دشمن بر روی مسئله ای. «هر چیزی که دیدید دشمن روی آن حساسیت نشان می دهد، شما هم روی آن حساس بشوید و بفهمید که دشمن از این جا

- می خواهد رخنه کند.)) (۱۳۶۹/۹/۷)
۳. نبود استقلال. «استقلال، بیت الغزل انقلاب اسلامی بود؛ یعنی نفوذ بیگانه در این کشور ممنوع.» (۱۳۷۹/۷/۱۴)
۴. ضعف دولت ها.
۵. ضعیف النفس بودن افراد.
۶. رابطه با آمریکا.
۷. مذاکره با آمریکا.
۸. عدم هوشیاری در انتخابات. «مردم در باب انتخابات باید خیلی متوجه این باشند. اگر فرض کنیم عنصر نفوذی به شکلی وارد مجلس شورای اسلامی بشود یا وارد مجلس خبرگان بشود یا در ارکان دیگر نظام نفوذ بکند، مثل موریانه از داخل میجود و پایه ها را سست می کند و فرو می ریزد.» (۱۳۹۴/۱۰/۱۴)
۹. عدم وحدت اسلامی.
۱۰. ایجاد اختلاف ملی. «دشمن با این اختلاف ها می تواند در داخل یک جامعه و یک کشور نفوذ کند و سیاست های خود را دنبال کند.» (۱۳۸۱/۰۹/۱۰)؛ حفظ وحدت را اصل قرار بدهیم و اگر تکلیف شرعی ای هم احساس کردیم، ولی دیدیم عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد، قطعاً انجام آنچه که تصور می کردیم تکلیف شرعی است، حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود.» (۱۳۶۸/۴/۱۲)
۱۱. به دنبال هوس ها و خودخواهی ها بودن. «اگر دنبال هوی ها و هوس ها و خواسته ها و خودخواهی ها و خودبینی ها بودیم، صدها منفذ برای نفوذ دشمن به وجود خواهد آمد.» (۱۳۷۸/۰۳/۱۰)
۱۲. تطمیع، تهدید و فریب.
۱۳. شایعه پراکنی.

(۷) راه های مقابله با نفوذ دشمن

۱. هوشیاری و فراموش نکردن وجود دشمن و دشمنی.
۲. شناخت رخنه و نفوذ دشمن؛ «رخنه های اقتصادی، رخنه های فرهنگی و رخنه های

- امنیتی را بشناسید و این رخنه ها را ببندید. ((۱۳۹۳/۴/۱۶))
۳. بصیرت؛ «بنده بارها بر روی بصیرت تکیه می کنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می افتد؛ ببینند آن دستی را که دارد صحنه گردانی می کند، صحنه را شلوغ می کند تا در خلال شلوغی های مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست نشانده و دست آموزی بیاید کاری را که آن ها می خواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن می خواهد انجام بدهد. ((۱۳۸۸/۰۹/۰۴))
 ۴. شناخت لحظه؛ «شما باید بدانید که دشمن کجا قرار دارد، چه ضرر به ای را می خواهد وارد کند و از کجا می خواهد حمله ور شود؛ آن رخنه را باید بگیرد. ممکن است آن رخنه ای که دشمن امروز مترصد آن است، دیروز نبوده است، فردا هم نباشد. امروز مهم است. باید لحظه را درک و علاج کنیم. از لحظه نباید غفلت داشت. همان لحظه ای که در آن هستیم، مهم است. باید بدانیم امروز دشمن می خواهد چه بکند؟ ((۱۳۷۴/۶/۲۰))
 ۵. اسلام و روحانیت.
 ۶. وظیفه شناسی علما و روحانیون درباره مقابله با نفوذ.
 ۷. جلوگیری از تغییر باورها و مستحکم کردن پایه های انقلاب و فکر.
 ۸. تقویت ایمان، آگاهی و نگاه تیزبین به سرانگشتان دشمن.
 ۹. التزام به شریعت اسلامی.
 ۱۰. استفاده از ظرفیت حج.
 ۱۱. روحیه عزتمندی اسلامی.
 ۱۲. اهتمام بر استقلال ملی.
 ۱۳. وحدت اسلامی.
 ۱۴. حضور یکپارچه مردم.
 ۱۵. التزام به قانون.
 ۱۶. اتخاذ مواضع صریح انقلابی.
 ۱۷. مأیوس کردن دشمن از طریق قوی شدن.
 ۱۸. حفظ اقتدار همه جانبه.
 ۱۹. حفظ آمادگی.

۲۰. نمایش عزم راسخ در همه میدان‌ها.

۲۱. علم و تحقیق.

۲۲. بیداری جوانان.

۲۳. بسیج.

منبع: کتاب «نفوذ؛ بررسی پروژه نفوذ دشمن از دیدگاه مقام معظم رهبری» - نوشته مهدی رستمی.

فصل (۳): جریان‌شناسی نحله‌های سکولار گذشته و امروز

الف) شریعتمداری

غائله قم و تبریز طرفداران شریعتمداری

در سال ۱۳۵۸؛ با برگزاری موفقیت‌آمیز رفراندوم قانون اساسی، راه استقرار یک نظام انقلابی بر مبنای قوانین مصوب، بیش از پیش هموار شد. در چنین شرایطی، تجربه ماه‌های پیش از این، نشان می‌داد که بدخواهان به دنبال توطئه‌ای تازه خواهند رفت. این بار توطئه، در قم روی داد و جنجال آن، دامن تبریز را گرفت. حادثه این گونه بود که در واقعه‌ای مشکوک یکی از پاسداران منزل آیت‌الله شریعتمداری (عصر روز چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۳۵۸)، کشته می‌شود. امام خمینی^(ع) که حساسیت مسأله را می‌دانستند، بلافاصله به منزل ایشان می‌روند و این حادثه را محکوم و دستور پیگیری موضوع را می‌دهند. بعد از آن، در حالی که انتظار آن بود که مسأله به صورت آرام حل و فصل شود، ناگهان گروهی از عوامل حزب «خلق مسلمان»، به بهانه طرفداری از آیت‌الله شریعتمداری و علی‌رغم مخالفت بعضی از علمای منطقه، اعلام راهپیمایی و تظاهرات می‌کنند و با تحریک مردم به برخی از مراکز دولتی، از جمله رادیو و تلویزیون و فرودگاه تبریز حمله برده و آنجاها را اشغال می‌کنند. (پرتال امام خمینی (imam-khomeini.ir))

کودتای نوژه و شریعتمداری

شکست مفتضحانه آمریکا در واقعه طوفان طبس آنقدر سنگین بود که بخواهد از طریق عناصر داخلی اش دست به هر اقدام احمقانه‌ای علیه ایران بزند؛ حتی کودتا. این طور بود که کودتای «نقاب» در تیر ماه ۱۳۵۹ با همکاری آمریکا و دیگر دشمنان جمهوری اسلامی، عناصر خود فروخته در ارتش، نیروهای متواری ساواک و گروه‌های ضدانقلاب با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی طراحی شد. «نقاب»، در واقع اسم رمزی برگرفته از «نجات قیام ایران بزرگ» بود. این کودتا، به لحاظ تجهیزات نظامی که قرار بود توسط عوامل داخلی و خارجی در آن به کار گرفته شود، در تاریخ کودتاهای جهان بی سابقه بود. نکته دیگر این که این کودتا آنقدر دقیق طرح ریزی شده بود که سازمان سیا موفقیت آن را قطعی می‌دانست تا آنجا که اعلامیه پیروزی آن هم آماده شده بود. اما خدای متعال چیز دیگری اراده کرده بود و روز ۱۷ تیر ماه ۱۳۵۹ یکی از افسران خلبان که در این عملیات مأمور بمب باران بیت حضرت امام^(ع) بود، وقتی متوجه شد تعداد کشته‌ها در این کودتا تا ۵ میلیون نفر برآورد شده و مأموریت او هم بمباران بیت امام^(ع) است، دچار تردید شد. جدال درونی او با تلنگر مادرش به یک نتیجه خیر رسید. با هر زحمتی

بود، منزل آیت الله خامنه ای را پیدا کرد و در سحرگاه روز قبل از اجرای کودتا، این توطئه را برای ایشان افشا کرد. هدف اولیه کودتا، حمله هوایی به بیت امام خمینی^(ه) در تهران و به شهادت رساندن ایشان بود، حمله به برج مراقبت فرودگاه مهرآباد، دفتر نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران، ستاد مرکزی کمیته های انقلاب و بمباران چند نقطه دیگر از اهداف بعدی کودتا چیان به شمار می رفت. بنا بود پس از بمباران هوایی، هواپیماها با شکستن دیوار صوتی به نیروی زمینی علامت بدهند که مرحله دوم کودتا را آغاز کند. در این مرحله باید صداوسیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، پادگان حر، پادگان قصر و پادگان جمشیدیه به تسخیر نیروهای کودتا درآید و در سطح شهر تهران با اعمال خشونت و ارباب، حالت نظامی ایجاد شود. بازگشت بختیار آخرین حلقه اهداف این کودتای شکست خورده بود. کودتا خنثی و پنج نفر از سران کودتا که در دادگاه انقلاب محاکمه و به مرگ محکوم شدند و ۱۸ تیرهم از همان روز در تقویم انقلاب اسلامی، ماندگار شد.

این کودتا به دلیل این که مرکز هدایت اش در پایگاه سوم شکاری نیروی هوایی ارتش در همدان که بعد از انقلاب پایگاه شهید نوژه همدان نامیده شده بود، به کودتای نوژه موسوم شد. خلبان شهید «محمد نوژه» در جریان آزادسازی شهر پاوه در روز ۲۵ مرداد سال ۵۸ به شهادت رسیده بود. از این رو بهتر است به جای کودتای «نوژه»، بگوئیم کودتای «نقاب». نکته مهم در بازخوانی تاریخ این کودتا، نقش سید کاظم شریعتمداری در کودتای نوژه است. دو سال بعد نیز در اردیبهشت ۱۳۶۱، بقایای همین کودتا و یا کودتای جدیدی کشف شد که در پی براندازی جمهوری اسلامی بود. قطب زاده با همراهی شریعتمداری، رهبری این کودتا را بر عهده داشتند. این بار دخالت شریعتمداری در کودتا مستقیم بود. به همین دلیل جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، حکم بر سلب مرجعیت از وی دادند و تا پایان عمر، یعنی فروردین ۱۳۶۵ در حصر قرار گرفت. امروز شریعتمداری به عنوان یک عبرت و تجربه تلخ در مورد عواقب دنیا زدگی و جاه طلبی روحانیت مطرح است و امام راحل^(ه) در پیام منشور روحانیت به تلخی و برای ثبت همیشگی در حافظه تاریخی از او یاد کردند.

نک: روزنامه اطلاعات، مقاله «کودتای نوژه از شکل گیری تا شکست»؛ خبرگزاری خبرآنلاین، مقاله «کدام شهید می خواست علیه انقلاب کودتا کند؟ کودتای «نوژه» یا کودتای «نقاب»؛ پورتال مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مقاله «شواهد ۶ گانه از نقش شریعتمداری در کودتای نوژه» (irdc.ir)؛ پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مقاله «آیت الله؟! شریعتمداری» (hawzah.net).

ب) انجمن حجتیه

«انجمن خیریه حجتیه مهدویه» با عنوان مخفف «انجمن حجتیه» یا «انجمن ضدبهاثیت» یکی از جریان‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران است که با اعلام هدف مبارزه با بهاثیت و بارهبری شیخ محمود ذاکرزاده تولایی (حلبی) - از خطبا و علمای معروف مشهد - شکل گرفت.

پیدایش انجمن را باید با اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی دهه ۲۰ و ۳۰ سنجد و ارزیابی کرد. شیخ محمود حلبی، یکی از فعالان نهضت ملی نفت بود و تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد و شکست این نهضت، هر روز در رادیو مشهد سخنرانی داشت. از طرف دیگر، در آن مقطع، بهاثیت به شدت فعال بود و باورهای دینی جامعه را متزلزل می‌ساخت، تا آنجا که برخی از دوستان او به بهاثیت گرایش پیدا کردند. آقای حلبی در این شرایط و با حمایت برخی از مراجع تقلید و روحانیت سنتی، فعالیت ضدبهاثیت خود را در سال ۱۳۳۲ شمسی آغاز کرد.

حلبی، پیرو مکتب تفکیک افراطی (نه اعتدالی) بود. مکتب تفکیک افراطی با هرگونه مباحث فلسفی و عرفانی مخالفت می‌کرد و باروش معینی به فهم معرفت دینی می‌پرداخت. این روش، جریان حجتیه را به معرفت دینی معینی کشانید که با معرفت دینی بینانگذار جمهوری اسلامی ایران تفاوت داشت. امثال حلبی عمدتاً متمرکز بر فقه و کلام سنتی بوده و هستند اما امام راحل^(ع) علاوه بر فقه و کلام سنتی، با سایر رشته‌های علوم اسلامی و استفاده از همه ظرفیت‌های غنی معارف اسلام، به دنبال تغییر حکومت پهلوی و تحقق حکومت دینی بودند. ساختار فکری امثال حلبی، محدودتر از ساختار فکری انقلاب بود و بر این اساس، دغدغه فقه سیاسی رانداشت هر چند در ابتدای امر، نمی‌توان به صراحت ادعا کرد که وی به جدایی دین از سیاست معتقد بود؛ برای این که او در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، فعالیت سیاسی داشت و در آغاز انقلاب نیز پیام‌های تبریک به امام^(ع) ارسال می‌کرد و حتی از شهر مشهد کاندیدای مجلس خبرگان قانون اساسی شد که رأی نیاورد. اما ساختار فکری و هم‌چنین سرخوردگی وی از فعالیت‌های سیاسی در نهضت ملی نفت، سبب شد تا سیاست در مقام عمل - به عنوان یک تاکتیک - را از دین تفکیک نماید و به مرور، جدایی دین از سیاست، به استراتژی اصلی، راهبردی و مبنایی در طیف گسترده‌ای از طرفداران انجمن تبدیل شود و در نهایت

حکومت دینی در تفکر حلبی و انجمن حجّتیّه، جایگاه ویژه‌ای پیدا نکرد. رژیم پهلوی، با توجه به رویکرد غیرسیاسی انجمن و حمایت روحانیت سنتی از این جریان به این نتیجه رسید که از انجمن حمایت کند و لاقلاً مانع فعالیت‌های فرهنگی و فکری آن نشود تا از این طریق بتواند مانع جذب افراد متدین به سوی جریان روحانیت سیاسی گردد. از این رو انجمن با غیرسیاسی جلوه دادن خود، عملاً رفتار و عملکردی سیاسی از خود بروز می‌داد چرا که اولاً ساواک، انجمن را وسیله‌ای برای لاغر کردن جریان مذهبی-سیاسی قرار داده بود و ثانیاً برخی از رهبران انجمن که با امام خمینی^(ع) رابطه خوبی نداشتند گاهی در جلسات خود به نقد سیاست‌های انقلابی ایشان می‌پرداختند. همین سبب شد تا گروه‌های مذهبی و انقلابی، رویکرد سلبی با انجمن پیدا کنند. همین رویکرد غیرسیاسی انجمن، باعث شده بود بصیرت لازم در این تشکیلات ایجاد نشود و در بحبوحه انقلاب، آگاهانه یا ناآگاهانه ملعبه دست سیاست باز رژیم طاغوت گردد تا آنجا که راه اندازی جشن‌های فصل انجمن در نیمه شعبان سال ۱۳۵۷ به وضوح از جدایی آن‌ها از خط مشی امام حکایت می‌کرد. به فرمایش حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای: «انجمن حجّتیّه قبل از انقلاب با انقلاب نبود، بعضی از افرادشان کار فعال ضدانقلابی هم می‌کردند...» (۱۳۶۴/۱۲/۱۴).

انجمن سهواً یا عمدتاً توجه نداشت که بهائیت، فرع بر رژیم پهلوی است و این رژیم است که به این فرقه ضاله میدان می‌دهد. شهید هاشمی نژاد می‌گوید: «تعدادی از رهبران انجمن، چنان بهائیت را بزرگ می‌کردند که انگار در این مملکت تنها، خطر بهائیت است، در حالی که خط انقلاب معتقد بود بهائیت شاخه‌ای است از شاخه‌های استعمار و معلولی است؛ ما باید سراغ علت برویم.»

ضمن این که در آن مقاطع زمانی، خطر ترویج تفکر مارکسیستی در میان جوانان، کمتر از بهائیت نبود ولی فعالیت انجمن در مبارزه با آن‌ها کم‌رنگ بود. به عبارت دیگر رویکرد مبارزاتی انجمن جامع نگر نبود، در حالی که با شبکه نسبتاً گسترده و قدرتمند تبلیغی خود در آن عصر، به خوبی می‌توانست به صورت رسمی با همه جریان‌های فکری-انحرافی با همان رویکرد غیرسیاسی مقابله کند.

مخالفت جریان انقلاب با انجمن حجّتیّه، علاوه بر سابقه غیرانقلابی و ضد انقلابی این گروه، اطلاع از تلاش این جریان برای نفوذ با هدف ایجاد تفرقه میان

روحانیت و حذف نیروهای متدین از صحنه انقلاب بود که به همین دلیل امام راحل^(ع) در باره خطر نفوذ انجمن حجّتیّه در اوائل سال ۶۷ خطاب به فقهای شورای نگهبان مرقوم فرمودند: «... حواستان را جمع کنید که نکنند یک مرتبه متوجه شوید که انجمن حجّتیّه ای ها همه چیزتان را نابود کرده اند...» (صحیفه امام ج ۲۱/ص ۶۱۲-۶۱۳) با این که انجمن بعد از سخنرانی مهم امام راحل^(ع) در تیر ماه سال ۶۲؛ در اول مرداد سال ۶۲ رسماً اعلامیه تعطیلی صادر کرد، اما معظم له خطر نفوذ آن ها را گوشزد می کنند. محمد حسین رحیمیان از اعضای دفتر بیت امام^(ع) در خاطراتش می نویسد: «در اوایل مرداد ماه ۱۳۶۲ وقتی اعلام تعطیلی به عرض حضرت امام^(ع) رسید، قبل از قرائت متن اعلامیه، به عرض رسید که انجمن حجّتیّه اعلام انحلال کرده است. اما وقتی متن قرائت شد که در آن، تعبیر «تعطیل» به کار رفته بود، امام^(ع) با تبسم فرمودند: تعطیل، غیر از انحلال است. این که فایده ندارد. اگر فکر می کنند منظور، آن ها هستند این کار اثری ندارد. آن ها که فاسد هستند کار خودشان را می کنند.»

در دوره دوم مجلس وقتی در کمیسیون امور دفاعی، اساسنامه ستاد پاسداران انقلاب به تصویب رسید، اعضای کمیسیون به محضر امام^(ع) رسیدند. ایشان در فرمایش های خود در مورد انجمن حجّتیّه فرمودند: به این تشکیلاتی که مدعی است ما طرفدار امام زمان^(عج) و منتظر ظهور حضرت هستیم به هیچ وجه اجازه ورود به نیروهای مسلح ندهید. اگر از این گروه، یک نفر در مجلس باشد مجلس را خراب می کند؛ اگر یک نفر از آن ها در کمیسیون باشد، کمیسیون را خراب و اگر یک نفر از آن ها در دولت باشد، دولت را خراب می کند. من به شما تکلیف می کنم اگر کسی از این انجمن مسئولیت کلیدی دارد او را برکنار کنید و نگذارید خطر ایجاد کند. این ها برای انقلاب خطرناکند.»

(نک: پرتال فرهنگی راسخون (rasekhood.net)، بررسی جریان انحرافی انجمن حجّتیّه؛ سایت پرسمان (porseman.com)، مقاله انجمن حجّتیّه؛ سایت خبری تحلیلی بولتن نیوز (bultannews.com)، بازخوانی عملکرد انجمن حجّتیّه؛ مرکز اسناد انقلاب اسلامی (irdc.ir)، ارتباط مخفی انجمن حجّتیّه با ساواک (کد خبر: ۷۷)).

ج) ولایتی‌ها

انقلاب اسلامی ایران که با هویت شیعی به پیروزی رسید، رویکرد تقریب و وحدت‌گرایی را سرلوحه کار خود قرار داد. پیشینه رویکرد تقریبی انقلاب، به اندیشه‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی باز می‌گردد. هدف آیت‌الله بروجردی از تقریب و وحدت، نه ذوب کردن مذهبی در مذهبی دیگر، بلکه بیان مشترکات میان دو گروه اسلامی برای وحدت و همدلی امت اسلام به‌عنوان یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام در مقابل دشمن مشترک مسلمین جهان بود. ایشان تا آخرین روزهای حیات خویش، با درک صحیح از موقعیت جهان اسلام، سعی می‌کرد از عواملی که وحدت مسلمین را به خطر می‌اندازد، جلوگیری کند و سرانجام تلاش‌های ایشان، منجر به فتوای شیخ شلتوت - رئیس دانشگاه الأزهر و مفتی اعظم مصر - مبنی بر رسمیت مذهب شیعه اثنی عشری، جواز عمل به فقه آن همانند مذاهب اربعه و اختصاص کرسی تدریس برای مذهب تشیع در الأزهر به‌عنوان یکی از مذاهب بزرگ اسلامی گردید. این فتوای تاریخی و در عین حال شجاعانه شیخ شلتوت، زمانی که وهابیان متعصب عربستان، شیعه را کافر می‌دانستند، تأثیر عمیقی در رسمیت یافتن تشیع گذاشت.

امامین انقلاب نیز همواره به‌طور نظری و عملی، پیگیر تقریب و وحدت جهان اسلام بودند و تصریح داشتند: «ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانان باشد، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم.» (صحیفه امام/ ج ۱۶ ص ۱۳۳).

«امروز دنیای اسلام دچار محنت‌های بزرگی است و راه حل آن محنت‌ها، اتحاد اسلامی است (۱۳۹۵/۹/۲۷)، آن چه امروز در درجه اول اولویت برای دنیای اسلام قرار دارد، وحدت است (۱۳۹۳/۱۰/۱۹)؛ اتحاد اسلامی، برادری اسلامی، همبستگی اسلامی، یکی از لازم‌ترین و واجب‌ترین وظایف همه جوامع اسلامی است و بایستی همه به این وظیفه ملتزم باشیم (۱۳۹۳/۰۷/۲۱)، امروز نگاه دستگاہ استکبار و استعمار به دنیای اسلام، این است که سعی می‌کنند دنیای اسلام را هر چه بیشتر از وحدت خود دور کنند... امروز دو اراده در منطقه غرب آسیا با یکدیگر در تعارضند: یک اراده، اراده‌ی وحدت است؛

یک اراده، اراده‌ی تفرقه است... مهم‌ترین آمادگی امروز برای مواجهه‌ی بادشمن، عبارت است از اتحاد بین مسلمین. (۱۳۹۵/۹/۲۷)

امامین انقلاب در این موضوع، تنها به توصیه و فراخوان بسنده نکردند و به طراحی و تعیین راهبردهای وحدت اسلامی نیز اهتمام داشته‌اند که برخی از این راهبردها عبارت است از: نامگذاری هفته میلادرسول اکرم^(ع) به «هفته وحدت»، معرفی قرآن به عنوان محور اجتماع امت اسلامی، ابتکارروز جهانی قدس، تبیین حج ابراهیمی^(ع)، معرفی جنبه وحدت آفرینی عید غدیر، نامگذاری روز آتش سوزی مسجدالاقصی به روز جهانی مسجد، هشدار در رابطه بادشمن واحد جهان اسلام، افشاء و مبارزه علیه جریان‌های تفرقه افکن در جهان اسلام نظیر جریان‌های تکفیری، اهل سنت آمریکایی، تشیع انگلیسی و...، تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت و...

در مقابل، دسته‌ای اندک که با عناوین «ولایتی‌ها»، «شیعه تیرایی» و یا «اسلام برائتی» با شعار صیانت از مرزهای اعتقادی شیعه وجه تقریب را نپذیرفتند و با برگزاری آئین‌هایی به اسم «عمرگوشان»، یا «عیدالزهراء (سلام‌الله‌علیها)» و یا «غدیر ثانی» در روز درگذشت خلیفه دوم، مخالفت با نام‌گذاری هفته وحدت و تبدیل اسم آن به هفته نکبت و تعیین هفته‌ای به نام هفته برائت، توهین به برخی از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، هم‌چنین برجسته‌سازی حساسیت برانگیز آئین شهادت حضرات معصومین علیهم‌السلام، ابداع دهه‌های عزاداری در کنار دهه اول محرم، ترویج نوع موهن عزاداری برای سیدالشهداء علیه‌السلام مثل قمه‌زنی، تیغ‌زنی و... در صدد موضع‌گیری سیاسی در برابر انقلاب و نظام اسلامی برآمدند. از چهره‌های رادیکال این دسته می‌توان از «یعیسوب الدین رستگار جویباری» و «سید صادق شیرازی» را نام برد که نظریات و فتاوای متعددی در مخالفت با انقلاب اسلامی ابراز داشتند. یادآور می‌شود اگر امام راحل عظیم‌الشان‌مان^(ع) در پیام منشور روحانیت به جریان ولایتی‌ها اشارت نمی‌فرمودند، از باب «الْبَاطِلُ يَمْوُتُ بِتَرْكِ ذِكْرِهِ» از این جریان منحط و التقاطی، ذکری نمی‌کردیم. البته واگویی امام^(ع) از این جریان، به این معناست که این نوع تفکر منحط و التقاطی به عنوان شاخه‌ای از اسلام آمریکائی در آینده نیز استمرار خواهد داشت.

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات متعددی، امتداد این جریان به سرکردگی جریان

شیرازی هارا «شیعه انگلیسی» نامیدند و خاطر نشان کردند: «امروز دوازده در این منطقه با یکدیگر در تعارضند: یک اراده، اراده‌ی وحدت است؛ یک اراده، اراده‌ی تفرقه است. اراده‌ی وحدت، متعلق به مؤمنین است؛ فریاد اتحاد و اجتماع مسلمین از حنجره‌های با اخلاص بلند است و مسلمان هارا دعوت می‌کنند به این که به مشترکاتشان توجه بکنند... شیعه‌ی انگلیسی و سنی آمریکایی مثل هم هستند؛ همه، دولبه‌ی یک قیچی هستند؛ سعی شان این است که مسلمان هارا به جان هم بیندازند؛ این پیام اراده‌ی تفرقه است که اراده‌ی شیطانی است؛... سیاست تفرقه بینداز و آقایی کن؛ «فَرَّقْ تَسُدْ».

(۱۳۹۵/۹/۲۷)؛ یک عده‌ای خیال می‌کنند اثبات تشیع به این است که انسان به بزرگان مورد اعتقاد اهل سنت و دیگران بنا کند مدام بدو بیراه گفتن؛ نه، این خلاف سیره‌ی ائمه^(ع) است. این که شما می‌بینید رادیوها یا تلویزیون‌هایی در دنیای اسلام به وجود می‌آید که کار آن‌ها این است که به عنوان شیعه و به نام شیعه، به بزرگان مورد اعتقاد بقیه‌ی فرق اسلامی بدگویی کنند، این معلوم است که بودجه‌اش بودجه‌ی خزانه‌داری انگلیس است؛ این شیعه‌ی انگلیسی است. این بدو بیراه گفتن عکس عمل می‌کند. وقتی شما بدو بیراه گفتید، دُور طرف مقابل شما، یک حصار کشیده می‌شود از عصبانیت، از احساسات، و دیگر حرف حق هم برایش قابل تحمل نیست. گوش نمی‌کنند؛ آن وقت گروه‌های خبیث و وابسته و مزدور و پول‌بگیر از آمریکا و سیا و اینتلینس سرویس - مثل داعش و جبهة‌النصره و امثال این‌ها - با استفاده از یک مشت آدم‌های عامی نادان غافل، این اوضاع را به راه می‌اندازند که ملاحظه کردید در عراق و در سوریه و در جاهای دیگر به راه انداختند؛ این کار دشمن است. دشمن، منتظر فرصت است؛ دشمن از هر فرصتی استفاده می‌کند.»

(نک: کتاب «خون دل» (نوشته جواد موگویی)، ص ۲۴۴-۲۶۲؛ کتاب «جریان‌های فکری در حوزه

معاصر قم»، نوشته سید محسن طباطبایی فر).

❁ (د) نهضت آزادی

تاریخ تأسیس نهضت آزادی

حزب «نهضت آزادی ایران» در سال ۱۳۴۰ و در شرایط خفقان پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق از هم پاشیده بود، شماری از مخالفان رژیم شاه با عنوان «نهضت مقاومت ملی» گردهم آمدند و فعالیت‌های ضعیفی برای زنده نگه داشتن نهضت ملی راه انداختند. نهضت آزادی ایران از درون همین گروه توسط آیت‌الله سید محمود طالقانی، مهدی بازرگان، یدالله سبحانی و... با این خط مشی تأسیس شد: «ما مسلمانیم و ایرانی و مصدقی». عمده‌ترین مسئله آنان وفاداری به قانون اساسی مشروطه، برگزاری انتخابات آزاد و سلطنت منهای استبداد بود.

ساختار فکری نهضت آزادی

هر چند حضور آیت‌الله طالقانی در جمع اعضای نهضت، آنان را به روحانیت و مبانی اصیل دینی نزدیک‌تر می‌کرد، اما ایدئولوگ نهضت آزادی، مهندس بازرگان بود و به دلیل تنوع آثارش بیش از دیگران اثرگذاری می‌کرد به همین دلیل نهضت آزادی، از نظر مکتب فکری یا ایدئولوژی، التقاطی از اسلام (مسلمانیم) و ناسیونالیزم (ایرانی و مصدقی) را پذیرفته بودند.

بازرگان-دبیر کل نهضت آزادی-، متولد در یک خانواده مذهبی و دانش‌آموخته دانشگاه‌های فرانسه (۱۳۰۷-۱۳۱۳ ه.ش) بود و با توجه به فضای فکری زمان خود، اصالت علم تجربی و افکار لیبرال دموکراسی برایش بسیار با اهمیت بود. انفعال او از پیشرفت‌های مادی دنیای غرب، او را بر آن داشته بود تا ضمن حفظ روحیه مذهبی خود، اسلام را با تفکرات لیبرال جدید در آمیزد و اندیشه‌ای التقاطی بیافریند.

تحلیل ساختار فکری نهضت آزادی

مهم‌ترین مشکل اعضای نهضت آزادی این بود که آنان به جای این که دین را از متخصصین، یعنی مراجع عظام تقلید و روحانیت، اخذ کنند و یا خود در حوزه‌های علمیه به تحصیل جدی بپردازند، به مطالعات فردی بسنده کردند و از منابع غیر اسلامی

یعنی علوم تجربی غربی بهره گرفتند. این روش، آنان را از اسلام ناب و روحانیت اصیل به تدریج دور ساخت و پیامدهای زیانباری نیز برای جامعه ایران همراه داشت. آنان کوشیدند که در مقابل صبغه ناسیونالیستی جبهه ملی، چهره اسلامی تشکیلات خود را تقویت نمایند، اما دکتر مصدق را به عنوان رهبر خود پذیرفتند. اعضای نهضت آزادی در جو مارکسیستی و علم زده دانشگاه ها و روشنفکران، تلاش کردند از لغزیدن جوانان به ورطه ماتریالیسم جلوگیری کنند و اسلام را دینی نوگرا و همگام با پیشرفت علم و تمدن غربی معرفی نمایند. بر این اساس، تطبیق اسلام با علم تجربی و هماهنگ سازی اصول و مبانی اسلام با لیبرال دموکراسی را در دستور کار قرار دادند. نتیجه تلاش آن ها ارائه يك چهره التقاطی از اسلام بود که در نهایت جوانان نهضت را به دلیل اعتقاد به علمی بودن مارکسیسم و تأیید نهضت آزادی بر علم تجربی به سوی مکاتب غربی یعنی مارکسیسم و لیبرالیسم سوق می داد.

این افکار در نهایت اثر خود را بر جوانان نهضت آزادی آشکار کرد؛ جوانانی که بعدها از نهضت جدا شدند و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را بنیان گذاشتند. مجاهدین خلق بر مبنای اصالت علم، به جای اسلام، مارکسیسم را مکتب علمی یافتند و التقاطی از اسلام و مارکسیسم پدید آوردند.

نگاهی کوتاه به فعالیت های قبل از انقلاب

فعالیت اعضای نهضت آزادی، به رغم تلاش آنان برای پای بندی به قانون اساسی مشروطه، خوشایند رژیم پهلوی نبود و اعضای آن از جمله آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان در سال ۱۳۴۱ دستگیر شدند و محاکمه آنان تا ۱۳۴۳ طول کشید. آنان به زندان از ده تا چهار سال محکوم شدند. نهضت آزادی در جریان شتاب انقلاب اسلامی در سال های ۱۳۵۷-۱۳۵۶ دوباره فعال شد اما در مقابل مشی قاطعانه و انقلابی امام خمینی^(ره)، بر شیوه مبارزه مسالمت آمیز تأکید داشتند. آنان با اصل نظام سلطنت مخالفت نداشتند و از این رو، بازرگان در آستانه پیروزی انقلاب با سفر به پاریس تلاش کرد امام^(ره) را به مبارزه مسالمت آمیز در چارچوب قانون اساسی مشروطه وادارد، اما امام^(ره) نپذیرفت.

دبیر کل نهضت آزادی؛ اولین نخست‌وزیر انقلاب

در آستانه پیروزی انقلاب به اصرار و پافشاری برخی از اعضای شورای انقلاب، مهندس بازرگان از سوی امام خمینی به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت منصوب شد. هر چند امام^(۶) بازرگان را مشروط به در نظر نگرفتن وابستگی‌های حزبی‌اش به این سمت گمارد، اما آن‌چه که در عمل دیده شد، کاملاً مغایر با خواست و نظر امام^(۶) بود و بازرگان تمامی پست‌های کلیدی را به هم مسلکان و هم‌فکران خویش واگذار نمود. اما ۹ ماه پس از پیروزی انقلاب به دلیل فقدان هماهنگی با امام^(۶)، ارتباط با دولت آمریکا و ملاقات بازرگان و وزیر خارجه‌اش ابراهیم یزدی با برژینسکی مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور آمریکا جیمی کارتر، در الجزایر که اعتراضات و تظاهرات مردمی را در ایران برانگیخت؛ هم‌چنین ناتوانی در پاسخ‌گویی به خواست امت انقلابی، یک روز پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ استعفاء کرد.

نهضت آزادی؛ علیه انقلاب

نهضت آزادی از این پس، در نقش مخالف و اپوزیسیون نظام ظاهر شد و به نوعی در وحدت تاکتیکی و عملی به نیروهای ضد انقلاب و منافقین نزدیک شد و این نزدیکی تا آن جا ادامه یافت که اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های رهبران نهضت در روزنامه‌ها، مجلات و رادیو و تلویزیون ضد انقلاب عراق و آمریکا پخش می‌گردید. گرچه نهضت آزادی با دیگر نیروهای ضد انقلاب، اعم از چپ و راست، دارای اختلاف فکری و بینشی بود، اما داشتن هدف مشترک، یعنی مقابله و مخالفت با انقلاب و رهبران آن و به خصوص روحانیت، همه نیروهای اپوزیسیون را در عمل، به مواضع واحد و مشترک رسانید. هم‌چنین در جریان جنگ تحمیلی، پس از فتح خرمشهر، با این‌که می‌دانستند قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر پایان جنگ، ظالمانه و بارویکرد نادیده گرفتن حقوق ملت ایران است، زمزمه‌های مخالفت با استمرار جنگ را آغاز کردند و در جهت سست نمودن عزم ملی در آن برهه‌های حساس تاریخی تلاش می‌کردند.

ماجرای تصویب لایحه قصاص

در ماجرای تصویب قانون قرآنی قصاص در خرداد ۱۳۶۰، جبهه ملی که رویکردی

لیبرال داشت، اعلام مخالفت نمود و طی بیانیه‌ای حکم قصاص را قانونی غیر انسانی معرفی و مردم را دعوت به راهپیمایی کرد. حضرت امام^(ع) این اقدام را قیام در مقابل قرآن دانسته و ارتداد جبهه ملی را اعلام کردند و تصریح کردند: «جبهه ملی از امروز محکوم به ارتداد است. بله، جبهه ملی هم ممکن است بگویند که ما این اعلامیه را نداده‌ایم. اگر آمدند در رادیو امروز بعد از ظهر آمدند در رادیو اعلام کردند به این که این اعلامیه‌ای که حکم ضروری مسلمین، جمیع مسلمین را غیر انسانی خوانده، این اطلاعیه از ما نبوده؛ اگر این‌ها اعلام کنند که از ما نبوده، از آن‌ها هم ما می‌پذیریم.» (صحیفه امام ج ۱۴، ص ۴۶۲-۴۶۳؛ نک: همان/ص ۴۴۹-۴۵۲)

در پی عدم پاسخ جبهه ملی به درخواست امام^(ع) مبنی بر نفی موضع‌گیری ضد دینی اعلامیه قبلی خود، حضرت امام^(ع) در سخنرانی روز ۲۵ خرداد خطاب به نهضت آزادی فرمودند: «بیاید حساب خودتان را جدا کنید! آیا نهضت آزادی هم قبول دارد آن حرفی را که جبهه ملی می‌گوید؟ آن‌ها هم قبول دارند که این حکم - حکم قصاص - که در قرآن کریم و ضروری بین همه مسلمین است، «غیر انسانی» است؟ آیا این نماز شب خوان‌ها این را قبول دارند یا نه؟ شک ندارم که قبول ندارند. خوب، اعلام کنید! چرا ساکت نشسته‌اید؟ مگر نهی از منکر فقط باید من را نهی کنید؟ نهی از منکر فقط برای این است که دولت را خرد کنید و مجلس را خرد کنید و چه؟»

نهضت آزادی در روز بعد از سخنرانی امام، اطلاعیه‌ای بی‌ربط با موضوعاتی که امام^(ع) فرمودند صادر کرد و نوشت: «علیرغم بعضی شایعات در سطح شهر مبنی بر این که نهضت آزادی دستور راهپیمایی داده است، ضمن این که جبهه ملی ایران هیچ‌گونه تماسی در مورد راهپیمایی امروز با نهضت آزادی نگرفته است، هیچ نوع دعوت و اطلاعیه‌ای نیز در مورد راهپیمایی امروز از سوی نهضت آزادی صادر نشده است.» پس از این اطلاعیه، سکوت نهضت آزادی در مقابل جبهه ملی باز هم ادامه داشت تا این که در ۱۵ آذر ۱۳۶۰، یعنی پس از شش ماه، بازرگان در پاسخ به نامه شهید آیت‌الله صدوقی به حمایت از جبهه ملی می‌پردازد و می‌نویسد: «نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ از جبهه ملی جدا شد... من با بسیاری از سران و افراد جبهه ملی آشنایی قدیمی و دوره‌ای هم‌زندانی داشته و حاضر و شاهد نماز و روزه‌شان بودم، چطور می‌توانستم به خود اجازه حکم ارتداد آن‌ها را بدهم؟ خصوصاً که تخصص و تعهدی در فتوی دادن و تکفیر کردن

ندارم. در مجموع آن‌ها را خائن، صاحب سوء نیت و ضد اسلام و انقلاب نمی دانم و به طوری که در دادگاه نیز گفته‌ام، خدمات ارزنده‌ای به کشور و مبارزات ملی کرده‌اند» البته اظهار ارادت بازرگان به عنوان موسس و دبیرکل نهضت آزادی فقط در نامه‌وی به آیت‌الله صدوقی خلاصه نمی‌شود بلکه در مرام نامه نهضت آزادی «مصدقی بودن» و پیروی از آراء و اندیشه‌های مصدق به روشنی آورده شده است. امام^(ع) با فراست کامل و آگاهی از این که جریان‌ها و گروه‌هایی با اهداف و مقاصد مختلف، همواره سعی دارند تا نام مصدق را در عرصه سیاست زنده نگه دارند، به نقش مصدق و آیت‌الله کاشانی در تاریخ معاصر ایران پرداخته و در باره مصدق فرمودند: «مصدق به ما خیلی سیلی زد و می‌خواست به اسلام سیلی بزند» این موضع‌گیری‌های امام خمینی^(ع) باعث نشد که نهضت آزادی در الگوسازی خود از مصدق تجدید نظر کند، بلکه هم‌چنان به تجلیل و تکریم از وی ادامه داد و امروز هم «مصدقی بودن» هم‌چنان در مرام نامه نهضت آزادی به عنوان اصل اساسی و بنیادین مطرح است.

ارتباط و تحریک آقای منتظری

از نکات بسیار مهم در رفتار اپوزوسیونی نهضت آزادی، نفوذ و برقراری ارتباط با آیت‌الله منتظری و سوء استفاده از ساده لوحی او بود. امام‌راحل^(ع) از ارتباطات و همکاری‌های لیبرال‌ها و آقای منتظری نگران بودند و یکی از دلایل اصلی امام^(ع) در عزل منتظری از سمت قائم مقامی نیز همین مورد بوده است که با بازخوانی نامه ۱۳۶۸/۱/۶ این حقیقت به وضوح مشهود است. این ارتباطات از میانه دهه هفتاد، کاملاً علنی گشت و نهضت آزادی، آقای منتظری را به عنوان مرجع دینی و سیاسی خود تبلیغ و ترویج می‌کرد، آقای منتظری نیز چند بار از نهضت آزادی اعلام حمایت کرد، از جمله در دی ماه ۸۴ گفت: «نهضت آزادی حزبی است که استوار و با ثبات در دفاع از اسلام و مبارزه با دیکتاتوری و استبداد ایستادگی کرده است.» در درگیری‌های جناحی و انتخاباتی، سوز سوزی‌های حقوق بشری و دعاوی استبداد دینی، سیاسی و انحراف انقلاب، و تنش‌آفرینی‌های سیاسی و اجتماعی به ویژه طی سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸، همواره نهضت آزادی می‌کوشید از نام و مواضع آقای منتظری برای تضعیف رهبری نظام استفاده کند، و به اندازه توان خویش روابط خود با محافل و رسانه‌های غربی را

در اختیاری قرار می‌داد. ده روز پیش از فوت آقای منتظری در آذر ۱۳۸۸، و در اوج فتنه آشوب پساانتخابات، ابراهیم یزدی در منزل وی، از سوی کانون غرب‌گرای مدافعان حقوق بشر، تندیس تلاش‌گر حقوق بشر را به وی اهدا کرد. چندین سال است بیت آقای منتظری و مهندس بازرگان که فصل مشترک‌شان تقابل با امام خمینی^(ع) و میراث او است، به بهانه مراسم یادبود بازرگان در مقبره بیات قم، با اعضای بیت منتظری و در رأس آن‌ها احمد منتظری ارتباط نزدیک دارند.

اعلام عدم رسمیت نهضت آزادی توسط امام^(ع)

در نهایت نهضت آزادی به دلیل عملکرد منفی، گرایش به آمریکا و مبانی التقاطی در سال ۱۳۶۶ رسماً از سوی امام^(ع) غیرقانونی اعلام شد. امام^(ع) در بخشی از نامه خود آورده‌اند: «... نهضت به اصطلاح آزادی، طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا است، و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است... اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند ملت‌های مظلوم به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پامی زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرن‌ها سر بلند نمی‌کرد... نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانون‌گذاری یا قضایی را ندارند، و ضرر آن‌ها، به اعتبار آن که متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بی‌مورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویل‌های جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروه‌های دیگر، حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است... نتیجه آن که نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن، چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند، می‌گردند، باید با آن‌ها برخورد قاطعانه شود و نباید رسمیت داشته باشند.» (صحیفه امام/ج ۲۰/ص ۴۸۱) ناگفته نماند در سال ۱۳۷۲، مهندس بازرگان در اظهاراتی طی مصاحبه‌ای با مجله کیان، مردم ایران را بخاطر استقرار جمهوری اسلامی، «خسر الدنیا و الآخرة» معرفی کرده و گفت: «ملت ایران و بسیاری از مسلمانان جهان حالت خسر الدنیا و الآخرة را پیدا کردند؛ هم گرفتار رنج‌های شدید دنیا از جهات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نظامی هستند و هم ایمان محکم به خدا و آخرت و امید

نجات و سعادت ابدی را از دست داده اند.»

حضرت آیت الله خامنه ای در واکنش به این اظهارات بازرگان، خود او را خسرالدنیا و الاخره خوانده و گفتند: «هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند. از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه نا امید سازد. آن آقایی که خودش به حسب آنچه که ما می بینیم خسرالدنیا و الاخره است، بر می دارد می نویسد که ملت ایران خسرالدنیا و الاخره شدند. چرا؟ چون با آمریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسرالدنیا و الاخره بودن است؟ ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد، توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست نشانده فاسد پهلوی و ارتباط با آمریکا نجات دهد و این طور شجاعت و شهامت و سر بلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده آزادی گام نهد، خسرالدنیا و الاخره است؟ این جوانان ما، این خانواده های مومن ما، این زن و مرد دلباخته دین و عاشق راه خدا، خسرالدنیا و الاخره اند؟ خودشان خسرالدنیا و الاخره هستند! کسی که این را می گوید [مهندس بازرگان] حقیقتاً خسرالدنیا و الاخره است. نه دنیا دارند، نه آخرت. دنیا شان، دنیای نکبت، آخرت شان هم بلاشک، قهر و عذاب الهی است.» (۱۳۷۲/۲/۱۵)

هم چنین رهبر انقلاب اسلامی شش سال پس از فوت مرحوم بازرگان، در خطبه های نماز جمعه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۹ نیز در باره عملکرد بازرگان و نهضت آزادی گفتند: «یک عده از اول انقلاب، بلکه پیش از انقلاب، نشان دادند که به اداره ی کشور بر طبق احکام اسلام از بُن دندان عقیده ای ندارند. آن ها اسم اسلام را می خواهند و اسم اسلام را دوست می دارند. دشمن اسلام به آن معنا هم نیستند؛ اما مطلقاً اعتقادی به فقه اسلامی، به احکام اسلامی و به حاکمیت اسلامی ندارند، معتقد به همان روش های فردی اند. اوایل انقلاب هم یک عده از همین ها توانستند امور را قبضه کنند و در دست بگیرند. اگر امام به داد این انقلاب نمی رسید، همین آقایان انقلاب و کشور را به دامن آمریکا بر می گرداندند. این ها هم دم از اصلاح می زنند. گاهی دم از اسلام می زنند، اما در کنار کسانی قرار می گیرند که شعار ضدیت با حکومت اسلامی، شعار سکولاریزم و حکومت منهای دین و حکومت غیر دینی و حکومت ضد دینی و لایسزم را می دهند! پیدا است که این ها نفوذی اند، این ها جزو آن دسته ای نیستند که ارزش ها را قبول دارند و معتقد به تحولند، نه، این ها نفوذی اند، این ها بیگانه و غریبه اند.»

- دوره‌های تاریخی نهضت آزادی در انقلاب اسلامی
فعالیت نهضت آزادی ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به سه دوره تقسیم می‌گردد:
۱. دوره اول ۱۳۵۷-۱۳۷۳ (درگذشت مهندس بازرگان)
رهبر معظم انقلاب در پیام کوتاهی به مناسبت درگذشت مهندس بازرگان، صرفاً از فعالیت‌های علمی و مبارزاتی قبل از انقلاب او تقدیر نمودند. (نک: ۱۳۷۳/۱۱/۵)
۲. دوره دوم ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۶ (درگذشت ابراهیم یزدی)
با درگذشت مهندس بازرگان، ابراهیم یزدی به دبیر کلی این حزب برگزیده شد. البته یدالله سحابی (متوفی ۱۳۸۱ ه. ش) تا زمانی که در قید حیات بود تلاش نمود تا نفوذ خود را به عنوان ارشدترین فرد این حزب حفظ کند. ابراهیم یزدی در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ با وجود علم به رد صلاحیت خود به دلیل نفی برخی از اصول قانون اساسی مثل ولایت فقیه و مخالفت با اساس نظام، رسماً خود را به عنوان نامزد ریاست جمهوری معرفی نمود و به دنبال رد صلاحیت وی، با تحریم انتخابات، موج اتهام بر علیه نظام را به راه انداخت.
- مهم‌ترین رویکردها و مواضع نهضت آزادی در دوره دبیر کلی ابراهیم یزدی عبارت است:
۱. طرح دیدگاه‌های تجدیدنظر طلبانه به بهانه برگزاری مراسم تجلیل از بازرگان و سحابی.
 ۲. اشاعه تفکر سکولار مبنی بر جدایی دین از سیاست.
 ۳. نادیده گرفتن قانون اساسی و عدم التزام به قانون اساسی به خصوص اصل ولایت فقیه.
 ۴. دامن زدن به اختلافات میان نیروهای انقلاب.
 ۵. دامن زدن به مسائل قومیت‌ها.
 ۶. فعال کردن بخش‌های دانشجویی برای انجام فعالیت‌های رادیکالی که جلوه‌ای از آن در ۱۸ تیر ۷۸ مشاهده شد.
 ۷. معرفی و تبلیغ آیت‌الله منتظری به بهانه‌های مختلف.
 ۸. ایجاد ابهام و شبهه در خصوص مسائل مختلف انقلاب.
 ۹. صدور بیانیه و نامه‌هایی در جهت خدشه‌دار کردن ارکان نظام.
 ۱۰. سازماندهی و محوریت جریان‌های اپوزیسیون در قالب ملی مذهبی‌ها برای

مقابله با نظام.

۱۱. زیرسؤال بردن مجلس خبرگان رهبری، نظارت استصوابی و درخواست از مردم برای تحریم انتخابات.

۱۲. حضور فعال در فتنه ۸۸.

۳. دوره سوم ۱۳۹۶ تاکنون

بعد از مرگ ابراهیم یزدی، «محمد توسلی» به عنوان دبیرکل نهضت آزادی ایران برگزیده شد. اعضای فعال فعلی در شورای مرکزی نهضت آزادی عبارتند از: هاشم صباغیان، غلام عباس توسلی، عبدالعلی بازرگان، ابوالفضل بازرگان، محمد حسین بنی اسدی، ابوالفضل حکیمی، مهدی معتمدی مهر، خسرو منصوریان، محمد (فرید) طاهری، محسن محقق، صفایطرف، علی گرجی، سید علی اصغر غروی رئیس شاخه اصفهان نهضت آزادی، احد میر محمد رضایی رئیس شاخه زنجان، غفار فرزندی رئیس شاخه آذربایجان، محمد هادی هادی زاده یزدی رئیس شاخه خراسان، عماد بهاور رئیس شاخه جوانان نهضت آزادی و...

لیبرال های دیروز؛ غیر انقلابی های امروز

شاید در جامعه امروز دیگر اثر محسوسی از فعالیت های نهضت آزادی دیده نشود و این حزب دیگر به تاریخ پیوسته باشد، اما جریان فکری نهضت آزادی ها که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «جریان غیر انقلابی درون نظام» نامیده می شوند، از بین نرفته است و مهم این است با شاخص های جریان شناسانه، به توصیه امام راحل^(۳) عمل نماییم که «من به طلاب عزیز هشدار می دهم که علاوه بر این که باید مواظب القانات روحانی نماها و مقدس مآب ها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر «عقلای قوم»^(۴) که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزی های بی مورد و ساده اندیشی ها سبب مراجعت آنان به پُست های کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود.»

۱. «منتظری» در سخنرانی ۲۲ بهمن ۱۳۶۷ در دفاع از همنشینی خود با لیبرال های نهضت آزادی از آنان با عنوان «عقلای قوم» یاد می کند.

ه) بازشناسی جریان غیرانقلابی

موضوع انقلابی بودن و انقلابی ماندن، مهم ترین دغدغه رهبر معظم انقلاب در سال های اخیر بوده و ایشان در بیانات متعدد ضمن تأکید بر این که از ابتدای انقلاب، عرصه های مختلف کشور، صحنه رقابت بین جریان انقلابی و غیرانقلابی است؛ (۱۳۹۴/۱۱/۱۴) بارها دو قطبی اصول گرایی و اصلاح طلبی را مردود دانسته و فرموده اند: «برای من این تقسیمات اصول گرا و اصلاح طلب مطرح نیست؛ (۱۳۹۵/۰۴/۱۲) بنده دعوای اصلاح طلب و اصول گرا را هم قبول ندارم؛ من این تقسیم بندی را غلط می دانم.» (۱۳۸۴/۱۲/۱۹)

پنج شاخص اصلی انقلابی ها

در نگاه ایشان تقسیم بندی حقیقی در جریان های سیاسی گذشته و امروز کشور، جریان انقلابی و غیرانقلابی است (۱۳۹۵/۰۳/۱۴) و با تصریح به این که «من انقلابی ام»، (۱۳۹۱/۱۱/۱۹) پنج شاخص اصلی انقلابی بودن را چنین تبیین نمودند:

۱. «شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزش های اساسی انقلاب؛
۲. شاخص دوم، هدف گیری آرمان های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن ها...؛
۳. شاخص سوم، پایبندی به استقلال همه جانبه ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم تر از همه است - و استقلال امنیتی؛
۴. شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه ی دشمن و عدم تبعیت از او...؛
۵. شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همان طور که عرض کردیم، مختلف است.» (۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

ضرورت شناخت جریان غیرانقلابی داخل نظام

امانکته مهم این جاست که معظم له در این موضوع تنها رویکرد ایجابی نداشته و در موضعی سلبی تصریح دارند: «باید مقابل جریان غیرانقلابی داخل نظام ایستاد.» (۱۳۹۴/۱۱/۱۴)

امیرالمؤمنین^(ع) در فرمایشی کلیدی فرموده‌اند: هر حرکت و فعالیتی، نیاز به شناخت و آگاهی دارد (ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ) (تحف العقول/ص ۱۷۱) از این رو در حرکت مهم و بسیار حساس تقابل با «جریان غیرانقلابی داخل نظام»، نیازمند شناخت صحیح و عمیقی از این جریان هستیم. باز امیرالمؤمنین^{علیه السلام} در باب اهمیت جریان‌شناسی می‌فرمایند: «بدانید! هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت جز آن‌که ترک‌کننده آن را بشناسید! هرگز به پیمان قرآن وفادار نخواهید بود مگر آن‌که پیمان شکنان را بشناسید، و هرگز به قرآن چنگ نمی‌زنید مگر آن‌که رهاکننده آن را شناسایی کنید.» (وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ وَ لَنْ تَأْخُذُوا بِمِيثَاقِ الْكِتَابِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَقَضَهُ وَ لَنْ تَمْسُكُوا بِهِ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي نَبَذَهُ). (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

اصطلاح «جریان» به جمعیت و گروه معینی اطلاق می‌شود که دارای مبانی فکری مشترک و رفتارهای تشکیلاتی اثرگذار در اجتماع هستند. این جمعیت مدیریت شده‌ی تأثیرگذار بر جامعه (جریان غیرانقلابی داخل نظام) نیز با صرف نظر از تعدد و تکثر حزبی و اغماض از ذکر اسامی، دارای شاخص‌های مشترک و نوعی رفتار و مشی یکسان از ابتدای انقلاب تا کنون بوده و هستند که به نظر می‌رسد شناخت این مشترکات فکری و عملی جریان‌های غیرانقلابی، مهم‌تر و لازم‌تر باشد. برخی از اصلی‌ترین این مشترکات عبارت است از:

الف) در مبانی فکری

۱. عدم اعتقاد حقیقی به اسلام ناب محمدی^(ص) و نقش حاکمیتی دین در جامعه (سکولاریزم).
۲. عدم باور حقیقی به مکتب امام خمینی^(ره).
۳. ارائه اسلام‌های التقاطی در مقابل مکتب اسلام ناب محمدی^(ص).
۴. روشنفکر مآبی، غرب‌زدگی و باور به این‌که «شما برای این‌که بتوانید پیشرفت بکنید، راهی جز راه غرب ندارید و راه غرب، یعنی پذیرش خرد غربی». (محمد خاتمی، روزنامه آریا، ۱۳۷۸/۶/۲۸) امام خامنه‌ای طرفداران این باور را «تقی‌زاده‌های جدید» نامیدند.

(۱۳۹۸/۱/۱)

ب) در عرصه سیاست خارجی

۱. خوش بینی به آمریکا و تلاش جدی در جهت مذاکره و برقراری رابطه با او.
۲. امام راحل ورهبر معظم انقلاب بارها ماهیت و هویت اصلی آمریکا را به طور دقیق و همه فهم تبیین کرده اند و حقیقت آمریکا را در قالب کلمات شاخصی نظیر «استکبار جهانی»، «شیطان بزرگ»، «تروریست بالذات»، «ام الفساد قرن»، «طاغوت اعظم» و «شیطان اکبر» بیان داشته اند.
۳. متفاوت انگاری سران استکبار، فرق گذاشتن بین کارتر، ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر، اوپاما، ترامپ.
۴. سعی در پاک کردن حافظه تاریخی ملت ایران نسبت به سابقه دشمنی آمریکا، مخملین نشان دادن پنجه چدنی آمریکا به ملت ایران و مخالفت جدی با شعار بنیادین «مرگ بر آمریکا».
۵. محدود انگاری جامعه بین الملل به کشورهای نظیر آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان.
۶. تفکیک انگاری در بدنه استکبار جهانی و جدا انگاری اروپا از آمریکا در مواضع خصمانه علیه جمهوری اسلامی.
۷. اختلاف افکنی و کارشکنی در موضع نظام نسبت به بیداری اسلامی در قالب ارائه نظریاتی از قبیل بهار عربی و... .
۸. موضع منفی نسبت به نقش آفرینی ایران در جبهه مقاومت. القاء شعار نه غزه نه لبنان... و مغالطات عوام فریبانه در سطح جامعه نظیر: چرا باید در سوریه، عراق، لبنان و... هزینه کنیم در حالی که خودمان این همه فقیر داریم؟ تا کی باید بخاطر مسئله فلسطین در منطقه و جهان منزوی باشیم؟ با همین هدف صورت می گیرد. در حالی که بسیاری از کارشناسان و تحلیل گران منصف داخلی و خارجی معتقدند اساساً فتنه تکفیری ها، شروع جنگ نیابتی و گسترده با توهم نابودی ایران اسلامی بوده است و منطق ایران در این جنگ، منطق امیرالمؤمنین در خطبه ۲۷ نهج البلاغه بود که فرمود: «هر ملتی درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد، ذلیل خواهد شد.» (مَا عَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا) (نهج البلاغه/ خطبه ۲۷). اهداف اصلی ایران برای ورود

به صحنه نبرد عبارت است از:

(۱) دفاع از حرم اهل‌البیت^(ع).

(۲) حفظ عمق استراتژیک در منطقه و ایجاد امنیت فرامرزی. در علوم استراتژیک جنگ پیشگیرانه و اقدام پیش‌دستانه، از مهم‌ترین موارد ابتکار عمل در برابر دشمن است. ما هر قدر در این جنگ هزینه کرده باشیم، به مراتب کم‌هزینه‌تر از جنگ در پشت مرزهایمان بوده است. لذا «کسی که از اینجا می‌رود در عراق یا در سوریه به عنوان دفاع از حریم اهل‌بیت^(ع) در مقابل این تکفیری‌ها می‌ایستد، در واقع دارد از شهرهای خودش دفاع می‌کند. (۱۳۹۵/۴/۵) اگر این‌ها مبارزه نمی‌کردند، این دشمن می‌آمد داخل کشور، ما باید اینجا در کرمانشاه و همدان و بقیه‌ی استان‌ها با این‌ها می‌جنگیدیم و جلوی این‌ها را می‌گرفتیم». (۱۳۹۴/۱۱/۵)

(۳) دفاع از جهان اسلام در برابر فتنه تکفیر و مثلث غربی - عبری عربی (صلیبی - صهیونی - سلفی) و برهم زدن رؤیای خاورمیانه جدید و نقشه معامله قرن.

(۴) مبارزه با غده سرطانی رژیم اشغالگر و جعلی اسرائیل.

۹. محدود کردن قدرت دفاعی و بازدارندگی کشور به بهانه پیشرفت اقتصادی و تأمین بودجه‌های عمرانی و ارتقاء معیشت جامعه.

۱۰. اتخاذ مواضعی نظیر «دنیای فردا، دنیای گفتمان‌هاست نه موشک‌ها» که به تصریح رهبر معظم انقلاب، موضعی ناآگاهانه یا خائنانه است، (۱۳۹۵/۱/۱۱) و در حالی انجام می‌گرفت که بر کسی پوشیده نبود که دشمن اگر توان حمله داشته باشد لحظه‌ای درنگ نمی‌کند و یکی از دلایل ناتوانی دشمن، ظرفیت بالای توان دفاعی ایران اسلامی است.

۱۱. تن دادن به قراردادهای خودتحریمی و تضعیف‌کننده قدرت منطقه‌ای ایران اسلامی.

ج) در مواجهه با دشمن

۱. نفوذپذیری و بی‌توجهی به خطر نفوذ دشمن در محافل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری.

۲. نداشتن تعادل واقع‌بینانه در مواجهه با دشمن، به طوری که گاهی وجود توطئه و

دشمنی علیه نظام اسلامی را توهم می‌انگارند و در روزگاری سعی در القاء باور به وجود سایه جنگ بر سر ملت ایران و ترویج آمریکاهراسی برای گرفتار کردن فضای عمومی کشور به دوگانه جنگ و صلح هستند.

۳. مبالغه در امکانات و اقتدار دشمن، خودباختگی و اظهار ضعف و عجز در این موضوع و باور به این که «آمریکامی تواند با یک بمب، تمام سیستم دفاعی ایران را از کار بیاندازد»؛ با این که امامین انقلاب مکرر فرموده‌اند: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». (جهان‌نوز، کد مطلب: ۳۲۹۶۳۱)، در حالی که «اگر جمهوری اسلامی دچار شاه‌سلطان حسین‌ها بشود، دچار مدیران و مسئولانی بشود که جرأت و جسارت ندارند؛ در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانائی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد بود». (۱۳۸۷/۹/۲۴)

د) در سیاست داخلی

۱. تبعیت‌گریشی و نفاق‌آمیز از ولایت فقیه.
۲. انقلابی‌نمایی به جای انقلابی‌گری.
۳. خستگی و یا پشیمانی در ادامه راه انقلاب، اعتقاد به پایان انقلابی‌گری و لزوم گذر از انقلاب.
۴. خوی کاخ‌نشینی، اشرافی‌گری و تبدیل شدن به طبقه مُترفین.
۵. گرایش به خویشاوندسالاری و پدیده آقازادگی به جای شایسته‌سالاری و نُخبه‌گرایی.
۶. بی‌تفاوتی نسبت به اقشار مستضعف و محروم و بی‌توجه به معضل شکاف طبقاتی در جامعه و اصل رضایت مردم از نظام در عرصه اقتصاد و معیشت.
۷. بی‌مبالاتی نسبت به موضوع مفاسد اقتصادی و غارت بیت‌المال.
۸. نداشتن عزم جدی در مبارزه با فقر و فساد و تبعیض.
۹. انحراف افکار عمومی جامعه از مسائل اصلی و اولویت به موضوعات کم‌یا بی‌اهمیت، به جای حلّ اصولی و اساسی مشکلات جامعه.
۱۰. اتهام و انگ‌زدن به منتقدان و مخالفان به جای ایجاد فضای آزاداندیشی، نقد و گفتگوی سازنده و منطقی.
۱۱. استفاده نکردن از ظرفیت‌های نخبگانی کشور به ویژه ظرفیت عظیم جوانان مؤمن

انقلابی در حلّ مسائل مختلف کشور.

۱۲. نداشتن روحیه جهادی و انقلابی و عدم باور به این که «ما جز با کار جهادی و کار انقلابی نخواهیم توانست این کشور را به سامان برسانیم» (۱۳۹۶/۲/۱۰)

ه) در عرصه های اقتصادی

۱. حرکت به سمت توسعه غربی و اقتصاد سرمایه داری به جای گفتمان پیشرفت اسلامی و سیاست های اقتصاد مقاومتی. مقام معظم رهبری این رویکرد را «بازتولید همان فرهنگ و وابستگی، منتها با یک ادبیات شیک و رنگ آمیزی شده و قالب بندی شده و بسته بندی شده به اسم های دیگر [مثل] جهانی شدن، وارد شدن در خانواده ی جهانی» دانستند. (۱۳۹۵/۷/۲۸)
۲. داشتن رویکردهای تکنوکراتی.
۳. ارتباط حداقلی با کشورهای مستقل مثل چین، روسیه و... و کم توجهی به ظرفیت های بازارهای همسایه و بازارهای غیر اروپایی.
۴. ترویج و اشاعه «نمی توانیم» و در مقابل گفتمان امامین انقلاب مبنی بر «ما می توانیم».
۵. ضربه زدن به روند خودکفایی با القاء این که تولید در داخل صرفه اقتصادی نداشته و خرید محصولات از بیرون ارزان تر تمام می شود.
۶. انعقاد قراردادهای محرمانه، وثوق الدوله ای و ترکمنچایی و به دور از اطلاع مردم، کارشناسان و متخصصین در حوزه مختلف اقتصادی به بهانه جذب سرمایه گذاری خارجی و انتقال دانش فنی و تکنولوژی برای توجیه اذهان عمومی.
۷. بی رونق نمودن تولید داخلی، واردات بی رویه و بی منطق و نداشتن اهتمام جدی به مقوله صادرات غیر نفتی.

و) در عرصه فرهنگی

۱. بی اعتقاد نسبت به وجود تهاجم فرهنگی.
۲. ولنگاری فرهنگی و بی اهمیتی در امر فرهنگ، چه در تولید کالای فرهنگی مفید و چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر (۱۳۹۵/۰۳/۱۶) با این که «اولویت بسیار

۳. مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه‌ی این‌ها است». (۱۳۹۵/۶/۳)
۴. بیگانه با فرهنگ ایثار و شهادت و گنجینه فرهنگی دفاع مقدس.
۵. تحریف تاریخ قبل از انقلاب و بزک کردن چهره زشت خاندان پهلوی.
۶. تحریف شخصیت امام راحل.
۷. تحریف تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
۸. ترویج افسارگسیخته سبک زندگی غربی در جامعه و فرهنگ مصرف‌گرایی.
۹. ابتدال در هنر و بی‌توجهی به فعالیت‌های عناصر معلوم الحال.
۱۰. عدم نظارت سیاست‌گذاری‌های لازم نسبت به فضای مجازی و استفاده غیر سالم و مضر از ظرفیت‌های این فضا.

ز) در حوزه علم و فناوری

۱. عدم باور به علوم انسانی اسلامی و بی‌اعتقاد نسبت به لزوم تحول علوم انسانی.
۲. بی‌توجه به اهمیت رشد علمی کشور و ارتقاء رتبه آن در آمار جهانی. تحقیر صنعت داخلی و فناوری‌های ملی و باور به این که «ما قدرت رقابت در هیچ صنعتی جز قرمه‌سبزی و آبگوشت بُزباش را نداریم» (اکبر ترکان، دبیر شورای هماهنگی مناطق آزاد، جهان‌نیوز، کد مطلب: ۳۹۰۴۸۶) و اعتقاد به این که «باید مدیر اقتصادی از خارج وارد کنیم» (نعمت‌زاده، وزیر صنعت وقت، کیهان، کد خبر: ۵۸۶۰۲). این سخنان یادآور جملات روشنفکران دوره طاغوت است از جمله حسن تقی‌زاده که گفته بود: «ما باید از فرق سر تا نوک انگشتان پا فرنگی شویم» یا رزم‌آرا (نخست وزیر وقت) که اظهار داشته بود: «ایرانی‌ها بدون کمک غرب یک لوله‌نگ (آفتابه) نمی‌توانند بسازند».

خلاصه درس ششم

- (۱) اسلام ناب محمدی (ص) اسلام اهل بیت (ع)، جهاد و شهادت، تعبد، تعقل و فضیلت‌های اخلاقی است؛ در حالی که اسلام آمریکایی، اسلام خرافه و بدعت، اسارت و ذلت، التقاط، جهالت و آلوده شدن به انواع مفاسد اخلاقی است.
- (۲) امام خامنه‌ای از سال ۹۴ توجه ویژه‌ای به مسأله نفوذ دشمن داشته‌اند. خطر نفوذ، اهداف دشمن از نفوذ، اقسام نفوذ، راهکارهای مقابله با نفوذ و... از مهم‌ترین بیانات ایشان در این زمینه بوده است.
- (۳) عمده‌ترین روش‌های نفوذ دشمن؛ بزک کردن چهره شیطان بزرگ، هدایت مجموعه‌های فرهنگی، تحمیل کلیشه‌های سلطه طلبانه، ایدئولوژی زدایی از سیاست و دیپلماسی و القای عبور از انقلاب است.
- (۴) کودتای نقاب (نجات قیام ایران بزرگ) یا نوژه؛ در تیر ماه ۱۳۵۹ با همکاری آمریکا و عوامل خود فروخته داخلی، طراحی شد. این کودتا توسط افسر خلبانی که مامور بمباران بیت امام (ع) بود افشا گردیده و در نهایت خنثی شد. آقای شریعتمداری هم که از رهبران اصلی کودتا بود، توسط جامعه مدرسین قم، سلب مرجعیت گردید.
- (۵) انجمن حجّتیّه با هدف مبارزه با بهائیت در سال ۱۳۳۲ توسط شیخ محمود حلبی شروع به فعالیت کرد. حلبی به خاطر پیروی از مکتب تفکیک افراطی، دغدغه فقه سیاسی رانداشت، از این روحدایی دین از سیاست به تدریج به رویکرد اصلی او تبدیل شد تا جایی که این جریان ملعبه دست رژیم پهلوی قرار گرفت و در جریان نیمه شعبان سال ۵۷، بر خلاف دستور امام (ع)، به راه اندازی جشن پرداخت. این جریان به افکار و عملکرد غیر انقلابی خود ادامه داد، تا آن جا که امام در سال ۶۷ خطر نفوذ این جریان را گوشزد کردند.
- (۶) جریان ولایتی‌ها یا اسلام برائتی‌جریانی هستند که با شعار دفاع از مرزهای اعتقادی شیعه، مباحثی مانند تقریب مذاهب و اتحاد

مسلمین را قبول ندارند و باره اندازی مراسماتی مانند عمرکشان، عیدالزهر^(س) و... بر طبل تفرقه می کوبند. از چهره‌های رادیکال این دسته می توان یعسوب الدین رستگار جو بیاری و سید صادق شیرازی را نام برد.

(۷) حزب نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ توسط آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان، یدالله سحابی و... تاسیس شد. ایدئولوگ این جریان، مهندس بازرگان بود که افکار التقاطی اش (اسلام و ملی گرایی) بر اعضای حزب تاثیر گذاشته بود. این افکار بر جوانان حزب تاثیر به سزایی داشت تا آنجا که پس از جدایی از حزب، سازمان مجاهدین خلق را تاسیس کردند.

(۸) نهضت آزادی بر خلاف امام^(ع)، قائل به مبارزه مسالمت آمیز بودند و اساساً با اصل نظام سلطنتی مشکل خاصی نداشتند. مهندس بازرگان به عنوان اولین نخست وزیر انقلاب انتخاب شد، اما یک روز پس از تسخیر لانه جاسوسی استعفاء داد. نهضت به تدریج در نقش اپوزیسیون ظاهر شد و در عمل به منافقین نزدیک شد. در جریان تصویب لایحه قصاص، جبهه ملی (و بالتبع نهضت آزادی) در کمال وقاحت این حکم قرآنی را غیر انسانی خواند و همین امر باعث شد تا امام^(ع) حکم به ارتداد آن ها کند. در نهایت در سال ۶۶ این نهضت از طرف امام^(ع) غیر قانونی اعلام شد.

پرسش‌های درس ششم

- ۱) مهمترین تفاوت‌های اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام آمریکایی چیست؟ آیا این دو شباهتی هم با هم دارند؟
- ۲) انواع نفوذ دشمن را نام برده و برای هر یک مثالی بیان فرمایید.
- ۳) راه‌های مقابله با نفوذ دشمن چیست؟
- ۴) ماجرای کودتای نوژه و نقش آقای شریعتمداری در آن را اجمالاً توضیح دهید.
- ۵) هدف اصلی از تاسیس انجمن حجّتیّه چه بود؟ چرا انجمن از انقلاب فاصله گرفت؟
- ۶) لب‌کلام جریان ولایتی‌ها چیست و چه پاسخی می‌توان به آن داد؟
- ۷) نهضت آزادی در ماجرای تصویب لایحه قصاص چه موضعی اتخاذ کرد؟ واکنش امام چه بود؟

ضمیمه؛

بیانہ گام دوم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِیْنَ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ اِلٰی یَوْمِ الدِّیْنِ.

❁ تمایز مهم ملت ایران و انقلاب اسلامی از دیگر ملت‌ها و انقلاب‌ها ❁

از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. (۱) اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده (۲)

❁ آغاز دومین مرحله انقلاب اسلامی؛ خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی ❁

و اینک وارد دومین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. (۳)

۱. اساساً وقتی فهم عمیق محتوای متنی با اهمیت می‌شود، باید تمرکز بر خط به خط، کلمه به کلمه آن مطلب، مورد توجه و دقت قرار گیرد. از این رو برای استفاده بهتر از محتوای فاخر بیانی، تسهیل در مطالعه و استخراج مفاهیم مندرج در متن و همچنین یاری رساندن به مراجعه‌کنندگان در یافتن دقیق نقطه‌نظرهای مورد توجه خود، نشان‌گذاری متن با عنوان‌بندی و شماره‌زنی فرازهای آن انجام شده است. طبق این شماره‌گذاری و عنوان‌بندی، متن بیانیه دارای ۲۸۵ فراز می‌باشد.

🌀 ستایش ملت انقلابی ایران

درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم میشود. (۴)

🌀 پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمیبرد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پایه میدان نهاد؛ چهار چوب ها را شکست؛ کهنگی کلیشه ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. (۵)

🌀 واکنش طبیعی دشمنان علیه انقلاب اسلامی

طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه گون برای خفه کردن آن، هر چه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر شدند. (۶)

🌀 سرگذشت دشمنان انقلاب پس از چهل سال

اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار میدهند، دست و پنجه نرم میکند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش میرود. (۷)

🌀 شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. (۸)

آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. (۹)

هرگز نمیتوان مردمی را تصور کرد که از این چشم اندازهای مبارک دل زده شوند. هرگاه دل زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است

و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها. (۱۰)

❁ ثبات انقلاب در اصول خویش

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدید نظر پذیر و اهل انفعال نیست. (۱۱)

❁ نقدپذیری انقلاب در عین حفظ ارزش‌ها

به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفه‌های بی عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. (۱۲)

❁ جمع انقلاب بین جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی

انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکند. (۱۳)

❁ پایبندی شدید انقلاب به اصول و مرزبندی‌ها با رقیبان و دشمنان

جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نوبه‌نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود شدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان شدت حساس است. (۱۴)

با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. (۱۵)

❁ فاصله‌ی قابل پیمودن میان بایدها و واقعیت‌ها برای انقلاب

بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتها، همواره وجدانهای آرمان‌خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است (۱۶) و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد. (۱۷)

❁ اوصاف و فضائل انقلاب اسلامی ملت ایران

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. (۱۸)

مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است،

نشده است. (۱۹)

در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اول را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. (۲۰)

این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردد. (۲۱)
با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. (۲۲)

این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد. (۲۳)

🌀 آغاز فصل جدید جمهوری اسلامی، با جوانان عزیز

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. (۲۴)

🌀 گوهر تجربه

سخن اول درباره‌ی گذشته است. عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. (۲۵)
بسیاری از آنچه را مادیده و آرموده‌ایم، نسل شما هنوز نیاز موده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. (۲۶)

🌀 آرمان بزرگ انقلاب

دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کار آرموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن راه‌چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌افاده) است، نزدیک کنید. (۲۷)

🌀 ضرورت شناخت گذشته برای برداشتن گام‌های استوار در آینده

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند

نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. (۲۸)

انگیزه قوی دشمنان انقلاب برای تحریف و دروغ پردازی به منظور رهنزی فکر و عقیده

دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ پردازی در باره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهنزان فکر و عقیده و آگاهی بسیاریند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمیتوان شنید. (۲۹)

آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ (۳۰) اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود - بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر. (۳۱)

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. (۳۲)

نارسایی قیام‌های مارکسیستی در الگو بودن برای انقلاب اسلامی

بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. (۳۳)

نخستین درخشش انقلاب

انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود. (۳۴)

تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام» و «استکبار»؛ پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطبهای جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام» و «استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. (۳۵)

تغییر مسیر جهان با زلزله‌ی انقلاب

از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیر ستم و جریانه‌های آزادی خواه جهان و بر خی دولتهای مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلد رهای باج طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد. (۳۶)

رمز و راز تاب‌آوری ملت ایران در برابر خصومت‌ها و توطئه‌ها

و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأیید شده‌ی امام عظیم الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان پذیر نمیشد. (۳۷)

گام‌های بلندتر و استوارتر علی‌رغم مشکلات طاقت فرسا

به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روز به روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. (۳۸)

چهل سال جهاد، افتخار و پیشرفت

این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آورد در ایران اسلامی است. (۳۹)

راه‌درک عظمت پیشرفت‌های انقلاب اسلامی

عظمت پیشرفتهای چهل ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدت، با مدتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. (۴۰)

مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «مامی توانیم»، عامل عزت و پیشرفت ایران

مدیریت‌های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید. (۴۱)

انقلاب اسلامی، پایان انحطاط تاریخی ایران

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ (۴۲)

گام‌های انحطاط‌زدایی انقلاب از کشور

گام اول، تبدیل سلطنت استبدادی به حکومت مردمی

در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ (۴۳)

گام دوم، میدان دادن به جوانان در عرصه مدیریتی

آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ (۴۴)

گام سوم، انتقال روحیه و باور به مایه‌ی ما می‌توانیم به همه

روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ (۴۵)

گام چهارم، آموختن اتکاء به توانایی داخلی به همه

به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت (۴۶)

هفت برکت بزرگ انحطاط‌زدایی انقلاب از کشور

و این [گام‌های انحطاط‌زدایی] منشأ برکات بزرگ شد: (۴۷)

یک) ثبات امنیت و تمامیت ارضی

اولاً: ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد. (۴۸)

دو) پیشرانی علمی و فناوری

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. (۴۹)

نمونه‌های پیشرفت کشور به برکت انقلاب

هزاران شرکت دانش‌بنیان،

هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل و نقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره،
میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل،

هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور،
ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری
نانو، زیست‌فناوری و غیره بارتبه‌های نخستین در کل جهان،
شصت برابر شدن صادرات غیر نفتی،
نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی،
ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی،
تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی،
برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی،
درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن،
وده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت،
محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور
به ارمغان آورد. (۵۰)

وضعیت فناوری، صنعتی و علمی ایران پیش از انقلاب
ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در
علم به جز ترجمه هنری نداشت. (۵۱)

سه) اوج مشارکت‌های مردمی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های
داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات
اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیتهای نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز
شده بود، افزایش چشمگیر داد. (۵۲)

چهار) مشتقانه مردم در خدمت‌رسانی

پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای
اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند. (۵۳)

چهار) ارتقاء بینش سیاسی

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی
شگفت‌آوری ارتقاء داد. (۵۴)

نمونه‌های ارتقاء بینش سیاسی آحاد ملت

تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ افروزی‌ها و رذالتها و دخالت‌های قدرتهای قلدر در امور ملتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحتهای زندگی جاری شد (۵۵) و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت. (۵۶)

پنج سنگینی کفه عدالت

خامساً: کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. (۵۷)
نارضایتی از کارکرد گوهر بی‌همتای عدالت در کشور
نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید
گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این
معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. (۵۸)

دستاوردهای بی‌نظیر مبارزه بایی عدالتی

واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه بایی عدالتی در این چهار دهه، با هیچ
دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. (۵۹)

بی‌عدالتی‌ها در رژیم طاغوت

در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از
پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. (۶۰)
مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم
از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. (۶۱)

جمهوری اسلامی، از موفق‌ترین حکومت‌ها در جابه‌جایی خدمت و ثروت به

همه‌جای کشور

جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و
ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین دست
آن بوده است. (۶۲)

🌀 آمار افتخارآمیز در خدمت‌رسانی به دورترین مناطق کشور

آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخار آفرین است؛ (۶۳)

🌀 انعکاس نیافتن این آمار افتخارآمیز در تبلیغات

بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. (۶۴)

عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی، در تراز حکومت علوی (ع) البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است (۶۵)

🌀 چشم امید به جوان‌ها برای اجرای عدالت مورد انتظار جمهوری اسلامی

و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. (۶۶)

🌀 نش (افزایش عیار معنویت و اخلاق

سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. (۶۷)

🌀 رفتار و منش امام (ره)، عامل اصلی رواج معنویت و اخلاق در جامعه

این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ (۶۸)

🌀 باروری مایه‌های ایمان مردم ایران بارهبری امام (ره)

آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. (۶۹)

🌀 دگرگونی فضای فسادزده پهلوی به سوددین و اخلاق به برکت رویکرد دینی و

اخلاقی جمهوری اسلامی

هر چند دست‌تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی

مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. (۷۰)

نمونه‌های افزایش عیار معنویت و اخلاق

مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام رازنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. (۷۱)

پدران و مادران و همسران با احساس و وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. (۷۲)

مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. (۷۳)

صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو وزن و مرد [آکنده شد] (۷۴) و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهادسازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. (۷۵)

نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی [رونق یافت] (۷۶) و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است. (۷۷)

افزایش عیار معنویت و اخلاق در شرایط سقوط اخلاقی غرب، معجزه‌ای از

معجزات انقلاب

و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد وزن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است. (۷۸)

هفت (هفت) ایستادگی در برابر مستکبران

سابقاً: نماد پُرابهت و باشکوه و افتخار‌آمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. (۷۹)

❁ خصوصیت شناخته شده‌ی ایران و ایرانی در تمام این چهل سال

در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است. (۸۰)

❁ اعتراف قدرت‌های انحصارگر جهان به ناتوانی در برابر ایران اسلامی و انقلابی

قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. (۸۱)

❁ اقدامات مهم ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب

ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند. (۸۲)

❁ انقلاب عظیم، پایدار و درخشان در گام بزرگ دوم

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید. (۸۳)

فهرستی از محصولات تلاش چهل ساله با جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است:

کشور و ملتی مستقل،

آزاد،

مقتدر،

باعزت،

متدین،

پیشرفته در علم،

انباشته از تجربه‌هایی گران بها،

مطمئن و امیدوار،

دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفتهای علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. (۸۴)

بی‌توجهی‌های و غفلت‌های خسارت‌بار نسبت به شعارها و جریان انقلابی، مانع کسب دستاوردهای بیشتر

و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمیداشت. (۸۵)

تفاوتی معنی‌دار در چالش‌های انقلاب با مستکبران

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. (۸۶)

تفاوت اول؛ از چالش با آمریکا از تعطیلی سفارت اسرائیل و آمریکا تا حضور ایران در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن نفوذ آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود (۸۷)، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. (۸۸)

تفاوت دوم؛ از مشکل غرب در جلوگیری از ایران برای خرید تسلیحات ابتدایی

تا انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود (۸۹)، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. (۹۰)

تفاوت سوم؛ افزایش سطح یارگیری آمریکا از چند ایرانی خود فروخته تا یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب برای مقابله با نظام اسلامی و ملت ایران

و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خود فروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید (۹۱)، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. (۹۲)

ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است. (۹۳)

همت، هشیاری، سرعت عمل و ابتکار جوانان لازمه ادامه مسیر افتخار آمیز به سوی آرمان‌ها

اماره طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخار آمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. (۹۴)

دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. (۹۵)

راهبردهای تحقق الگوی نظام پیشرفته‌ی اسلامی با محوریت جوانان

مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، (۹۶)

از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، (۹۷) نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند (۹۸) و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند. (۹۹)

توجه به ظرفیت‌های بی‌نظیر کشور، نکته‌ای مهم برای آینده‌سازان

نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است (۱۰۰) و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. (۱۰۱)

همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، فعال‌کننده‌ی ظرفیت‌های بی‌نظیر

کشور

همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. (۱۰۲)

نیروی انسانی مستعد و کارآمد، بازیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین

ظرفیت امیدبخش کشور

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد بازیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. (۱۰۳)

جمعیت جوان، فرصت ارزشمند کشور

جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. (۱۰۴)

فهرستی از ثروت عظیم و غیرقابل مقایسه با اندوخته‌های مادی در خصوص

جمعیت جوان کشور

۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند،

و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینشهای علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمیتواند شد. (۱۰۵)

🌀 فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور

به جز اینها، فرصت‌های مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل می‌دهد (۱۰۶) که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. (۱۰۷)

🌀 ۱٪ جمعیت جهان، اما با ۷٪ از ذخایر معدنی جهان

ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان (۱۰۸)، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: (۱۰۹)

🌀 بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور

منابع عظیم زیرزمینی،
موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب،
بازار بزرگ ملی،
بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت،
سواحل دریایی طولانی،
حاصل‌خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی،
اقتصاد بزرگ و متنوع،
بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ (۱۱۰)

🌀 رتبه‌ی اول جهان در ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی

بسیاری از ظرفیت‌ها دست‌نخورده مانده است. (۱۱۱) گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. (۱۱۲)

🌀 توانایی جوانان مؤمن و پُر تلاش در برطرف کردن این عیب بزرگ

بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُر تلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. (۱۱۳)
دهه‌ی دوم چشم‌انداز، دهه تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته،
ظرفیت‌های استفاده‌نشده و پیشرفت در تولید و اقتصاد
دهه‌ی دوم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز
ظرفیت‌های استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد
ملی ارتقاء یابد. (۱۱۴)

گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. (۱۱۵) این سرفصل‌ها عبارتند از:

علم و پژوهش،
معنویت و اخلاق،
اقتصاد،
عدالت و مبارزه با فساد،
استقلال و آزادی،
عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن،
سبک زندگی. (۱۱۶)

امید صادق‌متکی بر واقعیت‌های عینی و نگاه خوش‌بینانه به آینده، کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. (۱۱۷) بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. (۱۱۸) آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. (۱۱۹) اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. (۱۲۰)

مأیوس‌سازی مردم و مسئولان از آینده؛ فعال‌ترین برنامه‌ی رسانه‌ای دشمن در طول این چهل سال

در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مأیوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. (۱۲۱)

فهرستی از تاکتیک‌های دشمن در راهبرد مأیوس‌سازی از آینده

خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی

دشمنان ملت ایران است؛ (۱۲۲) و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. (۱۲۳)

🌀 **مأموریت جوانان در قبال راهبرد مایوس‌سازی**

شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. (۱۲۴)

🌀 **نخستین وریشه‌ای‌ترین جهاد**

در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. (۱۲۵) ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. (۱۲۶) این نخستین وریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. (۱۲۷)

🌀 **وجود نشانه‌های امیدبخش**

نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. (۱۲۸)

🌀 **نسبت بالای رویش‌ها، دست و دل‌های امین و خدمتگزار در کشور**

رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است (۱۲۹) و دست و دل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. (۱۳۰)

🌀 **نگاه احترام‌آمیز دنیا به جوان ایرانی**

دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. (۱۳۱)

🌀 **حماسه بیافرینید**

قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید. (۱۳۲)

و اما توصیه‌ها: (۱۳۳)

🌀 **یک علم و پژوهش**

🌀 **دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور**

علم و پژوهش: (۱۳۴)

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. (۱۳۵) روی دیگر دانایی، توانایی است. (۱۳۶)

🌀 **دانش، عامل اصلی بر خورداری دنیای غرب از ثروت و نفوذ و قدرت**

دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت

دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. (۱۳۷)

نیاز مبرم کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش

ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم (۱۳۸)، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. (۱۳۹)

استعداد علمی ملت ما، بالاتر از متوسط جهان

بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما، از متوسط جهان بالاتر است. (۱۴۰)

آغاز رستاخیز علمی کشور با سرعت یازده برابر شتاب رشد علم در جهان

اکنون نزدیک به دودهمه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده (۱۴۱) و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. (۱۴۲)

رتبه علمی شانزدهم کشور در میان بیش از دویست کشور جهان

دستاوردهای دانش و فناوری مادر این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید (۱۴۳) و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد (۱۴۴) و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد (۱۴۵)، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. (۱۴۶)

رشد علمی در شرایط تحریم و مخالفت‌های دشمن، نعمت بزرگی که باید روز و

شب خدا را سپاس گفت

ما با وجود شنادر جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم (۱۴۷) و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت. (۱۴۸)

لزوم حفظ و استمرار شتاب علمی کشور

اما آنچه من میخواهم بگویم این است که این راه طی شده، باهمه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. (۱۴۹)

ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقیم؛ (۱۵۰) باید به قله‌ها دست یابیم.

(۱۵۱) باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. (۱۵۲) ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ (۱۵۳) ما از صفر شروع کرده‌ایم. (۱۵۴)

❁ **ضرورت جبران عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی ها و قاجارها**

عقب ماندگی شرم آور علمی در دوران پهلوی ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. (۱۵۵)

ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم (۱۵۶) ولی این شتاب باید سالها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. (۱۵۷)

❁ **اعلام فتوای جهاد علمی به عموم جوانان**

اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، (۱۵۸) ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. (۱۵۹)

سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده (۱۶۰) و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. (۱۶۱) به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید. (۱۶۲)

❁ **دو معنویت و اخلاق**

❁ **معنای معنویت**

معنویت و اخلاق: (۱۶۳)

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، (۱۶۴)

❁ **معنای اخلاق**

و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. (۱۶۵)

❁ **معنویت و اخلاق، نیاز اصلی جامعه**

معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتهای و فعالیت‌های فردی و اجتماعی

و نیاز اصلی جامعه است؛ (۱۶۶) بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. (۱۶۷)

رشد شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، جهاد و تلاش

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه، هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می آورد؛ (۱۶۸) این، بی گمان محتاج جهاد و تلاش است (۱۶۹) و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. (۱۷۰)

راهکارهای ایجابی و سلبی برای دستیابی به اخلاق و معنویت در جامعه

اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی آید (۱۷۱)، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، (۱۷۲) اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، (۱۷۳) و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند (۱۷۴) و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ (۱۷۵) با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوهی معقول بستیزند (۱۷۶) و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. (۱۷۷)

ضرورت برنامه مندی دستگاههای مسئول حکومتی و اشخاص و نهادهای

غیر حکومتی در برابر تهاجم روز افزون دشمنان با ابزارهای رسانه ای پیشرفته و فراگیر

ابزارهای رسانه ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است (۱۷۸) و هم اکنون تهاجم روز افزون دشمنان به دلهای پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره گیری از این ابزارها را به چشم خود می بینیم. (۱۷۹)

دستگاههای مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد (۱۸۰). و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. (۱۸۱) در دوره ی پیش رو باید در این باره برنامه های کوتاه مدت و میان مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله. (۱۸۲)

سه) اقتصاد

اقتصاد؛ نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری

کشور

اقتصاد: (۱۸۳)

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین کننده است. (۱۸۴)

اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است (۱۸۵) و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. (۱۸۶)

تأثیر شگرف فقر و غنادر جامعه

فقر و غنادر مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. (۱۸۷) اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. (۱۸۸)

ضرورت تقویت اقتصاد مستقل کشور

تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت محور، و مصرف به اندازه و بی اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است (۱۸۹) و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده (۱۹۰)، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. (۱۹۱)

راه نجات نمایی انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد. (۱۹۲)

عملکردهای ضعیف مانع تحقق راه نجات اقتصادی

ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. (۱۹۳) چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است (۱۹۴) که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم اثر و حتی بی اثر خواهد شد. (۱۹۵) چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است. (۱۹۶)

فهرست مهم‌ترین عیوب ساختاری اقتصاد کشور

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد، و عدم رعایت اولویتها، و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. (۱۹۷)

تأثیرات عیوب اقتصاد بر زندگی مردم

نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است. (۱۹۸)

اقتصاد مقاومتی، راه‌حل مشکلات

راه‌حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است (۱۹۹) که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. (۲۰۰)

بخش‌های مهم راه‌حل اقتصاد مقاومتی

درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه‌حل‌ها است. (۲۰۱)

نقش محوری جوانان مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی، در حل مشکلات بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. (۲۰۲) دوران پیش‌رو باید

میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد. (۲۰۳)

همه‌ی راه‌حل‌ها، در داخل کشور

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. (۲۰۳)

خطای محاسباتی نابخشودنی

اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. (۲۰۴)

عوامل و منشأ این تحلیل سراپا غلط

این تحلیل سراپا غلط، هر چند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود (۲۰۵)، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود. (۲۰۶)

چهار) عدالت و مبارزه با فساد

عدالت و مبارزه با فساد: (۲۰۷)

این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. (۲۰۸)

فساد، توده‌ی چرکین مشروعیت‌زدا از حکومت‌ها بویژه از جمهوری اسلامی

فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها [است] (۲۰۹) و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ (۲۱۰) و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیتهای مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. (۲۱۱)

سابقه فساد در علوی‌ترین حکومت‌ها، لازمه وجود دستگاهی تیزبین برای

مبارزه واقعی با فساد

و سوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کسانی را لغزاند، (۲۱۲) پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد

انقلابی و سادہ زیستی میدادند، ہرگز بعید نبودہ و نیست؛ (۲۱۳) این ایجاب میکند کہ دستگاہی کار آمد با نگاہی تیز بین و رفتاری قاطع در قوای سہ گانہ حضور دائم داشتہ باشد (۲۱۴) و بہ معنای واقعی با فساد مبارزہ کند، (۲۱۵) بویرہ در درون دستگاہ ہای حکومتی. (۲۱۶)

فساد، ہر آنچه کہ ہست غیر قابل قبول است

البتہ نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمہوری اسلامی در مقایسہ با بسیاری از کشورہای دیگر و بخصوص بارژیم طاغوت کہ سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است (۲۱۷) و بحمد اللہ مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاہ داشتہ اند، (۲۱۸) ولی حتی آنچه ہست غیر قابل قبول است. (۲۱۹)

طہارت اقتصادی، شرط مشروعیت ہمہی مقامات حکومت جمہوری اسلامی
ہمہ باید بدانند کہ طہارت اقتصادی شرط مشروعیت ہمہی مقامات حکومت جمہوری اسلامی است. (۲۲۰)

ہمہ در معرض خطر حرص و لقمہ حرام

ہمہ باید از شیطان حرص بر حذر باشند (۲۲۱) و از لقمہی حرام بگریزند (۲۲۲) و از خداوند در این بارہ کمک بخواہند (۲۲۳) و دستگاہ ہای نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفہی فساد پیشگیری و بارش آن مبارزہ کنند. (۲۲۴)

وجود انسان ہایی با ایمان، جہادگر، منبع الطبع، بادستانی پاک و دلہایی نورانی، لازمہ مبارزہ با فساد

این مبارزہ نیاز مند انسانہایی با ایمان و جہادگر، و منبع الطبع بادستانی پاک و دلہایی نورانی است. (۲۲۵)

مبارزہ با فساد، بخش اثرگذاری در راہ استقرار عدالت

این مبارزہ، بخش اثرگذاری است از تلاش ہمہ جانبہ ای کہ نظام جمہوری اسلامی باید در راہ استقرار عدالت بہ کار برد. (۲۲۶)

عدالت، در صدر ہدفہای بعثت ہای الہی و در جمہوری اسلامی

عدالت در صدر ہدفہای اولیہی ہمہی بعثتہای الہی است (۲۲۷) و در جمہوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاہ است؛ (۲۲۸)

عدالت، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها

این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است. (۲۲۹)

تحقق عدالت به صورت کامل، تنها در حکومت حضرت ولی عصر (عج)

و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد. (۲۳۰)

قابلیت تحقق عدالت به صورت نسبی، در همه جا و همه وقت

ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن [است] (۲۳۱)

قابلیت تحقق عدالت به صورت نسبی، فریضه همه بویژه حاکمان و قدرتمندان و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. (۲۳۲)

گام‌های بلند جمهوری اسلامی در تحقق عدالت به صورت نسبی

جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ (۲۳۳)

لزوم توضیح و تشریح عدالت گسترده جمهوری اسلامی برای خنثی سازی

تبلیغات دشمن

و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد (۲۳۴) و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد. (۲۳۵)

فاصله‌ای ژرف با آنچه در تحقق عدالت باید می‌شده و بشود

با این همه، اینجانب به جوانان عزیز که آینده‌ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. (۲۳۶)

بیمناکی از شکاف‌های عمیق طبقاتی و تپیدن دل برای رفع محرومیت‌ها، دو

ویژگی مسئولان تراز جمهوری اسلامی

در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد (۲۳۷) و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. (۲۳۸)

بایسته‌های کسب ثروت در جمهوری اسلامی

در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز

هست، (۲۳۹) اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی عدالتی می انجامد، بشدت ممنوع است؛ (۲۴۰)

هشدار جدی در مورد غفلت از قشرهای نیازمند حمایت

همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ رو مورد قبول نیست. (۲۴۱)

قوانین تحقق عدالت، چشم انتظار اجرای شایسته جوانان مؤمن، انقلابی، دانا

و کاردان

این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است (۲۴۲) ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ (۲۴۳) و اگر زمام‌داری بخشهای گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاء الله. (۲۴۴)

پنج) استقلال و آزادی

استقلال و آزادی: (۲۴۵)

معنای استقلال ملی

استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. (۲۴۶)

معنای آزادی اجتماعی

و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ (۲۴۷)

استقلال و آزادی، عطیه‌های الهی به انسان‌ها نه تفضل حکومت‌ها

و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی اند (۲۴۸) و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسانهاست (۲۴۹) و هیچ کدام تفضل حکومتها به مردم نیستند. (۲۵۰)

حکومت‌ها موظف به تأمین استقلال و آزادی

حکومتها موظف به تأمین این دو اند. (۲۵۱)

استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، خون آورد صد‌ها هزار انسان والا

منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. (۲۵۲) استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار

است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. (۲۵۳)

❁ استقلال و آزادی، ثمر شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب

این ثمر شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب [است] (۲۵۴)

خطر تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه برای استقلال و آزادی [و این] را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان در خطر قرار داد. (۲۵۵)

❁ همه مخصوصاً دولت، موظف به حراست از استقلال و آزادی

همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. (۲۵۶)

❁ هشدار نسبت به برداشت‌های نادرست از استقلال و آزادی

بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، (۲۵۷) و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود. (۲۵۸)

❁ نشش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: (۲۵۹)

این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی اند. (۲۶۰)

❁ بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی

صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند:

تحرك جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛

شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛

گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است (۲۶۱)

شجاعت و حکمت مدیران جهادی، عامل اصلی دستیابی جمهوری اسلامی به

عزت

که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. (۲۶۲)

سردمداران نظام سلطه، نگران و خدعه‌گر

سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ (۲۶۳) پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. (۲۶۴) امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. (۲۶۵)

وظایف دولت در قبال سردمداران نظام سلطه (آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از

دولتهای اروپایی)

دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ (۲۶۶) از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ (۲۶۷) از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ (۲۶۸) و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد (۲۶۹) و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. (۲۷۰)

مذاکره با آمریکا جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت

در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست (۲۷۱) و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت. (۲۷۲)

هفت) سبک زندگی

سبک زندگی: (۲۷۳)

زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی سبک زندگی غربی در

ایران، به کشور و ملت

سخن لازم در این باره بسیار است. (۲۷۴) آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم (۲۷۵) و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت مازده است؛ (۲۷۶)

جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه جوانان، لازمه مقابله تلاش غرب در ترویج

سبک زندگی غربی در ایران

مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما

جوانها است. (۲۷۷)

🌀 حماسه سرافرازانه، افتخارانگیز و دشمن شکن حضور ملت ایران

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن شکن ملت عزیز در بیست و دوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر میکنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق میسایم. (۲۷۸)

🌀 و سلام ویژه به جوانان

سلام بر حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) (۲۷۹)؛ سلام بر ارواح طیبه‌ی شهیدان والا مقام و روح مطهر امام بزرگوار؛ (۲۸۰) و سلام بر همه‌ی ملت عزیز ایران (۲۸۱) و سلام ویژه به جوانان. (۲۸۲) دعاگوی شما سید علی خامنه‌ای (۲۸۴)؛ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷. (۲۸۵). #.